

# واژه‌نامهٔ علوم پلیسی

فارسی - انگلیسی  
انگلیسی - فارسی

مرکز اسناد و مدارک علمی  
تهران - مهر ۱۳۷۰



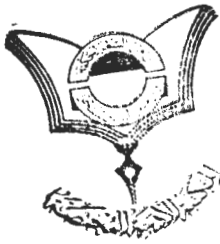
۵۸/۰۲۶

۸/۵

انگلیسی - فارسی

واژه نامه علوم پلیسی

کتابخانه ملی  
تاسیس ۱۳۵۷  
کتابخانه ملی  
تاسیس ۱۳۵۷



اسکن شد

جمهوری اسلامی ایران  
وزارت فرهنگ و آموزش عالی

## واژه نامه علوم پلیسی

انگلیسی - فارسی

فارسی - انگلیسی

شامل واژه های پلیس جنائی ، جرم شناسی ، راهنمائی و رانندگی و مواد مخدر

مرکز اسناد و مدارک علمی ایران

تهران فروردین ۱۳۷۰

**واژه نامه علوم پلیسی : شامل واژه های پلیس جنائی ، جرم شناسی ، حقوق ، راهنمائی و رانندگی و مواد مخدر، انگلیسی - فارسی ، فارسی - انگلیسی / موهلفان مهدی ریخته گر ، منصور مالکیان [ . . . ] و دیگران .**

تهران : مرکز اسناد و مدارک علمی ایران ، ۱۳۷۰ .  
 ۸۲ ، ۹۵ ص  
 A Dictionary of : ع . به انگلیسی :  
 Police Science .

۱ . پلیس - قوانین و مقررات - واژه نامه ها ۲۰ . حقوق - اصطلاحها  
 و تعبیرها ۳۰ . زبان فارسی - واژه نامه ها - انگلیسی ۴۰ . زبان  
 انگلیسی - واژه نامه ها - فارسی .

الف . ریخته گر ، مهدی ، مولف . ب - مالکیان ، منصور ، مولف  
 همکار .

### واژه نامه علوم پلیسی

انگلیسی - فارسی

فارسی - انگلیسی

موهلفان : مهدی ریخته گر ، منصور مالکیان ، سید هادی حریه ، نصرالله امیر -  
 بشیری ، علی اصغر ضابطی جهرمی ، امیر حسین وکیل گیلانی ، طاهره حسینی

صفحه آرا : شکوفه آخوندی اصل

تایپ : مزگان شهبازی

ناشر : مرکز اسناد و مدارک علمی ایران با همکاری اداره آموزش شهربانی جمهوری  
 اسلامی ایران

نشانی : تهران ، خیابان انقلاب ، چهار راه فلسطین ، شماره ۱۱۸۸

صندوق پستی : ۱۳۷۱ - ۱۳۱۸۵      تلفن : ۶۶۲۵۴۸

تیراژ : ۳۰۰۰ نسخه

بها : ۱۲۰۰ ریال

این نشریه در چاپخانه مرکز اسناد و مدارک علمی ایران به چاپ رسیده است .



## بسمه تعالی

یکی از ابزارهای مهم مطالعه و تحقیق در متون و گزارشهای گوناگون خارجی ،  
واژه نامه های تخصصی است . برای استفاده مناسب محققان ، دانشجویان و دانش  
پژوهان کشور لازم است که این واژه نامه های تخصصی به فارسی برگردانده شده  
و در دسترس قرار گیرند .

مرکز اسناد و مدارک علمی ایران فعالیت در این زمینه را بعنوان پشتیبان  
فعالیت‌های تحقیقاتی ، همسوی اهداف و وظایف خود محسوب نموده و تلاش دارد  
حتی المقدور و با استفاده از امکانات موجود ، در راستای این رسالت فرهنگی  
اقداماتی بعمل آورد .

واژه نامه علوم پلیسی با همت و تلاش بسیار افسران متخصص ، کارشناسان  
و مترجمان اداره آموزش شهربانی جمهوری اسلامی ایران تهیه شده و جهت اقدامات  
بعدی در اختیار واحد انتشارات مرکز اسناد و مدارک علمی ایران قرار گرفته است  
بعبارت دیگر این اثر حاصل همکاری و تلاشی اندک در راستای برآوردن نیازهای جامعه  
فرهنگی بزرگ ماست . امید است اندیشمندان و صاحب نظران ایرادهای وارده به این  
واژه نامه را با وسعت نظر مورد ملاحظه قرار داده و نقطه نظرهای خود را جهت اعمال  
در چاپهای بعدی به این مرکز اعلام نمایند .

فرصت را مغتنم شمرده از کمیته انتشارات مرکز که با تمویب این اثر  
وراهنمائی های فراوان ، کمک بسیاری به تهیه کنندگان این واژه نامه نموده اند تشکر  
و قدر دانی می نماید .

در خاتمه از کلیه نویسندگان ، مترجمان و تهیه کنندگان واژه نامه ها ، کتاب شناسی ها و متون تخصصی اطلاع رسانی دعوت می شود تا با همکاری و ارائه رهنمودهای خویش واحد انتشارات مرکز را جهت عرضه آثار بهتر و غنی تر فرهنگی یاری نمایند.

علی آجیل فروش

رئیس مرکز اسناد و مدارک علمی ایران

کتابی که در دست دارید حاصل کوشش عده ای از اعضا گروه پژوهش و تالیفات اداره آموزش شهربانی جمهوری اسلامی ایران است که مدت زمانی بیش از دو سال صرف تهیه آن گردیده است . در این مدت غالب متون پلیسی و حقوقی که دسترسی به آنها وجود داشت مطالعه و بررسی شد . در گزینش واژه ها حیطه مطالعات پلیس اداری ، قضائی ، جنائی و مباحث جرم شناسی و جرم یابی و حقوقی بویژه حقوق جزا ملحوظ نظر قرار گرفته است .

پس از تهیه پیش نویس ، بارها کلیه واژه ها بازنگری گردیده و در برابر معادلها و اصطلاحاتی که برای خواننده غیر متخصص نا آشنا مینمود توضیح مختصری داده شده و در پایان واژه های جمع آوری شده در دو بخش فارسی - انگلیسی و انگلیسی - فارسی منظم گردیده است .

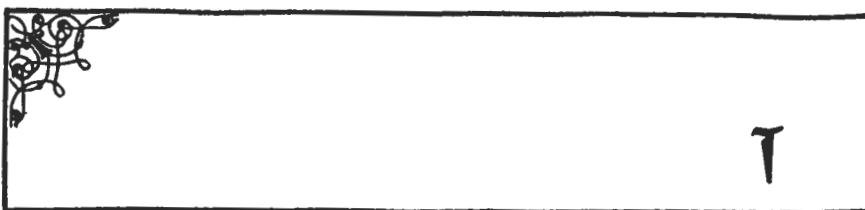
همچنین از آنجا که مجرمین حرفه ای در محاورات ما بین اصطلاحاتی به کار میبرند که اینگونه اصطلاحات و کلمات در فرهنگ های متداول وجود ندارد لازم دانستیم که بخشی از کتاب به اینگونه کلمات اختصاص داده شود لیکن به علت کثرت اصطلاحات از آنجا که نیاز به کتاب دیگری داشت درج تمامی آن در این مجلد میسر نگردید معیذا با توجه به اهمیت خاصی که مبارزه با قاچاق مواد مخدر در حال حاضر در کشورمان دارد بخشی از کتاب به اصطلاحات خاص مجرمین مواد مخدر اختصاص داده شد .



اینک هیات تدوین کننده کتاب واژه نامه علوم پلیسی امید دارد توانسته باشد در حد توانائی خود کتابی قابل استفاده برای دانشجویان ، مترجمان ، محققان و سایر علاقه مندان به امر پژوهش ، و ترجمه و تحقیق در زمینه های مختلف علوم پلیسی اعم از پلیس جنائی ، پلیس اداری ، پلیس قضائی ونیز مباحث مربوط به جرم شناسی و جرم یابی فراهم نموده باشد . با توجه به اینکه کتاب حاضر تا آنجا که ما اطلاع داریم نخستین واژه نامه ای است که در این زمینه بچاپ رسیده است بدون تردید دارای کمبود ها و کاستی هائی است که از این بابت از صاحب نظرانسی که این کتاب را مورد مطالعه قرار میدهند انتظار می رود از نظریات خود ما را بهره مند نمایند .

در پایان از ریاست محترم مرکز اسناد و مدارک علمی بخاطر همکاری صمیمانه ای که در انتشار این کتاب نموده اند و نیز دبیر کمیته انتشارات مرکز جناب آقای بیجاری به جهت مدیریت شایسته وزحمات بی شائبه ای که در این راه متحمل شده اند ، همچنین سرکار خانم شکوفه آخوندی اصل ، کارشناس انتشارات که با دقت و پشتکار فراوان زحمت صفحه آرائی را متقبل گردیدند ، سپاسگزار می نمایم .

هیات مؤلفین



terror		procedure	آئین دادرسی
to allay	آرام کردن جمعیت		آئین دادرسی کیفری
free way	آرادراه	criminal procedure	
highway			آئین دادرسی مدنی
motorway		civil procedure	
	آرادکردن	manual	آئین نامه
to assoil	(تمبره کردن)	regulations	
to disentail	(ارزدان)	bye law	آئین نامه اجرایی
to free			آئین نامه انضباطی
to release	(ارزدان)	punishment book	
	آرمایش راندگی	fire	آتش سوری
driving test		battery	آثارضرب و جرح
visual test	آرمایش چشم	adjutant	آجودان
warning	آژیر	adjutancy	آجودانی
	آژیراعلام خطر	abductor	آدم ربا
danger signal		kidnapper (per)	
	آژیراعلام خطر عمومی		آدم ربایی
general alarm		abduction , kidnapping	
alarm	آژیر خطر	to kidnap	آدم ربائی کردن
warning		assassin	آدم کش
	آژیر رفع خطر حمله هوایی	cutthroat	( اجیر شده )
all clear		homicide	
injury	آسیب	killer	
trauma		thug	
to injure	آسیب ردن	assassination	آدم کشی
to traumatize		homicide	

violation count	آمار تخلفات	← سارش	آشتی
			آشتگی اوضاع اجتماعی
traffic census	آمار ترافیک	anarchy	آشوب
accident statistics	آمار تصادفات	disturbance	(ناآرامی)
		riot	
classified traffic count(s)	آمار طبقه بندی شده ترافیک	rioter	آشوب طلب
		agitator	آشوب گر
ammonal	آمونال (نوعی ماده منفجره قوی)	bloody	آغشته به خون
		to warn	آگاهی دادن
rear-view mirror	آینه جلو یا بغل اتومبیل	lethal weapon	آلت قتاله
		depot	آمدگاه



## الف

imputation		service	ابلاغ اوراق قضائی
	اتهامات اضافی	cognizance	ابلاغ رسمی
additional charges		notice	
to accriminate	اتهام ردن	to communicate	ابلاغ کردن
to accuse		to notify	
to impute		legal notice	ابلاغ قانونی
accuser	اتهام رنده	communication	ابلاغیه
accusant			اتمام حجت (التهیاتوم)
motorway	اتوبان	ultimatum	
highway		accusation	اتهام
free way		accusal	
autobahn		charge	
state-owned	اتومبیل دولتی (پلیس)	impeachment	

temporary permit	patrol car	
rout	اجتماعات غیرقانونی	اتیکت اسم
execution	اجرا	identification tag
to promote	اجرا کردن قانون	averment
executive order	اجرائیه	proving
	اجرای احکام	اثبات بامدرک
execution of judgments	اجرای قانون	adminiculation
enforcement of law	اجرای قوانین	documentation
law enforcement	اجرای مقررات	اثبات بی گناهی از طریق ادای سوگند
enforcement of regulations	احتضار (جان کندن)	purgation
gasp out of life	احتکار	assertion
speculation	احتیاط	to aver
caution	احراز اصالت خودرو	to prove
technical identification of	احضار (به دادگاه)	mark
motor vehicles	احضار (متهم به دادگاه)	blast effect
summoning	احضار (شاهد به دادگاه)	fingerpint
arraignment	احضار (به دادگاه یا بارپرسی)	narcotism
witness summoning		pound
		shot hole
		rent
		to lease
		to let
		to rent
		to rent
		lease
		اجاره باررسی و تفتیش
		search(er)warrant
		pass
		passage
		warrant
		اجاره عبور (از مرزها کشور)
		اجاره قانونی
		اجاره موقت

turbulence(cy)		to evoke	
disorder		to invoke	
	اختیارات فرماندهی	to recall	
commandment		to cite	
authority	اختیارقانونی		احضاریه (برای احضار شاهد)
competence (cy)		summons	
legal capacity		subpoena	
legal qualification		process	
legal power			احضاریه برای ادای شهادت
legal jurisdiction		subpoena ad testificandum	
remand	اختتامین مجدد	religious rules	احکام شرعی
robbery	اختمال به عنف	extortioner	اخاذ
discharge	اخراج	racketeer	
dismissal		racketeering	اخاذی
expulsion		extortion	
deport	اخراج کردن از کشور	racketeering	اخاذی با تهدید
cognizance	اخطار قانونی	blackmail	
premonition	اخطار قبلی	to extort	اخاذی کردن
warning	اخطاریه دادگاه	information	اخبار
notice		embezzlement	اختلاس
to notify	اخطاریه فرستادن	abstraction	
concealment	اخفا	misappropriation	
	اداره آگاهی	malversation	
criminal investigation -		defalcation	
department		peculation	
	اداره اطلاعات	purloin	
intelligence service		to defalcate	اختلاس کردن
	اداره امور اتباع خارجه	to embezzle	
foreigners' affairs office		to misappropriate	
constabulary	اداره پلیس	embezzler	اختلاس کننده
	اداره تشخیص هویت		اختلال در نظم و آرامش

ingnoble people		identification department	
army	ارتش	اداره راهنمایی و رانندگی	
military		traffic department	
corruption	ارتشا	اداره سررشته داری	
bribery		supply department	
	ارتقا درجه	اداره شماره گذاری وسائط نقلیه	
promotion in rank		motor vehicle registration	
advance in rating	ارتقا رتبه	department	
commission	ارتکاب (جرم)	اداره شهربانی	
perpetration		police department	
	ارتیه ————— ماترك	اداره کردن بوسیله پلیس	
	اردیابی اطلاعات	to police	
intelligence estimate		اداره کل شهربانی	
major	ارشد	police headquarters	
majority	ارشدیت	quietus	ادای دین
intimidation	ارعاب	claim	ادعا
defloration	اراله بکارت	assertion	
	اراله کردن بکارت	jactitation	ادعای کذب
to deflower		proofs	ادله
اردواج وکالتی (اردواج اردطریق		secta	ادله خواهان دعوی
وکالت دادن به دیگری برای انجام		secondary evidence	ادله دوم جرم
proxy marriage	مراسم عقد	reason	ارائه دلیل
captivity	اسارت	proof lead	
camouflage	استتار	documentation	ارائه سند یا مدرک
stronghold	استحکامات	production	
to reason	استدلال کردن	presentation	
to adduce		free will	اراده
to listen in	استراق سمع کردن	volition	
to intercept		intentional	ارادی
to monitor		voluntary	
to overhear		rascals	اراذل

fire arms	اسلحه (گرم)	to tap	
arm	اسلحه (سردوگرم)	to bug	
weapon		extradition	استرداد مجرمین
to arm	اسلحه برداشتن	producing a witness	استشهاد
armoury	اسلحه خانه	summoning a witness	
magazine gun	اسلحه خشابدار	introducing a witness	
armourer	اسلحه ساز	adduce a witness	
armory	اسلحه سازی	(احضار به دادگاه برای ادای شهادت)	
weaponry		citation	
shotgun	اسلحه شکاری		استشهادیه (ورقه استشهاد)
arms training	اسلحه شناسی	deposition	
side arm	اسلحه کمری	abdication	استعفا
munition	اسلحه ومهمات	resignation	
allonym	اسم جعلی	information	استعلام
fictitious name		inquiry	
pazole	اسم رمز	hearing	استماع دادرسی
countersign	اسم شب	adduce	استناد
watchword			استنادبه شایعات
password		hearsay evidence	
parole	اسم عبور	presumption	استنباط
password			استنباط ادروی قرائن وامارات
allonym	اسم مستعار	presumption of fact	
nickname		question	استنطاق
forgery	اسنادجعلی	interrogation	
	اسنادهویت	inquest	
identification papers		examination	
prisoner	اسیر	warrant officer	استوار
captive			استوار یکم
	اسیرجنگی	chief warrant officer	
prisoner of war(p.o.w)		appeal	استیفاف (خواستن)
to capture	اسیر کردن	escort	اسکوررت (کردن)

communication	اطلاعیه	captor	اسیرکننده
	اظهارات دوبهلوی شاهد	wrong	اشتباه
prevarication		error	اشتباه دادرسی
	اظهار قابل استماع	insurgents	اشرار
prima-faice case		stolen goods	اشیا مسروقه
	اظهار نظر قطعی کردن	plant	
to affirm			اشیا مسروقه که سارق هنگام فرار
rehabilitation	اعاده حیثیت	waife	ارخودبجامیکدارد
recrimination		amend	اصلاح کردن قانون
cross action			اصول محاکمات جزا ← آئین
	اعاده حیثیت قانونی		دادرسی کیفری
legal rehabilitation		anxiety	اضطراب
	اعاده حیثیت قضائی	obedience	اطاعت
judicial rehabilitation		submission	
retrial	اعاده دادرسی	law-abiding	اطاعت ارقانون
	اعتراض به صلاحیت دادگاه	gas chamber	طاق اعدام با گاز
demurrer			طاق افسرنگهبان (درکلانتری)
confession	اعتراف	enquiries	
acknowledgement		wardership	طاق زندانبان
plead guilty	اعتراف به جرم	box	طاقک نگهبان
to acknowledge	اعتراف کردن	sentry box	طاقک نگهبانی
to confess		extinguishing	اطفا حریق
	اعتراف (درمراحل بازرسی)	information	اطلاعات
admission		intelligence	(امنیتی)
wring	اعتراف گرفتن باشکنجه		اطلاعات حیاتی
	اعتراف و معرفی همداستان مجرم	critical intelligence	
appprovement			اطلاعات سری
confession	اعتراف نامه	secret information	
strike	اعتصاب		اطلاعات طبقه بندی شده
narcotic	اعتیادآور	classified information	
addiction	اعتیاد به مواد مخدر	restricted data	



	اغتشاشات داخلی	drug addiction	
civil disturbances		narcotism	
domestic disturbances		hupe	اعتیاد به مواد مخدر تزریقی
	اغفال (بمنظور ارتکاب جرائم)	execution	اعدام
abduction	(جنسی)	electrocute	(با صندلی برقی)
seduction		hanging	(بوسیله دار)
to deceive	اغفال کردن	gallows bird	اعدامی
	(بمنظور ارتکاب جرائم جنسی)	decoration	اعطای نشان
to seduce			اعلام اتهامات
seduction	اغوا	statement of charges	
to deceive	اغوا کردن	indictment	اعلام جرم
to entice		impeachment	
to seduce		warning	اعلام خطر
aspersion	افترا	early warning	
defamation			اعلام وضعیت درد
calumny		yellow warning	
libel			اعلام وضعیت سفید
slander		white warning	
to aspers	افترا دادن	red warning	اعلام وضعیت قرمز
to calumniate			اعمال اداری دادگاه
to defame	افسر (در بعضی ادکشورها به کلیه درجات اطلاق میگردد)	judicial administrative acts	
officer	افسر	hard labour	اعمال شاقه
commissioned officer	افسر ارشد	servitude	
senior officer	افسر ارشد نگهبان		اعمال قدرت قانونی (برای حفظ نظم و امنیت)
service officer		police	
	افسر انتظامی	judicial acts	اعمال قضائی
peace(keeping)officer			اعمال نفوذ
	افسر تعقیب و مراقبت	exertion of influence	
surveying officer		turbulence(cy)	اغتشاش
		riot	
		anarchy	

to bring(an action against)	range officer	افسر تیر
to file(lodge) a lawsuit	subassembly officer	افسر جز
to implead	provost	افسر دژبان
to litigate	liaison officer	افسر رابط
to lodge a complaint against		افسر رسیدگی به شکایات
to plead for justice	claims officer	
to produce a lawsuit		افسر عملیات جاسوسی
to set up	spying officer	
to sue		افسر فرمانده
اقامه دلیل از طرف متهم برای اثبات	commanding officer	
alibi	subaltern	افسر مادن سروان
عدم حضور در صحنه جرم	officer in charge	افسر مسئول
اقامه دلیل کردن	officer in duty	
to adduce(an argument or reason)		افسر میدان تیر
اقامه دلیل ومدرك در دادگاه	firing line officer	
to bring (an action against)		افسر نگهبان
اقدامات احتیاطی	officer of the day	
preventive action		افسر یا مامور در حال خدمت
اقدامات امنیتی	officer on duty	
security actions	to devulge	افشا کردن
security measures	to disclose	
اقدامات تامینی سالب آزادی	to reveal	
security actions necessitat-	opium	افیون
ing the deprivation of free-	assumption	اقامه دعوی
dom	declaration	
اقدامات تامینی محدود کننده آزادی	legal process	
security measures necessitat-	litigation	
ing the limitation of freedom	pleading for justice	
اقدامات قانونی (دادگاه)	pretention	
instance	suit	
legal actions	to actionize	اقامه دعوی کردن

annihilation	امحاً	most immediate	اقدام آنی
destruction		caution	اقدام ایمنی
effacement		urgent action	اقدام سریع
wipe out		اقدام شدیدپلیس (بمنظور برقراری	
relief	امداد	crackdown	(نظم)
command	امریه	revolt	اقدام علیه حکومت
decree		اقدام قانونی (در جرائم مشهود)	
mandate		presentment	
order			اقرار ← اعتراف
	امضاً اصلی (اصیل)	assumpsit	التزام
johnhancock	(عامیانه)	bondage	
security	امنیت	undertaking	
	امنیت داخلی	alcoholic	الکلی
internal security		bibber	
	اموال دولتی	duplicate copy	المثنی
state-owned properties		امارات وقرائن (عبارت است از	
real estate	اموال غیر منقول	اوضاع واحوالی که نوعاً" صحت اظهارا	
	اموال مجهولالمالك	یکی از طرفین دعوی را برساند و آن	
unclaimed properties		در صورتی حجت است که قوی وموجه	
stolen goods	اموال مسروقه	indirect proof	( باشد
plant	(عامیانه)		اماره
abandum	اموال مصادره ای	circumstantial evidence	
confiscated properties		اماره (اتفاقی)	
	اموال منقول	circumstantial evidence	
personal properties		circumstantiate	
general	امیر ارتش (تیمسار)	اماره قانونی	
	امین (امانت دار - قابل اعتماد)	presumption of law	
trustee		judge-made law	اماره قضائی
	امین صلح (دادگاه بخش)	plevin	امان نامه (قدیمی)
justice of the peace		امتناع کردن (ارصحت دردادگاه)	
ammunition depot	انبار مهمات	muteness	بیادندان

dismissal	انفصال	انباری (جاسازی مواد مخدر در بدن)	
revolution	انقلاب	hiding narcotics in the body -	
denial	انکار	cavities	
disaffirmation		suicide	انتحار
repudiation		felo-de-se	
dactyloscopy	انگشت نگاری	suspension	انتظار خدمت
fingerprinting		peace-keeping	انتظام
destruction	انهدام	revenge	انتقام
	انهفرم خدمت	deviation	انحراف
service uniform		perversion	(جنسی)
hooligans	اوباش	law institute	انستیتو حقوق
rascals			انستیتو قوانین جنایی و جرم شناسی
scorn	اهانت	institute of criminal law	
abusive	اهانت آمیز	and criminology	
competence (cy)	اهلیت قانونی	desistance	انصراف اردعوی
battery	ایراد ضرب و جرح	disclaim	
jab	(با آلت برنده)	quit claim	
slash	(با آلت برنده و مشت)		(..... و طرح دعوی جدید)
stop	ایست	departure	
station	ایستگاه	discipline	انضباط
bus station	ایستگاه اتوبوس		انضباط ظاهری
	ایستگاه مترو	formal discipline	
underground station		disciplinary	انضباطی
subway station		blast	انفجار
	ایستگاه وسایط نقلیه عمومی	blow up	
transit station		detonation	
transit stop		explosion	

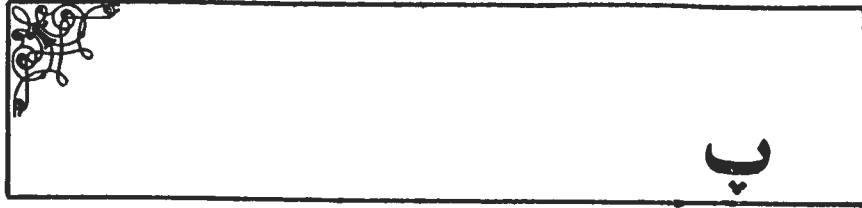


## ب

cross-examination		racketeer	باج خور
to inquire	بارجویی کردن	extortioner	
to enquire		concussion	باج خوری
to interrogate		extortion	
to quest		racketeering	
arrestation	بارداشت	blackmail	باج سیدیل
arrestment			باجه اطلاعات
custody		information desk	
detention		overload	بار اضافه بر ظرفیت
	بارداشتگاه	powder (gun)	باروت
confinement facility		opposer	بارپرس
custody		examiner	
house of detention		examining magistrate	
	بارداشتگاه جنگی	inquirer	
concentration camp			بارپرسی
guard house	بارداشتگاه نظامی	cross-examination	(ارشامد)
detention barracks		examination	
remand	بارداشت مجدد		بارپروری (آموزشی)
detainee	بارداشتی	re-education	
body search	باردیدبدنی	interrogator	بارجو
	باردیدصحنه جرم	questioner	
visiting the scene of crime		cross question	بارجویی
inspector	باررس	inquiry	
inspector general	باررس کل	interrogation	
search	باررسی		بارجویی حضوری

absence of malice	بدون سؤ نیت	inspection	باررسی بدنی
unintentional	بدون قصد قبلی	frisk	
debtor	بدهکار	field inspection	باررسی محل
debt	بدهی	field reconnaissance	
affranchisement	برائت		بارگشت به زادگاه (میهن)
clearing		repatriation	
compurgation		baton	باطون
discharge		club	
excuse		truncheon	
exemption		virgin	باکره
fratricide	برادرکشی		بالاترین مقام نظامی در بعضی از
	برجک (مخروط لاستیکی که در راهنمایی	marshal	کشورها)
	وراندگی مورد استفاده است)	intrinsic	بالفطره
traffic cone			بانک (بومحل نگهداری البسه و
watch tower	برج نگهبانی		اشیا خصوصی مجرمین بمنظور
range	بردسلاح		استفاده ادبوی آن توسط سگهای
slave trade	برده فروشی		پلیس در ردیابی و تعقیب آنان)
	برف پاک کن (اتومبیل)	scent bank	
windscreen wiper		bank robbery	بانک دزدی
check	برگ جریمه		بچه نامشروع
ticket		illegitimate child	
capias	برگ جلب		بچه بی صاحب (سراهی)
	برگ عدم سؤ پیشینه کیفری	foundling	
security clearance			بخشنامه
testimonial	برگه استشهاد	circular letter (note)	
testimonial		absolution	بخشودگی
award	برگه رای دادگاه	to assoil	بخشیدن
free way	بزرگراه	to pardon	
highway		imitation	بدلی
guilt	بزه	spurious	
delinquency		defamed	بدنام
guilty	بزهکار	demirep	

to evoke	به دادگاه بالاتر بردن	criminal	
to assassinate	به قتل رساندن	delinquent	
on bail	به قید کفیل		بزه کاری جوانان
	به قید کفیل آزاد کردن	juvenile delinquency	
to bail out		next of kin	بستگان درجه اول
to release on bail		to mobilize	بسیج کردن
incaution	بی احتیاطی	armaments	بسیج نیرو برای جنگ
indiscipline	بی انضباطی		بضامن کردن (سلاح)
atrocious	بی رحم	to put on safety	
cruel		on the order of	بفرموده
ruffian		virginity	بکارت
radio	بی سیم	top secret	بکلی سری
police radio	بی سیم پلیس	to bluff	بلف زدن
radio operator	بی سیم چی	outbreak	بلوا
lawlessness	بی قانونی	outburst	
unpaid work	بیگاری	mental maturity	بلوغ عقلی
guiltless	بی گناه	bomb	بمب
blameless		bombardment	بمباران
innocent		bombing	
guiltlessness	بی گناهی		بمب تخریبی
innocence		demolition bomb	
indecenty	بی نزاکتی		بمب دست ساز
auto insurance	بیمه اتومبیل	hand-made bomb	
car insurance			بمبگذاری کردن
	بیمه شخص ثالث	to plant a bomb	
liability insurance		ward	بندردندان
third party insurance		hemp	بنگ
life insurance	بیمه عمر	bang=bhang	
to insure	بیمه کردن	adjourn	به تعویق انداختن محاکمه
policy	بیمه نامه		به جای خود! (فرمان نظامی)
anonymous	بی نام و نشان	as you were !	

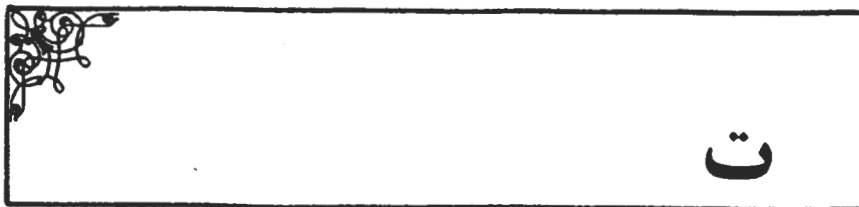


order arms	پاك كردن (درجعل)	haunt	پاتوق
		barracks	پادگان
to obliterate		garrison	
patricide	پدرکشی	favouritism	پارتی باری
admission	پذیرش	parking meter	پارکومتر
	پرتاب نارنجک یا خمپاره	parkway	پارک وی
shell fire			پارکینگ (در سطح جاده)
aggressiveness	پرخاشگری	parking lane	
	پرداخت غرامت		
indemnification		sentry	پاس
recompensation		constable	پاسبان
license	پروانه	bobby	(عامیانه)
	پروانه اقامت	police	
residence permit		policeman	
laissez-passer	پروانه عبور	passport	پاسپورت
	پرورش اطلاعات	plea	پاسخ دعوی
intelligence process		guard house	پاسدار خان
orphanage	پرورشگاه		پاسداری
dossier	پرونده	guardship	
file		post of duty	پاسگاه
record		sentry post	
coroner	پزشک قانونی	station	
medico-legal examiner	پزشکی قانونی	post	
coroner's office		police station	پاسگاه پلیس
			پافنگ



کوچکتر وادشهر بزرگتر و تقریباً"	morgue	پلاک دولتی (وسیله نقلیه)
معادل شهرستان است (در امریکا)	state licence plate	پلاک موقت (وسیله نقلیه)
sheriff	transit plate	پلاک وسیله نقلیه
criminalistics	licence plate	پلاک وسیله نقلیه
judicial police	registration plate	پلاک وسیله نقلیه
marshalcyy (در ایالات متحده)	bridge	پل روگذر
patrol man (پلیس گشتی (فرد))	crossover	
secret police (پلیس مخفی)	overpass	
detective	foot bridge	پل عابر پیاده
plainclothes man	overhead pedestrian crossing	
school guard (پلیس مدارس)	bridge, fly-over	پل هوایی
school guard (پلیس هواپیمائی کشوری)	bullet case (پوکه)	پلیس
civil aviation police	cartridge case	
boot (پوتین)	casing	
bullet case (پوکه)	shell	
cartridge case	پناهگاه (حملات هوایی)	
casing	air raid shelter	
shell	assylum (پناهندگی)	
پناهگاه (حملات هوایی)	refugee (پناهنده)	
air raid shelter	covert action (پنهان کاری)	
assylum (پناهندگی)	secretion	
refugee (پناهنده)	walk way (پیاده رو)	
covert action (پنهان کاری)	infantry (پیاده نظام)	
secretion	radio telegram (پیام تلگرافی)	
walk way (پیاده رو)	express (پیام (تلگرام فوری))	
infantry (پیاده نظام)	victory (پیروزی)	
radio telegram (پیام تلگرافی)	thirty eight pistol (پيستوله كالیبر ۲۸)	
express (پیام (تلگرام فوری))		
victory (پیروزی)		
thirty eight pistol (پيستوله كالیبر ۲۸)		

sue	پیمان نامه نظامی	present arms	پیش فنک
military covenant		bad record	پدشینه
		courier	پیک
		prosecution	پیکرد قانونی



hospital sign	تابلو بیمارستان	citizenship	تابعیت
parking sign	تابلو پارکینگ	naturalization	تابعیت اکتسابی
	تابلو پارکینگ عمومی		تابعیت محل تولد (خاک)
municipal-parking sign		citizenship by birth	تابعیت از تولد
	تابلو پارکینگ عرض	sign	تابلو
narrow-bridge sign			تابلو ها و علائم راهنمایی و رانندگی
curve sign	تابلو پیچ	traffic signs and signals	تابلو ها و علائم راهنمایی و رانندگی
	تابلو (های) پیش آگاهی	caution sign	تابلو احتیاط
advance sign(s)		guide sign(s)	تابلو (های) اخباری
	تابلو پمپ بنزین		تابلو (های) اخبار کننده (هشدار دهنده)
gas-station sign		advance warning sign(s)	تابلو های هشدار دهنده (اخطاری)
	تابلو تقاطع	warning signs	تابلو های هشدار دهنده (اخطاری)
intersection sign		stop sign	تابلو ایست
	تابلو تقاطع راه آهن		تابلو (های) بار دارنده
railroad crossing sign		prohibitive sign(s)	تابلو (های) ممنوع کننده
	تابلو جاده در دست تعمیر است	dead-end sign	تابلو بن بست
road-work sign			تابلو به ایستگاه مدرسه نزدیک
	تابلو جاده دو طرفه		میشوید
two-way traffic sign		school-bus-stop-a head sign	تابلو ایستگاه مدرسه نزدیک
	تابلو جاده لغزنده		
slippery-when-wet sign			
	تابلو جاده ناهموار		

distance sign(s)	تابلو(های) مسافت نما	rough-road sign	تابلو(های) جهت نما
detour sign	تابلومسیر انحرافی یا انشعابی	directional sign(s)	تابلوحد اقل سرعت مجاز
no-passing-zone sign	تابلومنطقه سبقت ممنوع	minimum-speed-limit sign	تابلوحد اکثر سرعت مجاز
speed-zone-a head sign	تابلومنطقه محدودیت سرعت	speed-limit sign	تابلو(های) حکم کننده
circle sign	تابلومیدان	mandatory sign(s)	تابلوخطر
street-name sign	تابلونام خیابان	danger sign	hazard sign
do-not-enter sign	تابلو ورود ممنوع	lane-closed sign	تابلوخط عبوری بسته است
traffic signs and signals	تابلوها و علائم راهنمایی و رانندگی	no-u-turn sign	تابلودورزدن ممنوع
flog	تاریانه	no-u-turn sign	تابلوسبقت ممنوع
knout		do-not-pass sign	تابلو شیب
lash		hill sign	تابلو عبور یکطرفه
to flog	تاریانه ردن	one-way sign	تابلو عکسبرداری ممنوع
to knout		no-photographing sign	تابلو گذاری
to lash		signing	تابلو گذرگاه مدرسه
discipline	تأدیب	school-crossing sign	تابلو گردش
give security for	تأمین دادن	turn sign	تابلو گردش به چپ ممنوع
local security	تأمین محلی	no-left-turn sign	تابلو گردش به راست ممنوع
damage(s)	تاوان	no-right-turn sign	تابلو گردش ممنوع
security clearance	تایید صلاحیت	no-turns sign	
conspiracy	تنبانی		
to conspire	تنبانی کردن		
تب تیفوس (که گاهی در رندانه‌ها			

ravishment		jail fever	شایع میشود (
infract	تجاوز از مقررات	absolution	تبرئه
violation		compurgation	
intrude	تجاوز به حریم دیگران	excuse	
trespass		exoneration	
abusion	تجاوز به حقوق	purgation	تبرئه با سوگند
	تجاوز به حقوق دیگران	to acquit	تبرئه کردن
encroachment		to assoil	
accroach	تجاوز به مال غیر	to cleanse	
search	تجسس	to clear	
surveillance		to discharge	
investigate	تجسس کردن	to exculpate	
under protection	تحت الحمايه	to excuse	
	تحت پیگرد قراردادن	to exonerate	
to prosecute		citizen	تابعه
wanted	تحت تعقیب	exile	تبعید
	تحت تعقیب قانونی قراردادن	to banish	تبعید کردن
to pursue		to exile	
	تحت تعقیب و مراقبت پلیس	to expatriate	
under police surveillance		exile	تبعیدی
	تحت کنترل پلیس	expatriate	
under police control			تبلیغات سؤ (سیاه)
under protection	تحت مراقبت	black propaganda	
custody	تحت نظر	malefactor	تبهکار
	تحت نظر بودن در خانه	felon	
house arrest		gangster	
	تحریک و تلاش برای اغفال	felony	تبهکاری
solicitation		gun	تپانچه
to boycott	تحریم کردن	pistol	
to ban	تحریم و توقیف کردن	assault	تجاوز (جنسی)
inquisition	تحقیق	rape	

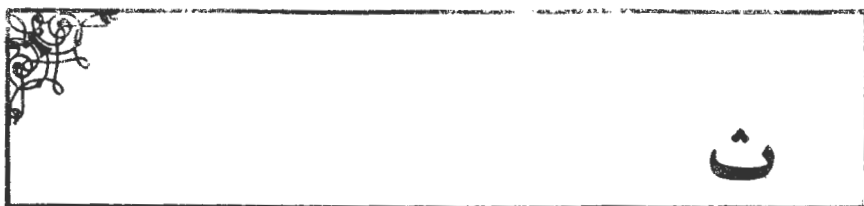
to sniff	(اراه بینی)	investigation	
deception	تدلیس	quest	
hypocrisy		detection	تحقیقات پلیسی
transportation	ترابری	police investigations	
	تراضی (رضایت طرفین)		تحقیقات جنایی
mutual consent		criminal investigation	
light traffic	ترافیک سبک	question	تحقیقات دادگاهی
heavy traffic	ترافیک سنگین		تحقیقات مجدد قضائی (برابر تصمیم
	تراکم ترافیک	review	دادگاه)
traffic congestion		spot inquiries	تحقیقات محلی
question	تردید	basic research	تحقیقات مقدماتی
fear, fright, panic	ترس	initial investigation	
promotion	ترفیع		تحویل پلیس دادن
promotion in rank	ترفیع درجه	to turn over to the police	
double promotion	ترفیع مضاعف	demolition	تخریب
	ترك اعتیاد کردن	destruction	
to give up addiction		ruination	
to quit addiction		destructor	تخریب کننده
	ترك انفاق	abatement	تخفیف در مجازات
quitting of alimony		commutation	
abandonment	ترك پست	infringement	تخلف
abandonment	ترك خانواده	offending	
disclaim	ترك دعوی کردن	transgression	
burst	ترکش	violation	
shell fragments			تخلف از مقررات راهنمایی
shrapnel			وراندگی
	ترك نشین (موتورسیکلت یا دوچرخه)	traffic violation	
pillion passenger			تخلیه کردن منزل استیجاری
pillion rider		to evict	
inheritance	ترکه (ارث)	supplies	تدارکات
legacy		to smoke	تدخین کردن

head-to-tail accident (collision)	assassination	ترور
rear accident	to terrorize	ترور کردن
rear-(end)accident	to assassinate	
rear collision	assassin	تروریست
تصادف جلوبه پهلو	assassinator, terrorist	
broad-side accident	ترویج پول تقلبی یا اسنادمجعل	
تصادف شاخ به شاخ (جلوبه جلو)	uttering	
head-on accident	opium	تریاک
تصادف عمودی	opium addict	تریاکچی
right angle accident (collision)	shoot up	تزیق موادمخدر دررگ
تصادف منجر به فوت	تزویر ← جعل	
fatal accident	weaponry	تسلیحات
admission	arms	
تصدیق	armaments	
تصرف عدوانی (درمال غیر منقول)		تسلیم متهم به دادگاه
adverse possession	committed for trial	
تصرف عدوانی (درمال منقول)	identification	تشخیص هویت
forcible possession		تشخیص هویت جنائی
to seize	criminal identification	
تصرف کردن	to identify	تشخیص هویت دادن
تصویب کردن (قانونی)	aggravation	تشدید مجازات
homologate		تشکیلات قضائی
approve	justice administration	
تصمیم دادگاه بااهیت منصفه		تشکیلات قضائی مدنی
finding	civil justice administration	
verdict	crash	تصادف (وسائط نقلیه)
guaranty	accident	
surety	collision	
warranty		تصادف بزن دررو (گریختن از محل)
demonstration	hit-and-run accident	تصادف (تصادف)
grievance		تصادف جلوبه عقب
تظلم		
تعارض قوانین		
discrepancy of laws		

to burke	باحيله وتزوير)	compounding crime	تعددجرم
	تعيين ميزان خسارت	violence	تعدي
damage assessment		punishment	تعزير
	تغيير مسير (در رانندگي)	chase	تعقيب
lane changing		pursuance	
	تغيير محل اموال مسروقه	manhunt	تعقيب جنايتكاران
asportation		pursuit	تعقيب قانوني
inspection	تفتيش	prosecution	
search		to indict	تعقيب قانوني كردن
	تفسير قانون		تعقيب كننده
interpretation of law		actioner	(ارطريق قانون)
	تفسير قضائي	chaser	
judicial interpretation		pursuer	
rifle	تفنگ		تعقيب مفترى (اتهام رنده)
shotgun	تفنگ ساچمه رني	nonsuit	
muzzle-loader	تفنگ سرپر	hunt	تعقيب و دستگيري
revenge	تقاص	pursuit	تعقيب و مراقبت
application	تقاضا	surveillance	
	تقاضاي تاخير در صدور حكم		تعليق دادن (به تعقب انداختن
demurrer		to suspend	اجراي حكم)
intersection	تقاطع		تعليق مجازات زندانيان (به قيد
junction		probation	التزام حسن رفتار)
citation	تقدير (ارخدمت)	respite	تعليق موقت مجازات
cheat	تقلب	assumpsit	تعهد
fraud		bondage	
to adulterate	تقلب كردن	undertaking	
false	تقليبي		تعهد اخلاقي (كه زنداني براي
fake		parole	آراد شدن ميدهد)
attack	تك (حمله)	to warrant	تعهد كردن
beggary	تكدي	relief	تعويض نگهباني
recidivism	تكرار جرم		تعويق انداختن (مراحل دادرسي

preventive detention	توقیف اموال	to retaliate	تلافی کردن
attachment of property		casualties	تلفات
restraint of property	توقیف غیر قانونی	fatality	
arbitrary arrest		to wire	تلگرام دادن
detainer	توقیف کننده	express	تلگرام فوری
	توقیف مجدد (برای جرم واحد)	booby trap	تله انفجاری
re-attachment		malingering	تمارض
recaption		simulation	
impound	توقیف وسیله نقلیه	obstinacy	تمرد
hallucinosiis	توهم دائمی	contradiction	تناقض
defamation	توهین	reprimand	تنبيه ادارى
offending		disciplinary punishments	تدبيهاى انضباطى
insult		corporal punishment	تنبيه بدنى
defamatory	توهين آميز	berate	تذليل درجه (در ارتش)
assault	تهاجم	degradation	
offensive		demote	
menace, threat	تهديد	rebuke	توبيخ
	تهمت — افترا	conspiracy	توطئه
brigade	تيپ (در نظام)	plot	
shooter	تيراندار	scheme	
marksman	تيراندار ماهر	to weave a plot	توطئه چيدن
sharpshooter		to conspire	
	تيرباران	to plot	
execution by firing squad		plotter	توطئه گر
gunreach	تيررس	apprehension	توقيف
astray bullet	تير هوائى	detention	
lunatic assylum	تيمارستان	to apprehend	توقيف کردن
general	تيمسار	to detain	
functional team	تيم عملياتى	to seize	توقيف کردن مال توقيف احتياطى





ثبت وقایع (نکهبانی)	ثبت کردن (باسند ومدرك)
record of events	to document
	ثبت تصادفات
	accident record



trench		road	جاده
devotion	جانفشانی	main road	جاده اصلی
sacrifice		minor road	جاده فرعی
bloody minded	جانی	side road(way)	
criminal		outer ring road	جاده کمربندی
felon		relief road	جاده کمکی
killer		single-flow road	جاده یکطرفه
murderer		one-way road	
thug		concealment	جاساری
footprint	جای پا	spy	جاسوس
knife rest	جای چاقو	espionage	جاسوسی
booth	جایگاه رژه	to spy	جاسوسی کردن
box	جایگاه شهودیامتهم دردادگاه	double agent	جاسوس دوجانبه
	جایگاه (ردیف) متهمین دردادگاه	forgery	جعل کننده اسناد
bench		counterfeiter	جعل
compensation	جبران خسارت	ditch	جانپناه
	جبران کردن خسارت	life-line	

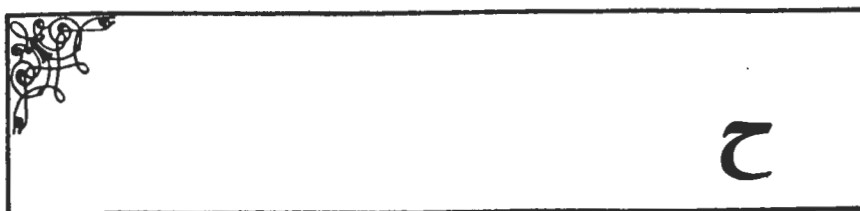
compounding crime	جرم مرکب	to compensate	
	جریمه	battle front	جبهه جنگ
amercement	(نقدی)	war front	
fine	(نقدی)		جدول (حاشیه خیابان)
penalty		curb-kerb	
	جریمه کردن	injury	جرح
to amerce	(نقدی)	wound	
to penalize		sex offenses	جرایم جنسی
punishment	جزا (کیفر)		جرایم مربوط به مشروبات الکلی
criminal	جزائی	alcoholic crimes	
penal		crime	جرم
corpse	جسد	delinquency	
dead body		guilt	
magazine	جعبه خزانه	private offence	جرم خصوصی
cartridge box	جعبه فشنگ	felony	جرم جنائی
ammunition chest	جعبه مهمات	delict	جرم جناحه ای
counterfeit	جعل	misdemeanour	
forging, forgery		minor offence	جرم خلافی
forgery	جعل اسناد	petty offence	
forging signature	جعل امضا	political offence	جرم سیاسی
jactitation	جعل عنوان	criminologist	جرم شناس
	جعل معنوی (قلب حقیقت در مضمون یک	criminology	جرم شناسی
invent	عمل حقوقی بدون اینکه به همراه یک		جرم شناسی نظامی
	عمل مادی باشد)	military criminology	
adulteration	جعل و تزویر		جرم ضد شرف و حیثیت (دشنام،
bogus	جعلی		غیبت، افشا اسرار شخصی)
forged		defamatory offence	
counterfeit			جرم ضد عفت اخلاق عمومی و اخلاق
executioner	جلاد	indecent offence	حسنه
	جلب (دستگیری) — توقیف		جرم عمومی (علیه مصالح جامعه)
	جلب اعتماد (برای کسب اطلاعات)	public mischief	

felonious		cultivation
criminal	جنایتکار	insinuation
felon		to impeach جلب کردن به دادگاه
criminal	جنایی	holster جلد اسلحه
criminous		court hearing جلسه دادگاه
misdemeanour	جنحه	court session
battle	جنگ	constrain جلوگیری از فرار متهم
combat		جلوگیری از وقوع جرائم
fighting		prevention of crime and -
war		delinquency
skirmish	جنگ و گریز	جلیقه ضد گلوله
fighter	جنگنده (هواپیما)	bullet-proof vest
to fight	جنگیدن	جمع آوری اطلاعات
fighting	جنگی	gathering of intelligence
warlike		intelligence collection
amok	جنون آنی	killing جنایت
abortive foetus	جنین سقط شده	felony
cutpurse	چیب بر	murder
pickpocket		criminous جنایت آمیز
wire		criminal



primer	چاشنی (مهمات)	چاپ کننده اسکناس یا ضرب کننده
to knife	چاقو زدن	سکه تقلبی
to stab		coiner of base money
cutthroat	چاقو کش	pile arms چاقمه فنگ
ruffian		buckshot چارپاره (نوعی فشنگ)
stabber		lead ball

traffic indicator		knifing	چاقوکشی
turning signal		ruffianism	
trafficker		stabbing	
traffic light	چراغ راهنمایی	to loot	چپاول کردن
	چراغ درد (راهنمایی)	overturn	چپ شدن خودرو
yellow (amber) light		capsize	
	چراغ سبز (راهنمایی)	rollover	
green light		gun lock	چخماق (تفنگ)
red light	چراغ قرمز (راهنمایی)	hammer	
fog light	چراغ مه شکن		چراغ احتیاط چشمک زن
guerrilla	چریک	flashing beacon light	
bolt release	چکاننده	brake light	چراغ ترمز
uncovered check	چک بی محل	blinker	چراغ چشمک زن
blank check	چک سفید	blinking light	
gallows	چوبه دار		چراغ خطر عقب (وسیله نقلیه)
gibbet		tail light	
cross roads	چهارراه		چراغ دنده عقب (وسیله نقلیه)
intersection		rear-light	
			چراغ راهنمای وسیله نقلیه



lock up		event	حادثه
life imprisonment	حبس ابد	incident	
	حبس انفرادی	to deny	حاشا کردن
solitary confinement		to refute	
	حبس با اعمال شاقه	confinement	حبس
imprisonment with hard labour		imprisonment	
lag		jailing	

what is due God		penal servitude	
right of way(r.o.w)	حق تقدم		حبس تاديبی
	حق تعقيب	correctional imprisonment	
the power to prosecute		servement	حبس خود را گذراندن
sovereignty	حق حاکمیت	to imprison	حبس کردن
	حق کشی	to jail	
disregarding other's right		taboo	حرام
injustice		bastared	حرام زاده
unjust attitude		break in	حرز را شکستن
civil rights	حقوق اجتماعی	arson	حریق عمدی (ایجاد کردن)
	حقوق اجتماعی مجرمین	fame	حسن شهرت
civil rights of criminals		reputation	
	حقوق اداری	good will	حسن نیت
administrative law		bang	حشیش
human rights	حقوق بشر	hashish=hasheesh	
	حقوق بین الملل	hemp	
international law		sponsorship	حضانت
law of nations		protection	حفاظت
business law	حقوق تجارت	safeguarding	
comparative law	حقوق تطبیقی		حفاظت اطلاعات
criminal law	حقوق جزا	counter intelligence	
penal law		safeguarding of intelligence	
	حقوق جزای اختصاصی	keep the peace	حفظ نظم عمومی
private criminal law		prescription	حق آب و گل
	حقوق جزای عمومی	blackmail	حق السکوت
general criminal law		hushmoney	
lawyer	حقوقدان		حق السکوت دادن
political law	حقوق سیاسی	to bribe to silence	
labour law	حقوق کار	honorarium	حق الوکاله
customs duties	حقوق گمرکی	lawyer's fee	
civil law	حقوق مدنی	duties to God	حق الله

حکم توقف جریان محاکمه صادره به	theoretical law	حقوق نظری
supersedeas دادگاه پائین تر	legal	حقوقی
حکم توقیف اموال بدهکار	lawful	
extent		حقه (وافور)
garnishment	bowl(of opium-smoker's pipe)	
bench warrant حکم جلب	impostership	حقه باری
caption حکم دادگاه	trickery	
decree	fact	حقیقت
writ	truth	
verdict	act	حکم
religious commandment حکم شرعی	dictum	
to decree حکم صادر کردن	edict	
to pass a judgement	fiat	
to pronounce	mandate	
to find	prescript	
to sentence	sentence	
judgement by default حکم غیابی	warrant	
ordonance حکم قانونی	writ	
doom حکم مجازات	process	حکم اجرا
arbitrage حکمیت	invocation	حکم احضار
arbitration		حکم احضار به دادگاه
government حکومت	venire faciac	
police state حکومت پلیسی	death sentence	حکم اعدام
martial law حکومت نظامی	plevin	حکم امان
assail حمله کردن	warrant of arrest	حکم بازداشت
assault حمله مسلحانه	search warrant	حکم بازرسی
حمله مسلحانه پلیس (به محل مورد	evict	حکم تخلیه منزل استیجاری
raid (ظن)	probation	حکم تعلیق مجازات
assault حمله ناگهانی	commitment	حکم توقیف
حمله و راهزنی ربانک زنی	sequestration	حکم توقیف اموال
hold up	writ of attachment	

trickery	هیهله گری	zone	حوزه
	حین ارتکاب جرم و جنایت)		حوزه استحفاظی و قضایی
flagrante delicto		jurisdiction	
red-handed		commandery	حوزه فرماندگی
while on duty	حین انجام وظیفه	to embezzle	حیف و میل کردن
on duty	حین خدمت	to waste	



stool pigeon	(عامیانه)	betrayor	خالن
to announce	خبر دادن	traitor	
to inform		treacherous	
attention	خبردار (نظامی)	warlock	
adjourn	ختم دادگاه	treacherously	خالنانه
barratry	خده	discharge	خاتمه خدمت
deceit			خارج کردن قوای نظامی
fraud		to evacuate	
	خدمت نظام وظیفه		خال سپاه (مدف تهرانداری)
military service		eye ball	
saboteur	خرابکار	tattooing	خال کوبی
terrorist		groove	خان تفنگ
vandal			خان کشی کردن (تفنگ)
sabotage	خرابکاری	to groove	
charge	خرج (نظامی)	information	خبر
junkie	خرده فروش موادمخدر	report	
narcotics peddler		informant	خبرچین (مخبر)
to fence	خریدن اموال مسروقه	informer	
to receive		nark	
to aby(abye)	خریدن مجارات	pink	(عامیانه)

	خط کشی جاده و خیابان	damage	خسارت
carriage marking		depredation	
road marking		loss	
	خط کشی گذرگاه عابر پیاده	fractional damage	خسارت جزئی
cross walk marking		light damage	
	خط کشی مقطع	malicious damage	خسارت عمدی
interrupted marking		willful misconduct	
bus only lane	خط ویژه اتوبوس	material damage	خسارت مادی
	خفگی (بعلت کمبود اکسیژن یا		خسارت معنوی (ضرری که متوجه
asphyxia	تنفس گاز کربنیک)		حیثیت و آبروی شخص شود)
	خفگی (بعلت قطع مجاری تنفسی)	defamation	
choke		cartridge	خشاب
to choke	خفه کردن	cartridge clipe	
to stifle		magazine	
to strangle		poppy	خشخاش
to suffocate		fury	خشم
to throttle		wrath	
to quench		enemity	خصومت
	خفه کردن (بمنظور سرعت)	hostility	
to garrote		error	خطا
	خفه کردن یا خفه شدن (در آب)	fault	
drown		error	خطای تیراندازی
	خلاصه وضعیت اطلاعاتی	limit line	خط ایست
intelligence summary		stop line	
fault	خلاف	braking distance	خط ترمز
minor offence		skid	
petty offence		danger	خطر
violation		hazard	
wrong	خلاف آمیز	dangerous	خطرناک
	خلاف رویه	hazardous	
Contrary to the routine		traject of bullet	خط سیر گلوله



complainer		irregular	
petitioner			خلاف شرع
plaintiff		contrary to spiritual law	
sorricide	خواهرکشی	illegal	خلاف قانون
arcunum	خودداری ارادای شهادت	unlawful	
		guilty	خلافکار
felo-de-se	خودکشی (انتحار)	offender	خلافکاری
suicide			
to suicide	خودکشی کردن	commission of an offence	
	خودنمایی (جنسی)		خلاف کردن
exhibitionism		to commit a minor offence	
blood	خون	to violate	
blooded	خون آلود	to wrong	
blood stained		contrary to truth	خلاف واقع
bloody		contrary to reality	
blood thirsty	خون آشام	disarmament	خلع سلاح
blood money	خون بها	to disarm	خلع سلاح کردن
ransom		berate	خلع درجه
revenge	خون خواهی	dispossession	خلع ید
vengeance		eviction	
blood guilt	خونریزی ناحق		خلوت کردن زندانها (بوسیله)
main street	خیابان اصلی	jail delivery	عفو عمومی
two-way street	خیابان دوطرفه	mortar-shell	خمپاره
minor street	خیابان فرعی	mortar launcher	خمپاره انداز
	خیابان ویژه اتوبوس	pilot	خلبان
bus-only street			خنثی کردن بمب (موادمنفجره)
one-way street	خیابان یکطرفه	deactivate	
betrayal	خیانت	accused	خوانده
treachery		complainee	
treacherious	خیانت آمیز	defendant	
	خیانت به مملکت	accusant	خواهان
treason		actor	

خیانت در امانت

خیانت و کلیل به موکل

prevarication

abuse of confidence

خیلی محرمانه (در مورد اسناد)

breach of trust

confidential

خیانت کار — خائن



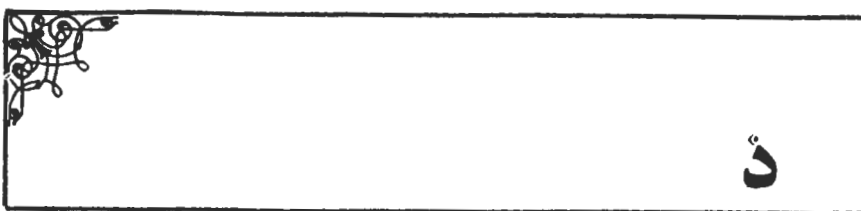
suit	دادخواهی کردن — اقامه دعوی	claim	دادخواست
	کردن	complain	
	دادرسی (مجموعه عملیاتی که بمنظور	petition	
	یافتن يك راه حل قضائی بکار میرود)	suit	دادخواست دادن
judgement		to claim	
legal procedure		to complain	
to judge	دادرسی کردن	to implead	
prosecutor	دادستان	to petition	
public prosecutor		accused	دادخوانده
attorney general	دادستان کل	arrested	
prosecutor general		culprit	
	دادسرا	defendant	
public prosecutor's office	دادسرای نظامی	petitioner	دادخواه (شاکي)
military prosecutor's office		plaintiff	
court	دادگاه	pleader	
court of justice		suitor	دادخواهی
law court		assume	
tribunal	دادگاه اداری	declaration	
administrative tribunal		legal process	
		pleading	
		grievance	
		lawsuit	

areopagus	دادگاه نهایی (فرجام)	دادگاه اختصاصی (ویژه)
	دادگاه ویژه رسیدگی به تخلفات	special court
traffic court	رانندگی	دادگاه استیناف (پژوهش)
	دادگستری (وزارت)	court of appeals
ministry of justice		دادگاه انتظامی
assistant to the public	دادیار	disciplinary court
prosecutor		دادگاه بدوی
to hang	دارودن	دادگاه بخش
	دارالایتام (پرورشگاه)	magistrate, s court
orphanage		magistracy
correction house	دارالتادیب	دادگاه بین المللی لاهه
reformatory		Hague Tribunal
reform school		court of inquiry
tranquilizer	داروی آرام بخش	دادگاه تفتیش
hallucinogen	داروی توهم را	دادگاه جزایی
opiate	داروی مخدر	دادگاه جنایی
detective story	داستان پلیسی	دادگاه جنحه
mystery story		correctional tribunal
whodunit		police court
fable	داستان دروغ (واقعه ساختگی)	دادگاه خلاف
	دانستنیهای جامع مربوط به تصادفات	court of law
accident data		دادگاه حقوقی
arbitrager(eur)	داور (قاضی)	دادگاه سیار
arbitrator		religious court
adjudication	داوری	دادگاه شرع
arbitration		دادگاه عالی تر (بالاترین دادگاه)
to arbitrage	داوری کردن	برای رسیدگی به جرم خاص)
to arbitrate		highest court
alcoholic	دائم الخمر	دادگاه عالی نظامی
rank	درجه	general court martial
	درجه دار	civil court
		دادگاه مدنی
		martial court
		دادگاه نظامی
		military court
		military tribunal
		juvenile court
		دادگاه نوجوانان

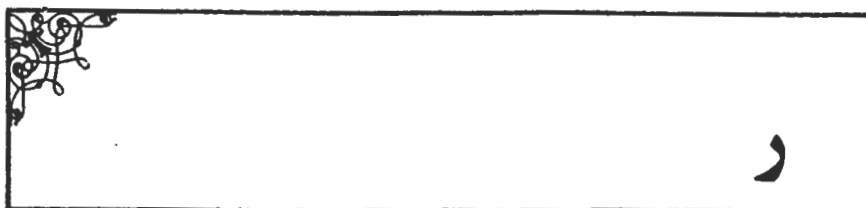
liar		non-commissioned officer	
false	دروغین	در حال ارتکاب جرم ← حین	
fictitious		ارتکاب جرم	
mendacious		در حال انجام وظیفه ← حین	
vice admiral	دریابان	انجام وظیفه	
rear admiral	دریادار	در حال نزع	
admiral	دریاسالار	on the verge of dying	
ganef	درد	درخواست استرداد مجرم	
stealer		requisition	
robber		درخواست کننده استیناف	
thief		appellant	
larcener		appellor	
دردبالفطره (کسی که به علت ناهنجاری روانی ارسرقت لذت میبرد)		reclama	درخواست تجدیدنظر
		application	درخواست نامه
kleptomaniac			درندگان بسربردن
pirate	درد دریائی	to serve one's time	
rover		to ambush	در کمین نشستن
yegg	دردشبگرد	to lie in wait for	
yegg	دردگاوصندوق	to waylay	
دردگاوصندوق (هوسيله انفجار)		to demise	درگذشتن
safe-blow		bloody minded	دربنده خو
safe-cracker		lie	دروغ
	دردگیر (دستگاه)	untrue	
burglar alarm system		untruth	
shoplifter	دردمغاره	lying	دروغگوئی
gunman	دردمسلح	mendacity	
larcency	دردی	telling lies	
robbery		lie detector	دروغ سنج
sneak	(عامیانه)	pathometer	
theft		fabricator	دروغگو
to steal	دردیدن	inventor	

apprehension	دستگیری	to rifle	
arrestation		to rob	
arrestment		to nim	
capture		to walk off with	
distrain		castle	دژ
	دستگیری به حکم قانون به رأی	fortress	
arret	دادگاه	stronghold	
recapture	دستگیری مجدد فراری	military policeman(MP)	دژبان
prescription	دستور	executioner	دژخیم
command		headsman	
commandment			دستبرد ← دردی
order		chain	دستبند
warning order	دستور آماده باش	hand cuff	
executive order	دستور اجرا	manacle	
by-law	دستور العمل	to chain	دستبند ردن
order		to manacle	
rule		to scuffle	دست به یقه شدن
writ	دستور دادگاه (حکم)		دسترسی به مدارك طبقه بندی
platoon	دسته (کوچکتر از گروهان)		شده
brass band	دسته موزیک	access to classified materials	
conspiracy	دسیسه		دستگاه شمارش خودکار (مخصوص
under plot			شمارش وسائل نقلیه در اتوبانها
enmity	دشمنی	automatic counter	وجاده ها)
hostility		arrestee	دستگیر شده
abuse	دشنام	fallen	
bad language		to apprehend	دستگیر کردن
insult		to arrest	
swear word		to capture	
	دعوا ← نزاع	to distrain	
claim	دعوی	to nab	(عامیانه)
lawsuit		arrester	دستگیر کننده

anguish		litigation	
evidence	دلیل	criminal case	دعوی جزایی
proof			دعوی خسارت
	دلیل آوردن ← استللال کردن	proceeding for damage	
complot	دور وکلک	advocate	دفاع
intrigue plot		defense(ce)	
remand	دوباره به زندان فرستادن	pleading	
to reforge	دوباره جعل کردن	to defend	دفاع کردن
u-turn	دورزدن	to plead	
	دوره آموزش انتظامی	plea of accused	دفاع متهم
law enforcement course			دفاع مشروع (کشتن بمنظور دفاع از خود در صورت نداشتن وقت برای
	دوره زندانی را گذراندن		توسل به قوای دولتی)
to serve one's time		justifiable homicide	
to wear stripes		self defence	
shoulder arms	دوش فنک	averment	دفاعیات
military government	دولت نظامی	notary public	دفتر ثبت اسناد
muzzle	دهانه لوله سلاح	diary	دفتر ثبت وقایع
look out	دیده بان	journal	
observer		duty roster	دفتر وقایع نگهبانی
sentinel		accuracy of fire	دقت تیر
watcher		larcenist, larcener	دله دزد
watchman		petit(petty)thief	
to observe	دیده بانی کردن	sneak thief	
dynamite	دینامیت		دله دزدی (سرقت به میزان برابر
supreme court	دیوان عالی کشور		یا کمتر ارجح دارد رشی که در قوانین
	دیوان عدالت اداری		بعضی از کشورها آمده است)
administrative tribunal		cabbage	
lunatic	دیوانه	larceny	
	دیه ← خون بها	petty theft	
	دیه قتل		
assythment		anxiety	دلهره



having a just claim	ذی حق	lowliness	ذلت
rightful		meanness	
costly	ذیقیمت	due	ذمه (بدهی)
valuable		obligation	
beneficiary	ذینفع	infidel	ذمی
interested (party)			



road	راه	رابطه حقوقی (بستگی حقوقی بین	
railway	راه آهن	شخص و دیگران و یا اموال او)	
traffic jam	راه بندان	Legal relation.	
brigand	راهزن	confident	راددار
highwayman		faithful to a secret	
bandit		boodler	راشی
road agent		briber	
banditry	راهزنی	driving	رانندگی
brigandage			رانندگی در حالت مستی
highway robbery		driving under influence	
carriage way	راه سواره رو	chauffeur	راننده
minor road	راه فرعی	driver	
by-pass road		reckless driver	راننده بی پروا

to trace		side road	
mean	ردل	side way	
rascal		short-cut	راه میان بر
scoundrel		guide	راهنما
wicked			راهنمایی و رانندگی
battleship	رزمناو	traffic control	
cruiser		one-way road	راه یکطرفه
warship			رای ← حکم
combatant	رزمنده (مرد جنگی)		رای یا حکم قضایی صادر کردن
fighter		to adjudge	
militant		usury	ربا
		usurer	رباخوار
parade	رژه ← جنگی	usury	رباخواری
march	رژه	interest	ربح
to parade	رژه رفتن		ربودن ← سرقت
to march past		grade	رتبه
formal	رسمی		رجم (سنگسار کردن)
official		stoning to death	
	رسومات	trace	رد (سرنخ ، اثر)
excise (on alcoholic liquors )		tract	
receipt	رسید (قبض)	track	ردپا
	رسیدگی قانونی به جرم (ارنظر	abjudge	ردقانونی
local action	محل وقوع)		ردکردن ← انکار
	رسیدگی قضائی همزمان به چند جرم	to bar	ردکردن دادخواست
concurrent jurisdiction		attaint	ردنظر هیئت منصفه
	تائید کردن صحت امر حقوقی	rank	رده
to verify	بوسیله سوگند		رده های فرماندهی
corruption	ارتقا	command channel	
bribe	رشوه	to detect	ردیابی کردن
bribery	رشوه خواری	to monitor	
to bribe	رشوه دادن	to track	



psychiatrist	روانپزشك	to corrupt	
psychiatry	روانپزشكي	to receive a bribe	رشوه گرفتن
	روانشناسی جنائی	bribee	رشوه گیرنده
criminal psychology		mature	رشید (بالغ)
psychopath	روانی (بیمار)	to assent	رضایت دادن
spirit of law	روح قانون	to consent	
peep-sight	روزنه دید (در سلاح)	to give claim	
fastbreaking	روزه خواری	certificate	رضایت نامه
courtesan	روسیبی		رعایت مقررات
prostitute		observance of regulations	
slut		رفع اتهام ← برائت	
whore		settlement	رفع اختلاف
	رولور (نوعی سلاح کمربندی)		رفع مزاحمت
revolver		abatement of nuisance	
bull-dog	رولورلوله کوتاه	pitiabile	رقت آور
copy	رونوشت	touching	
transcript		indecent	رکیک
acceptance	رویت قانونی	burst	رگبار گلوله
procedure	رویه قضائی	shower of bullets	
passer-by	رهگذر	cipher	رمز
leadership	رهبری	code	
mortgage	رهن	cryptoanalysis	رمز خوانی
chief	رئیس	cryptology	رمز شناسی
	رئیس پلیس (شهربانی)	cryptography	رمز نویسی
chief of police		cryptic	رمزی
	رئیس دادگاه نظامی		رمزی کردن (به رمز درآوردن)
judge advocate general		to encipher	
chief justice	رئیس دادگاه	to cryptograph	
magistrate	رئیس دادگاه بخش	colour-blindness	رنگ کوری
provost marshal	رئیس دژبانی	visa	روا دید
prison governor	رئیس زندان	psychopathy	روان پریشی

chief of staff

رئیس ستاد

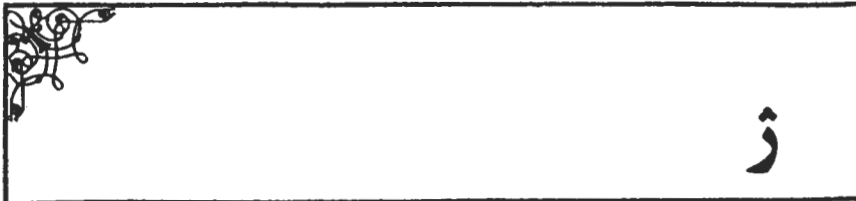
warden

(در آمریکا)

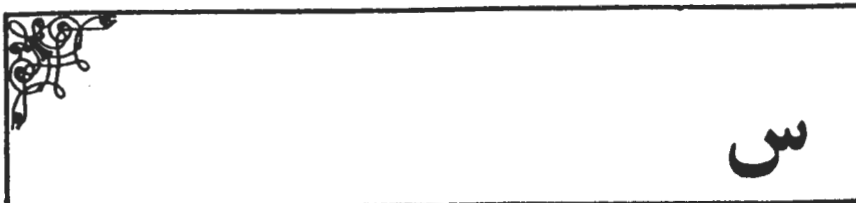


jail	رندان	depot	راغه مهمات
prison		cave dwelling	راغه نشینی
quod		adulterer	رانی (رناکار)
cell	رندان انفرادی	adultrous	رانیه (رن رناکار)
solitary confinement		persecution	دجر
jailer(cr)	رندانان	torment	
warder		torture	
warderess	رندانان زن		دجر کش کردن
wardership	رندانانی	to kill by gradual torture	
imprisoned	رندانی	to injure	دخمی کردن
jail bird		to wound	(باسلاخ گرم)
prisoner		to punch	دردن (کتک زدن)
	رندانی آرادشده بقید شرف	to beat	
probationer		conspiracy	ردوبند
	رندانی جنگی (اسیر جنگی)	battle	ردوخورد
captive		armoury	ررادخانه
prisoner of war (p.o.w)		armoured car	دره پوش (خودرو)
prison breaker	رندانی فراری	armoured force	درمی (نیرو)
to confine	رندانی کردن	carnal knowlege	رنا
to imprison		unlawful sexual intercourse	
to jail		adultry	رنا (محصنه)
to take into custody		incest	رنا با محارم
femicide	رن کشی	adultrine	رناراده
skid	رنجیر چرخ اتمییل	bastard	
wheel chain		to adulterate	رنا کردن

submarine	زیر دریایی	oppression	دورگویی
undersea		tyranny	
fly-under	زیر گذر	poison	زهر
	زیر گذر عابر پیاده	toxin	
underground pedestrian cross-		poisoned	زهر آگین
ing		to poison	زهر دادن
	زیر گرفتن (با وسیله نقلیه)	loss	زیان
runover		decoy	زیرپاکشی



general	ژنرال	gendarme	ژاندارم
gigolo	ژیکولو	gendarmeri	ژاندارمری
teddy boy		in tatters	ژنده پوش
		shabby man	



sabotage	سابوتاژ، (خرابکاری)	past record	سابق
pellet	ساجمه	precedence	
shot		previous record	سابق خدمت
bogus	ساختگی	service record	
counterfeit			سابق دار
forged		one having a past record	
simulated		one known to the police	
conspiracy	ساخت و پاخت	judicial precedent	سابق قضایی

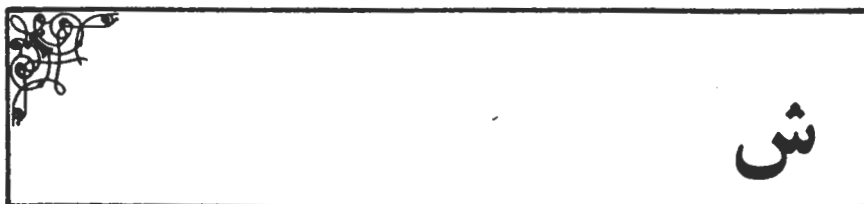
zero hour	ساعت "س" (ساعت شروع عملیات)	larcener(larcenist)	سارق
rush hour	ساعت شلوغی ترافیک	robber	
curfew	ساعت منع عبورومرور ساعات منع عبورومرور	thief	سارق جسد یا اشیا داخل قبر
curfew period		body-snatcher	
resident	ساکن (مقیم) سالن تیراندازی سرپوشیده	burglar	سارق شبانه
shooting gallery		house breaker	سارق شب یارور که حررخانه را شکسته و سرقت میکند
hypocrite	سالوس	safe breaker	سارق گاوصندوق
review	سان	yegg	(عامیانه)
accident	سانحه	bandit	سارق مسلح
to defile	سان دیدن	brigand	
to pass in review			سارق نوشتجات ادبی
copyright	سانسور	plagiarist	
driving past	سبقت	amelioration	سارش
overtaking		compromise	
to overtake	سبقت گرفتن	reconcile	سارش کردن (باپرداخت خون بها دردعای جنایی)
to pass		compound a felony	
do not pass	سبقت ممنوع	organization	سارمان
corps	سپاه		سارمان امنیتی
shield	سپر (کنترل اغتشاشات)	security organization	سارمان ربرزمینی (سری)
lieutenant general	سپهبد	clandestine organization	
general army staff	ستاد ارتش	underground organization	سارمان عفوبین الملل
commander-in-chief's staff	ستادفرماندهی کل قوا	amnesty international	
	ستادنیروهای مسلح	equipment	ساروبرگ
army staff headquarters		ordnance	
lieutenant	ستوان		
second lieutenant	ستوان دوم		
sub-lieutenant	ستوان سوم		

to infract the law	سرپیچی از قانون	first lieutenant	ستوان یکم
brigadier general	سرتیپ	fifth column	ستون پنجم (گرومی از هواداران مخفی دشمن)
lieutenant-	سرتیپ دوم	conflict	ستیز
brigadier general		blocking	سد کردن جاده
corporal	سرجوخه	barrier	سد معبر
shoulder strap	سردوشی نظامی	curb	
due date	سر رسید	conscript	سربار
maturity		jack	
speed	سرعت	soldier	
collision speed	سرعت در لحظه برخورد (تصادف)	conscription	سربارگیری
speeding	سرعت رفتن	recruitment	
speedometer	سرعت سنج (وسیله نقلیه)	military service	سربازی
abstruaction	سرفت	to behead	سربریدن
larceny		police sergeant	سرباسبان
robbery			سرباسبان دوم
stealth		police platoon sergeant	
theft			سرباسبان یکم
thievery		police sergeant first	
auto theft	سرفت اتومبیل	police sergeant major	
abigeat	سرفت احشام	guardian	سرپرست (قیم)
plagiarism	سرفت ادبی یا اختراعات	warden	سرپرستی بچه ای راهبرفتن
sacrilege	سرفت اراماکن مقدسه	adoption	سرپرستی قانونی (قیمومت قانونی)
	سرفت از کیف یا جیب و غیره	guardianship	
picking		on the bit	سرپرست
		booth	سرپناه
	سرفت بزرگ (به میزان برابر)	sentry box	
	یابیش از حداررشی که در قوانین		سرپیچی از دستور
	بعضی از کشورها پیش بینی شده)	insubordination	

scopolamine		grand larceny	
clue	سرنخ		سرقت دریایی
bayonet	سرنیزه	picaroon (pickaroon)	
captain	سروان	piracy	
national anthem	سرود ملی	burglary	سرقت شبانه
colonel	سرهنگ	crack	
lieutenant colonel	سرهنگ دوم	burglarize	سرقت کردن در شب
cryptic(al)	سری	armed robbery	سرقت مسلحانه
secret		brigand	
embassy	سفارت (خانه)	open theft	سرقت مشهود
promissory note	سفته	expilation	سرقت مقرون به آزار
ambassador	سفیر		سرقت منزل (شکستن حرر)
abortion	سقط جنین	house breaking	
to abort	سقط جنین کردن	hijacking	سرقت هواپیما
peremption	سقوط دعوی	chief magistrate	سرکلانتر
silence of the law	سکوت قانون		سرکلانتری
	سکوت متهم	central police station	
silence of an accused		major	سرگرد
police dog	سگ پلیس	master sergeant	سرگروهبان
	سگ ردیاب زندانیان فراری	major general	سرلشکر
blood hound			سرم حقیقت (اسکوپولامین یا سرم
arm	سلاح (سردوگرم)		حقیقت آکالوئید تلخ مزه ای که
weapon			اربعضی نباتات تیره بادنجانسی
offensive weapon	سلاح تهاجمی		گرفته میشود و در مرکز اعصاب تاثیر
pistol	سلاح کمری		میکند و مسکن است جهت گرفتن
side arm			اقرار به افرادی که در مقابل
	سلاح کمری خودکار		بارجوئیها و شکنجه های متداول مقاومت
automatic (pistol)			می کنند تزریق می شود در اکثراً
salutation	سلام نظامی		سیستمهای حقوقی اقلیبری که با
command channels	سلسله مراتب		تزریق این ماده یا امثال آن گرفته
hierarchy			شده باشد قابل ارائه در دادگاه نیست)

known to the police		سلسله مراتب فرماندهی
suspicion	سؤ ظن	chain of command
attempt	سؤ قصد	cell سلول زندان
bad intention	سؤ نیت	poison سم
malice		position سمت (مقام اداری)
mensrea		post
	سؤ نیت قبلی	adminicle سند
malice aforethought		deed
adjouration	سوگند	document
oath		holograph سند اصلی دست نویس
swear		insurance policy سند بیمه
unswear	سوگند خود را نقض کردن	ownership document سند مالکیت
swear	سوگند خوردن	title deed سند وکالت
	سوگند دادن	procuratory سند وکالت
to administer an oath to		documentation سندیت
to swear		validity
perjury	سوگند دروغ	cruel سنگدل
to forswear	سوگند دروغ خوردن	trench سنگر
affidavit	سوگند نامه	entrenchment سنگر بندی
text of an oath		entrenchment سنگر بندی، با ایجاد موانع عبور در
swearing formula		barricade خیابان
سوگندی که شاهد قبل اردادن گواهی		abuse سؤ استفاده
یاد میکند که حقیقت را بگوید		abusion
voirdire		misuse
three(3)-leg intersection	سه راه	سؤ استفاده اراقتدار قانونی
T-intersection	سه راه به شکل T	misfeasance
explosive bolt	سه راهی انفجاری	bad record سؤ پیشینه
error	سهر	misunderstanding سؤ تفاهم
politics	سیاست (علم)	misinterpretation سؤ تعبیر
cyanide	سیانور	bad record سؤ سابقه
oubliette	سیاه چال	سؤ سابقه دار (ارنظر پلیس)

سیم انفجار (رابط برقراری جریان)	dead drunk	سیاه مست
الکتریسته)	early warning	سوستم اعلام خطر
detonating cord	judiciary	سوستم قضایی
سیم خاردار	world penal systems	سیستمهای جزایی و کیفری دنیا
barbed wire	to slap	سهیلی ردن

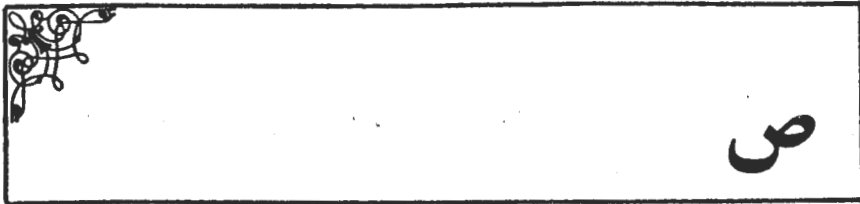


master key	شاه کلید	charlatan	شارلاتان
passkey		complainant	شاکی
rumours	شایعات	plaintiff	
burglar	شب رو (درد شب رو)	pleader	
agent net	شبکه اطلاعاتی	suitor	
← سازمان	شبکه زیرزمینی	relator	شاکی خصوصی
	زیرزمینی	attestant	شاهد
reflector	شب نما	attester	
tort	شبه جرم	testifier	
militia	شبه نظامی	witness	
doubt	شبهه	martyr	شاهد (شهید شده)
night assault	شیخون	to produce a witness	شاهد آوردن
surprise attack by night		hempseed	شاهدانه
legal entity	شخصیت حقوقی	to witness	شاهد بودن
	شدت برخورد (تصادف)		شاهد شدن
accident severity		to serve as a witness	
degree	شدت جرم	eye witness	شاهد عینی
wine	شراب	to call to witness	شاهد گرفتن
drinking wine	شرابخواری	highway	شامراه



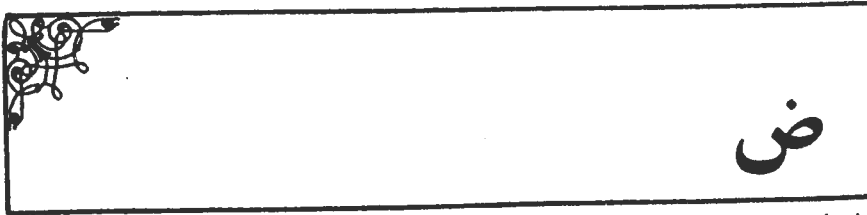
question	شکنجه برای اخذ اقرار	insurgence	شرارت
third degree		wickedness	
to excruciate	شکنجه کردن	dignity	شرافت
to persecute		honour	
to torture			شرایط بحرانی
gravamen	شکوائیه	critical condition	
knout	شلاق	betting	شرط بندی
flog		bid	
lash		religious laws	شرعیات
to knout	شلاق زدن	accessoriness	شرکت در جرم
to flog		complicity	
to lash		attempt	شروع به جرم
to whip		accomplice	شریک جرم
shot	شلیک	associate	
gun fire	شلیک توپ	complice	
shell fire		complier	
to shoot	شلیک کردن	particeps criminis	
discharge	شلیک گلوله		
intuition	شم	adantiler	شریک جرم در جیب بری
	شماره پلاک وسیله نقلیه	brain washing	شستشوی مغزی
registration plate number		jugglery	شعبده بازی
	شماره گذاری وسیله نقلیه	peep sight	شکاف درجه (در سلاح)
vehicle registration		complaint	شکایت
	شماره گذاری وسیله نقلیه موتوری	plaint	
motor vehicle registration		to complain	شکایت کردن
insurgency	شورش	defeat	شکست
revolt		intrude	شکستن حرر
social cataclysm	شورش اجتماعی	trespass	
to rebel	شورش کردن	abjuration	شکستن سوگند
to riot		persecution	شکنجه
to uprise		torment	
insurgent	شورش	torture	

municipality		rebel	
eroticism	شهوت طلبی	rioter	
martyr	شهید	testimony	شهادت
	شهید شدن یا صدمه دیدن در حین	warrant	
in line of duty	انجام وظیفه	witnessing	
imposter	شیاد	martyrdom	شهادت (شهید شدن)
	شیمیائی . میکروبی . هسته ای		شهادت (باقید سوگند)
	(عواملی که توسط بعضی از کشورها	attestation	
	در جنگها به کار گرفته میشود)	to bear testimony	شهادت دادن
chemical, biological and		to bear witness	
radiological		to testify	
reveille	شهیور بیدارباش	to witness	
assembly	شهیور جمع	to perjure	شهادت دروغ دادن
	شیره ای (شیره کت)	oral evidence	شهادت شفاهی
opium residue addict		affidavit	شهادت نامه
opium den	شیره کت خانه	testimonial	
windshield	شیشه جلوی اتومبیل	police department	شهربانی
windscreen		city hall	شهرداری



accident zone	صحنه تصادف	owner	صاحب
collision area		civil official	صاحب منصب
scene of crime	صحنه جرم		صاحب منصب پلیس
theater of war	صحنه جنگ	police official	
	صحنه درگیری (عملیات)		صحت امضا
scene of action		genuineness of the signature	
silencer	صداخفه کن سلاح		صحت و سقم امری را معلوم کردن
injury	صدمه بدنی	to verify	

to reconcile	صلح دادن	hurt	صدور قرار منع تعقیب بعلت ضعف
peace court	صلحیه (دادگاه بخش)	nonsuit	یافتد دلایل
proceedings	صورتجلسه	minor	صغیر (کسیکه به سن قانونی نرسیده)
process-verbal	صورتجلسه اظهارات طرفین دعوی	ward	
pleadings		arrayal of troops	صف آرائی
	صورتجلسه کردن	competency	صلاحیت
to draw up a process-verbal		competent	صلاحیت دار
inventory	صورتجلسه موجودی	peace	صلح
roster	صورت نگهبانی	صلح (مدنی - عقدی که در آن طرفین توافق بر امری از امور کنند)	
pornographies	صورت قبیحه	transaction	
	صیغه		
concubine			



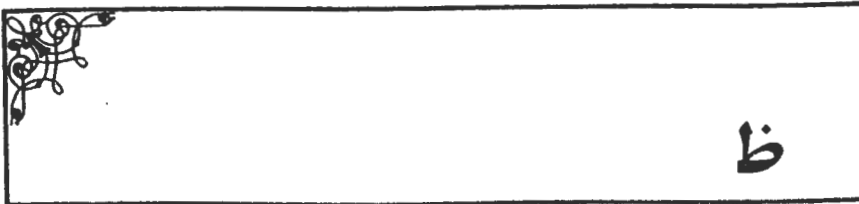
to guarantee	ضامن شدن	critterion	ضابطه
to stand surety for		law	
to bail		retentive	
	ضبط اموال	rule	
restraint of property		guardians of the peace	ضابطین دادگستری
	ضبط غیر قانونی یا قانونی کهوال	assailant	ضارب
detainer		warrantor	ضامن (کفیل)
	ضداطلاعات	bailsman	
counter intelligence		bondsman	
	ضداغتشاشات	recognizer (or)	
counter insurgency		surety	
	ضدبرانداری	safety lock	ضامن اسلحه
counter subversion			

mayhem		bomb proof	ضد بمب (لباس)
maim	ضربه منتهی به نقص عضو	counter espionage	ضد جاسوسی
mayhem			ضد چریکی
maleficium	ضرر ورزبان	counter guerrilla	
feeble-minded	ضعیف العقل		ضد خرابکاری
weak-brained		counter subversion	
bail	ضمانت		ضد شورش
bond		counter insurgency	
guarantee			ضد و نقیض (تناقض کوئی)
warranty		contradictory	
sanction	ضمانت اجرا	enmity	ضدیت
	ضمانت جبران خسارت	hostility	
pecuniary liability		blow	ضربت
bail bond	ضمانت نامه	bruise	ضربت دیدن
bonds paper			ضرب کننده سکه تقلبی
surety-bond		money-maker	
		maiming	ضرب و جرح

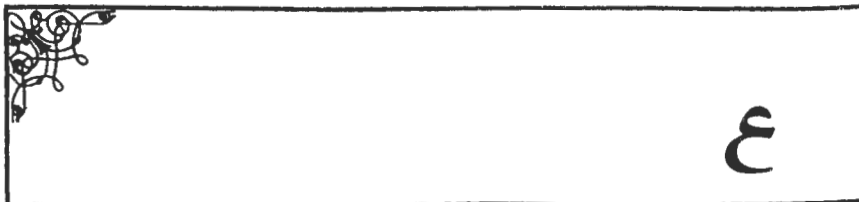


to codify		top secret	طبقه بندی بکلی سری
	طبقه بندی مجرمین		طبقه بندی جرایم
classification of offenders		classification of crime	
	طبقه بندی مجرمانه		طبقه بندی خیلی مجرمانه
restricted classification		confidential classification	
coroner	طیب قانونی		طبقه بندی سری
medico-legal examiner		secret classification	
gun	طپانچه	classification	طبقه بندی شده
pistol		to classify	طبقه بندی کردن

insurgency	طغیان (شورش)	plan	طرح
rebellion			طرح دعوی (توسط متهم بر علیه شاکی)
	طفل نامشروع	recriminate	
illegitimate child			طرح دعوی کردن ← اقامه دعوی
divorce	طلاق		کردن
revocable divorce	طلاق رجعی	legal draft	طرح قانونی
	(طلاق که شوهر میتواند در ایام	trustworthy	طرف اعتماد
	عده و بدون نکاح مجدد ببارن خود	adversary	طرف دعوی
	بسربرد)	litigant	
assertion	طلب حق	opponent	
creditor	طلبکار	party	طرف دعوی حقوقی
gorget	طوق نگهبانی	to litigate	طرف دعوی واقع شدن



to suspect		suspicious	ظنین (بدگمان)
endorsement	ظهر نویسی	to conjecture	ظنین شدن



	عامل خون (لخته کننده خون)	pedestrian	عابر پیاده
blood agent		agent	عامل اطلاعاتی
	عامل شیمیایی (ش. م. ه)		عامل اطلاعاتی دوجانبه
chemical agent		double agent	
traffic	عبور و مرور (وسائط نقلیه)	blister agent	عامل تاول را
justice	عدالت	choking agent	عامل خفه کننده

crypto	عضو سازمانهای سری	عدالت برقرار کردن	to establish justice
expost facto	عطف به ماسبق	عداوت	enmity
retroaction		عدلیه	department of justice
retrospect			ministry of justice
	عطف به ماسبق شدن قانون	عدم اجرا	non-execution
expost facto		عدم اعتماد	distrust
retroaction of law		عدم اطاعت	disobedience
absolution	عفو	عدم تمایل	disinclination
amnesty		عدم توافق	disagreement
pardon		عدم رعایت ...	non-observance
	عفو بین الملل	عدم رعایت مقررات مربوط به	
amnesty international		مصونیت‌های قانونی	
amnesty	عفو عمومی	breach of privilege	
to absolve	عفو کردن	عدم سؤ پیشینه (سابقه)	
to pardon		clean record	
	عقب گرد! (فرمان نظامی)	freedom from evil record	
about turn!		incompetency	عدم صلاحیت
turn about	عقب گرد کردن	disability	عدم صلاحیت قانونی
retreat	عقب نشینی	disqualification	
contract	عقد	adverse	عدوانی
conclude a marriage	عقدنکاح	forcible	
complex	عقده	unjust	
	علامت مشخصه (برای تشخیص هویت)	carriage way width	عرض جاده
signalment			عرضحال — دادخواست
mark	علامت		عرض خیابان
sign		carriage way width	
abbreviation	علامت اختصاری	custom	عرف
marking	علامت گذاری	spirit	عرق (مشروب الکلی)
signing		hardship	عسرت
	علامت گذاری جاده	poverty	

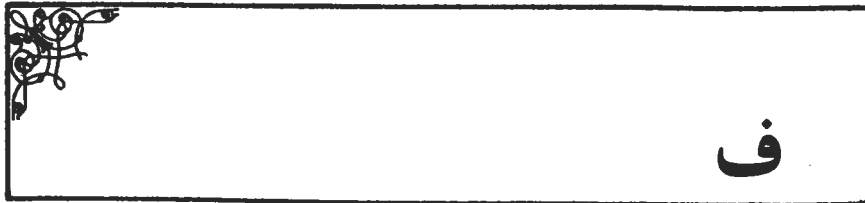
hound	(عامیانه)	carriage way signing	
police action	عملیات انتظامی	cause	علت
	عملیات پنهانی	main cause	علت اصلی
covert operations			علت اصلی جرم
sabotage	عملیات تخریبی	causation(cause)of crime	
espionage	عملیات جاسوسی	cause of accident	علت تصادف
hostile acts	عملیات خصمانه	accident causation	
	عملیات ضد اغتشاشات ← کنترل	secondary cause	علت ثانویه
	اغتشاشات	extenuation	علت مخففه جرم
	عملیات ضد جاسوسی	remission of crime	
counter espionage		cause and effect	علت و معلول
	عملیات اطفای حریق و نجات		علل مشدده
fire-fighting and rescue		aggravating circumstances	
	عملیات نظامی	against	علیه
military operations		deliberation	عمد
	عناد ← دشمنی	intention	
force	عنف	aforethought	عمدی
violence		deliberate	
toll	عوارض راه	intentional	
demagogy	عوامفریبی	premeditated	
	عوامل باردارنده (عوامل ووسائلی)	prepense	
	که از وقوع جرم جلوگیری میکند یا	action	عمل (فعل)
	آنها را تاخیر می اندازد نظیر	judicial act	عمل حقوقی (قضایی)
	دردگیر یا گماردن نگهبان)	criminal act	عمل مجرمانه
crime deterrent			عمل نکردن سلاح
	عوامل مخففه جرم	failure of a firearm	
extenuating circumstances		addict	عملی (معتاد به تریاک)



absorbed in worries		absent	غائب
fraud	غش	disturbance	غائله
seizure	غصب	tumult	
usurpation		invasion	غارت
usurped	غصبی	havoc	
fury	غضب	looting	
wrath		pillage	
wrathful	غضب ناک	plunderage	
carelessness	غفلت	ransacking	
dereliction		usurper	غاصب
laches		blitz	غافلگیری
negligence		surprisal	
	غفلت در اجرای قانون	surprise attack	
dereliction in enforcing the law		indemnification	غرامت
	غفلت در اقامه دعوی یا ادعا	compensation	
laches in enforcing a claim		to amend	غرامت دادن
	غفلت در انجام تعهدات	to indemnify	
negligence in carrying out obligations		to make reparation	
	غفلت در انجام وظیفه	malice	غرض
dereliction of duty		malicious	غرض آلود
to neglect	غفلت ورزیدن	wallowing in wretchedness	غرق در بدبختی
prevalance	غلبه	plunged in debt	غرق در بدهی
victory		weltering in blood	غرق در خون
			غرق در نگرانی



illegal	غیرقانونی	error	غلط
unlawful		mistake	
	غیرقانونی اعلام کردن	booty	غنیمت
to outlaw		spoil of war	غنیمت جنگی
illicit	غیرمجاز	in absentia	غیابی
unauthorize		layout	غیبت بدون اجاره
unarmed	غیرمسلح	involuntary	غیرارادی
mendacious	غیرواقعی	inadvertent	غیرعمد
unreal		unintentional	



vicious		victorious	فاتح
lewd	فاسق	winner	
libertine		adulterer	فاجر (رناکار)
paramour		adulteress	فاجره (رانیه)
	فاصله ایمنی (بین دو وسیله نقلیه)	catastrophe	فاجعه
clearance distance		disaster	
	فاقد صلاحیت قضایی	tragedy	
disqualification		prostitution	فاحشگی
fortunetelling	فالگیری	whoredom	
ammunition belt	فانسه	courtisan	فاحشه
cartridge belt		prostitute	
conquest	فتح	whore	
triumph		whorehouse	فاحشه خانه
victory		to betray	فاش کردن
	فتیله انفجاری	to devulge	
detonating fuse		to reveal	
abusiveness	فحاشی	corrupt	فاسد

command		insulting	
army commander	فرمانده ارتش	scurrility	
brigade commander	فرمانده تیپ		فحش ← دشنام
	فرمانده کل قوا		فحشا ← فاحشگی
commander-in-chief		devotion	فداکاری
	فرمانده گردان	self-sacrifice	
battalion commander		escape	فرار
chevroner	فرمانده گروه	running away	
	فرمانده گروهان	desertion	فرار از خدمت
company commander		break of prison	فرار از زندان
	فرمانده لشکر	break-away	
division commander		jail break	
	فرمانده مرکز آموزش نظامی	prison breach	فرار زندانی با استفاده از غفلت
commandant		negligent escape	زندانبان
	فرمانده هنگ		فرار از زندان باتفانی زندانبان
rigiment commander		voluntary escape	فرار کردن ارجمارات
commandership	فرماندهی	to abscond	فرار کردن
to command	فرماندهی کردن	to bring off	فرار دادن
form	فرم	deserter	فراری
airfield	فرودگاه	escapee	
	فرورفتگی بدنه اتومبیل در تصادف	fugitive	
dent		wanted	
to cozen	فریب دادن	appeal	فرجام
to deceive		to appeal	فرجام خواهی
to seduce		adoption	فرزند خواندگی
cartridge	فشنگ	filicide	فرزندکشی
loading	فشنگ گذاری	command	فرمان (نظامی)
reloading	فشنگ گذاری مجدد	to command	فرمان دادن
criminal act	فعل مجرمانه	commandant	فرمانده
death	فوت	commander	
immediate	فوری	commandership	فرماندهی
urgent			

high accident frequency  
location list

فهرست سیاه (فهرست اسامی اشخاص  
مجرم ومظنون)  
black list  
فهرست نقاط تصادف خیابان



bootlegging(alcoholic-liquors)moonshining(")		acting	فائم مقام (موقتی)
contrabandist	قاچاقچی	alternate	(دائمی)
moonshiner		interim	(موقتی)
smuggler		actionable	قابل تعقیب
	قاچاقچی اسلحه ومهمات	indictable	
gunrunner		prosecutable	
arbiter	قاضی	imputable	
judge		to seize	فاییدن
magistrate		to snatch	
mediator		assassin	قاتل
	قاضی القضاة	assassinator	
supreme judge		homicide	
	قاضی تحقیق	killer	
judgement interrogator		manslayer	
	قاضی دادگاه نظامی	murderer	
judge advocate		butcher	قاتل قصی القلب
moslem cadı	قاضی شرع	contraband	قاچاق (جنس قاچاق)
chaplain	قاضی عسکر	moonshine	
	قاضی صلح (دادگاه بخش)		قاچاق (معاملات قاچاق)
justice of the peace		illicit traffic	
law	قانون	to smuggle	قاچاق کردن
constitution	قانون اساسی		قاچاق مشروبات الکلی

to legalize	قانونی کردن	قانون بین الملل
title	قباله	international law
	قبض رسید ← رسید	law of nations
antemortem	قبل از مرگ	قانون تخفیف مجازات زندانی
assassination	قتل	good time law
homicide		criminal law
killling		قانون جزا
murder		penal code
slay	(باخشنونت)	maritime law
	قتل بانقضاء قبلی	قانون دریائی
premeditated murder		religious law
	قتل بوسیله پرتاب اذینجره	قانون شرع
defenestration		law breaker
	قتل سیاسی	قانون شکن
political assassination		law breaking
manslaughter	قتل شبه عمد	قانون شکنی
genocide	قتل عام	common law
massacre		قانون عرف
slaughter		lex talionis
homicide	قتل عمد	قانون قصاص
willful murder		lawyer
		قانونسازان
voluntary manslaughter		legal expert
	قتل غیر عمد	lawgiver
(involuntary) manslaughter		قانونگذار
unintentional murder		law maker
	قتل قابل عفو (مانند قتلی که در دفاع مشروع به وقوع می پیوندد)	legislator
excusable homicide		legislation
	قتل نفس	قانون گذاری
blood guilt		قانون مالیات بر درآمد
homicide		income tax act
	قتل	process
broadsword	قتل	قانون مجریه
	قتل	lex loci
	قتل	قانون محلی
	قتل	civil law
	قتل	قانون مدنی
	قتل	codified law
	قتل	قانون مدون
	قتل	written law
	قتل	قانون مرور زمان
	قتل	statute of limitation
	قتل	lawful
	قتل	قانونی
	قتل	legal
	قتل	legitimate

verdict for staying the proceeding		قدرت اجرایی
sentinel	قراول	executive power
victim	قربانی	قدرت قضایی
sacrifice	قربانی کردن	قدرت نظامی
to sacrifice		military might, power
debt	قرض	banned
	قرض بالا آوردن	قدغن
to run up a debt		قرار (قضایی)
government bonds	قرضه دولتی	interlocutory decree
balloting	قرعه کشی	agreement
drawing		قرار داد
	قرق (منع عبور و مرور بعلت حکومت نظامی در ساعات معین)	قرارداد استرداد
curfew		extradition treaty
	قرق کردن	قرارداد چند جانبه
to exclude outsiders from		multilateral treaty
cruelty	قساوت	قرارداد دوجانبه
hardheartedness		bilateral treaty
	قسم ← سوگند	friendship pact
to adjure	قسم دادن	قرارداد دوستی
army	قشون	قرارداد سیاسی
retaliation	قصاص	political treaty
	قصاص کردن	peace treaty
to punish by the law of -		قرارداد صلح
retaliation		قرارداد فرمانگی
intention	قصد	cultural convention
malice	قصد سوء	قرارداد قضائی
premeditation	قصد قبلی	judicial convention
malice	قصد مجرمانه	civil contract
mensrea		قرارداد مدنی
		قرارداد نظامی
		military convention
		post
		قرارگاه
		quarters
		قرار منع تعقیب

casino	قمارخانه	intentional	قصدی
gambling house			تصور در انجام وظیفه
(gun)butt	فندق تفنگ	dereliction of duty	
gunstock		neglect	تصور کردن
stock		judgement	قضا
bully	قواد	judgement	قضاوت
pimp		judging	
procurer		formal logic	قضاوت سطحی
procuration	قوادی		
pandrim		to adjudicate	قضاوت کردن
military laws	قوانین نظامی	to arbiter	
traffic laws and-	قوانین ومقررات راهنمایی و رانندگی	to judge	
regulations		misdeem	قضاوت مغرضانه
	تورخانه ← اسلحه ساری	misjudge	
binder	قولنامه	judicial	قضایی
		juridical	
compromise			قطاع الطريق ← راهزن
judicial power	قوه قضائیه		قطاع دست
	قوه قهریه (حادثه غیر قابل اجتنابی	amputation of the hand	
	که رافع مسئولیت وموجب عدم	safety lock	قفل ایمنی
force majeure	اجرای عقود است)		قفل باز کردن بقصد سرقت
executive power	قوه مجریه	picklock	
legislative power	قوه مقننه	picklock	قفل بر (درد قفل بر)
physiognomy	قیافه شناسی	combination	قفل رمزی
curator	قیم	spurious	قلابی
guardian			قلب هدف (وسط هدف)
warden		bull's eye	
appointment	قیمومت قانونی	gambler	قماربار
guardianship		gambling	قماربازی



## د

pinioned	کت بسته	detective	کارآگاه
	کت کسی را بستن	gumshoe	(عامیانه)
to bind one's arms		investigator	
to beat	کتک زدن		کارت شناسائی
to punch		identification tag	
to batter		malfeasance	کارخلاف قانون
fighting	کتک کاری	malversation	
beating (each other)			کاربدوکار دکشی کردن با کسی
brabbling		to be at daggers' point	
denial	کتمان	with someone	
disclaiming		expert	کارشناس
codeine	کدئین	specialist	
	کذب ← دروغ	expertise	کارشناسی
	کروکی تصادف	infidel	کافر
sketch of accident		smuggled goods	کالای قاچاق
	کروکی صحنه جرم	caliber	کالیبر
sketch of crime scene		bore	کالیبر تفنگ
intelligence	کسب اطلاعات		کانون اصلاح و تربیت (دارالتادیب)
spying		correction house	
graft	کسب مال اذراه نامشروع	reformatory	
	کسیکه برای اوضمانت میشود	reform school	
recognizee		to bruise	کبود شدن (کردن)
	کسیکه برای او گواهی و شهادت	major	کبیر (از نظر سن)
vouchee	میدهند	mature	
massacre	کشتار		کپیه ← رونوشت

scientific detection of-		internecine	
crimes		slaughter	
	کشف قاچاق		کشتار دسته جمعی (نسل کشتی)
discovery of smuggled-		carnage	
articles		genocide	
to detect	کشف کردن (جرم)		کشتی جنگی ← ردمناو
to discover		to amortize	کشتن
discoveries	کشفیات	to kill	
findings		to murder	
lethal	کشنده	to slay	
civil	کشوری	to bane	کشتن (بارهر)
	کشوری و لشگری		کشتن بدون محاکمه یا کشتن توسط مردم
civil and military		to lynch	کشتن (بنحویکه آثاری بر روی
guard	کشیک		جناره باقی نماند بمنظور فروش
sentinel		to burke	جهت تشریح)
sentry			کشتن (بوسیله ضرب مغزی)
vigil		to brain	
nightwatch	کشیک شب	infanticide	کشتن کودکان
to guard	کشیک کشیدن	to quench	کشتن یا خفه کردن
to be on vigil			کشته ← مقتول
foam	کف آتش نشانی	to fall	کشته شدن در جنگ
guardianship	کفالت	to nim	کش رفتن
	کفالت گرفتن (بعید کفالت آزاد	to walk off with	
to release on bail	کردن)	detection	کشف
bail bond	کفالت نامه	discovery	
ringing the changes	کف زنی	detection of crime	کشف جرم
bailer	کفیل	exposure of crime	
boundsman		to decipher	کشف رمز کردن
supporter		to decode	
to give bail	کفیل دادن		
to bail	کفیل شدن	criminalistics	کشف علمی جرائم

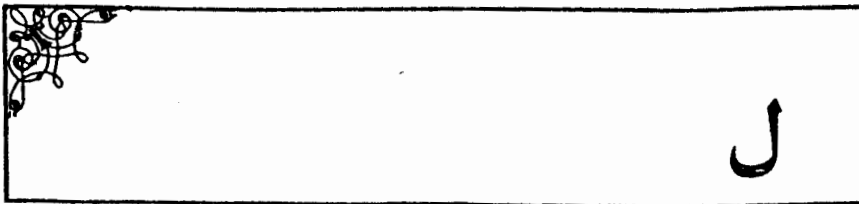


ambush	کمینگاه	to stand bail	
lurking place			کفیل کسی شدن
riots control	کنترل اغتشاشات	to go bail for someone	
coup d'etat	کودتا	to stand surety for-	
colour blindness	کوررنکی	someone	
cocaine	کوکائین		
snow	(عامیانه)		ککتل مولوتوف
penalty	کیفر	molotov cocktail	
punishment		police commissioner	کلانتر
principal punish-	کیفر اصلی	police precinct	کلانتری
ment		police station	
	کیفر تبعی	swindler	کلاهبردار
accessorial punishment		to cheat	کلاهبرداری کردن
	کیفر تکمیلی	to swindle	
complementary punishment		helmet	کلاه خود
	کیفر خواست	helmet liner	کلاه فیبری
bill of indictment		casquet	کلاه کاسک
penology	کیفرشناسی	blasting cap	کلاهک چاشنی
penal	کیفری	watchword	کلمه رمز
cutpurse	کیف قاب	کلیدانداختن (با رد کردن قفل به قصد سرقت)	
hanger-snatcher			
	کیفیات مخففه قانونی	picklock	
extenuation qualities of-		go slow	کم کاری
law			کمیسرپلیس
remission qualities of law		police commissioner	
	کیفیات مشدده قانونی	to ambush	کمین کردن
aggravating qualities of-		to waylay	
law			کمین کردن (با قصد مجرمانه)
revengefulness	کینه آمیز	to lurk	
vengeance	کینه جویی		کمین کردن (برای ترور شخصی)
		to snipe	

# گ

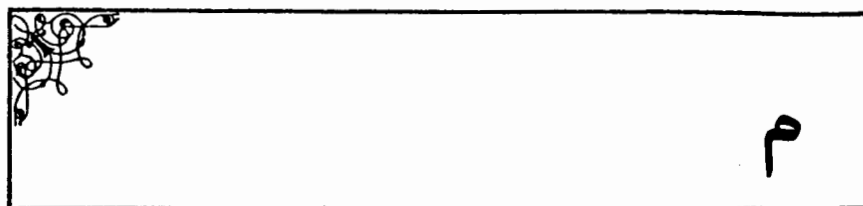
right turn	گردش به راست	guard	گارد (مستحفظ)
clockwise	گردش در جهت عقربه ساعت	watchman	
to decapitate	گردن زدن	body guard	گارد محافظ اشخاص
to behead		escort	گارد محافظت و تشریفات
collateral	گرو (گروبی)	choking gas	گاز خفه کننده
mortgage		cross walk	گذرگاه عابر پیاده
hostage	گروگان	pedestrian crossing	
to take hostages	گروگان گرفتن	zebra crossing	
to mortgage	گرو گذاشتن	by-pass	گذرگاه فرعی
company	گروهان	school crossing	گذرگاه مدرسه
sergeant	گروهیان	pass	گذرنامه
platoon sergeant	گروهیان دوم	passport	گذرنامه خدمت
sergeant first class	گروهیان نگهبان	service passport	
sergeant of the guard		ordinary	گذرنامه عادی
sergeant major	گروهیان یکم	ordinary passport	گذرنامه مخصوص (ویژه)
cabal	گروه سری	special passport	گذرنامه مخصوص (ویژه)
vice squad	تبهکاران		گذشت کردن ← انصراف از دعوی
	گروههای امداد (محلی برای کمک به پلیس)	overcharging	گرانفروشی
posse		overpricing	
to escape	گریختن	battalion	گردان
		left turn	گردش به چپ

bullet	کلوله	report	گزارش
shot			گزارش تصادفات
to post	کماردن نگهبان	accident report	
percussion bullet	کلوله ضربتی	police report	گزارش پلیس
aberrant	گمراه	blow bell	گزارش جنابیت
to aberrate	گمراه شدن	to inform	گزارش دادن
seductive	گمراه کننده	to report	
aberration	گمراهی	oral report	گزارش شفاهی
sin	گناه	viva voce report	
sinner	گناهکار	technical report	گزارش فنی
	گواه ← شاهد	snap report	گزارش فوری
certificate	گواهی (تائیدیه)	written report	گزارش کتبی
	گواهی ← شهادت		گزارش کذب
	گواهی امضاً	mendacious report	
verification of signature			گزارش مشاهدات و تحقیقات محلی
bear testimony	گواهی دادن	spot report	
to certify	گواهی کردن		گزارش معاینه جسد
to verify		super visum corporis	
call to witness	گواه گرفتن	patrol	گشت
	گواهینامه رانندگی	patroller	
driver's license		patrolling	گشت رنی
	گول ردن ← اغوا کردن	scouting	
opium poppy	گیاه خشخاش	vigil	گشت شب
	گیر کردن سلاح	to grapple	کلایبزشدن
failure of a firearm		bolt	کلنگدن
		tumbler	



لادم (صفت عقد یا irrevocable ایقاعی که اقدام کننده به آن بتواند

abrogation	لغو قانونی	بقصد یکطرفی خود آنرا فسخ کند)
blood stain	لکه خونین	لابراتوار جنایی
	لکه دار کردن حیثیت دیگران	forensic laboratory
defamation		snow tire لاستیک یخ شکن
buggery	لواط	spiked tire
pederasty		studded tire
sodomy		to seal up لاک و مهر کردن
bugger	لواط کار	bill لایحه
pederast		لباس ضد گلوله ————— جلیقه ضد
sodomist		گلوله
duty roster	لوحه نگهبانی	لباس فرم نظامی
to betray	لودادن	military uniform
pro	له (در مقابل علیه)	army لشکر
	له و علیه	military expedition لشکرکشی
pro and con		لغو کردن حکومت نظامی
	لیست دعاوی مورد رسیدگی در دادگاه	to lift marshal law
docket		administration



bailiff		beadle	مامور ابلاغ
beadle	مامور اخطار	communicant	
intelligencer	مامور اطلاعاتی	executor	مامور اجرا
executioner	مامور اعدام (جلاد)	licitor	
hanger		sergeant	مامور اجرا و انتظامات (در تشکیلات
hangman	مامور انتظامی		قضائی)
law enforcement officer		sergeant at arms	مامور اجرای دادگاه بخش
peace officer			

blasting fuse	ماسوره انفجاری	ماموربدرقه	زندانی
trigger	ماشه اسلحه	escort guard	
automobile	ماشین (اتومبیل)	beat	مامورپاس
car		policeman	مامورپلیس
	ماشین گشتی گروه ضربت	investigator	مامورتحقیق
squad car		inquisitor	
	ماشین مخصوص حمل زندانیان		مامورتعقیب و مراقبت
patrol wagon		surveillant	
superior	ما فوق	ماموردستگیری	دستگیر
rent	مال الاجاره		کننده
	مالخر (خریدارمال مسروقه)		ماموردولت
receiver of stolen goods		govenment official	
swagman		to assign	مامورکردن
	مالخری کردن (خریلهاری کردن مال	to depute	
to fence	مسروقه)		مامورمخفی
to receive stolen goods		emissary, undercover agent	
stealth	مال دزدی (مسروقه)		مامورمسئول زندانیان دردادگاه
stolen goods		tipstaff	
swag			مامورناظر (ماموری که متهم دردوران
landlord	مالك		تعليق اجرای مجازات باید تحت نظر
owner		probation officer	اوبلاشد)
proprietor		assignment	ماموریت
ownership	مالکیت	deputation	
proprietorship		mission	
tax	مالیات		ماموریت دادن
barricade	مانع عبور	heritage	ماترك
	مانع یانزده اجلو جمعیت	patrimony	
barrier		matricide	مادرکشی
to maneuver	مانوردادن	inferior	مادون
events	ماوقع	explosive	ماده منفجره
combat	مبارزه		ماده منفجره قوی
fighting		high explosive	

deceased	متوفی متولی (امور موقوفه)	struggle	مبانی قانون
custodian		elements of law	
accused	متهم	exonerated	مبرا
defendant		innocent	
charged			مبلغ رشوه
culprit	متهم به جرم کردن	boodle	(عامیانه)
to accriminate		(در جرایم جنسی)	متجاوز به عنف
to criminate		rapist	
allegedly	متهم به جرم	to take (seek) sanctuary	متحصن شدن
respondent	متهم دادگاه استیناف	offender	متخصص ← کارشناس
	متهم کردن ← اتهام زدن	violator	متخلف
accuser	متهم کننده		متخلف از مقررات راهنمایی و
to mutilate	مثله کردن	traffic violator	رانندگی
authorized	مجاز		مترجم رسمی
permitted		official translator	
	مجازات ← کیفر	interpreter	مترجم شفاهی
capital punishment	مجازات اعدام	subway	مترو
to chasten	مجازات تادیبی	underground	
correctional punishment		guarantor	متعهد
to punish	مجازات کردن	obliged	
	مجازات نقدی	promisor	
pecuniary punishment		undertaker	
criminal	مجرم	warrantor	
culpable		cheater	متقلب
delinquent		deceitful	
guilty		fraudulent	
offender		disobedient	متمرد
		contradictory	متناقض

legal ground	مجور قانونی	nocent	
	مجهول المالك	law breaker	
unclaimed property		culprit	
	مجهول الهويه	criminally	مجرمانه
of unknown identity			مجرم حرفه ای
anonymous		habitual criminal	
	محاربه با خدا	persistent offender	
warring against God		criminality	مجرمیت
	محارم	culpability	
persons too closely related to marry legally			مجرمین سیاسی
siege	محاصره	state criminals	
surrounding		injured	مجروح
safeguard	محافظ	wounded	
body guard	محافظ شخصی	to hurt	مجروح ساختن
guarding	محافظت	to injure	
protection		to wound	
safeguarding			مجروح وخیم الحال
court procedure	محاکمه	critically injured	
hearing			مجری قانون
trial		law enforcement officer	
	محاکمه بوسیله هیئت منصفه	promoter	
trial by jury			مجعول ← جعلی
to try	محاکمه کردن	experts assembly	مجلس خبرگان
to judge		majlis	مجلس قانونگزاری
	محاکمه و محکوم شدن	parliament	
to be tried and found guilty		general assembly	مجمع عمومی
speculator	محتکر		مجموعه قوانین کیفری
city limits	محدوده شهری	criminal code	
limitation	محدودیت	penal code	
		insane	مجنون

losing party	محکوم علیه	restriction	
to attain	محکوم کردن	confirm	محرر
to condemn		restricted	محرمانه (اسناد)
to convict			محرومیت (ارحقوق اجتماعی)
to sentence		deprivation (of civil right	
winning party	محکوم له	) (محرومیت (ارحقوق قانونی)	
conviction	محکومیت	proscription	
proscription		married man	محصن
condemnation		married woman	محصنه
	محل اختفای اشیاء مسروقه	deserving	محق
plant		entitled	
burst	محل اصابت گلوله	rightful	
residence	محل اقامت		محکمه ← دادگاه
parking lot	محل پارکینگ	convict	محکوم
	محل تراکم عبور و مرور	malefactor	محکوم بطور غیابی
bottleneck		condemned in absentia	
	محل توقف اتومبیل		محکوم به پرداخت جریمه
parking space		condemned to pay fine	
venue	محل دادرسی		محکوم به زندان
parade ground	محل رژه	convict to jail	
	محل نگهداری و دیده بانی		محکوم تحت نظر در دوران تعلیق
sentry		probationer	مجازات
	محل وقوع تصادف	to be condemned	محکوم شدن
accident area		to be found guilty	
accident spot		to be sentenced	
collission spot		to lose the case	
venue	محل وقوع جرم	adjudged	محکوم شده
	محو ← امحاء	condemned	
cryptogram	مخابره رمزی	convicted	
to cable	مخابره کردن	sentenced	
to radio			



مدرك عينى	to transmit	
physical evidence	objection	مخالفت
مددكار اجتماعى	opposition	
social worker		مخبر ← خبرچين
مدعى ← خواهان	narcotic	مخدر
مدعى العموم ← دادستان	opiate	
relator	rasure	مخدوش کردن سند
مدعى عليه ← خوانده	embezzler	مختلس
demandant	مدعى غرامت	مخرب (ويران کننده)
civil	مدنى	destructive
codified	مدون	concealed (پنهان شده)
written		covert
range officer	مدیر تیر	hidden
مدیریت ترافیک		مخفی کردن (اموال یا اشخاص)
traffic management		to secrete
مدیون ← بدهکار	clandestinely	مخفیانه
مرافعه ← دعوى	furtively	
مراقبت ← محافظت	in secret	
boodler	مرتشى	مدارك طبقه بندى شده
bribee		classified documents
مرتهن (رهن گیرنده)	defender	مدافع
mortgagee		مدت تعقيب قانونى
mortgaged	مرتهن (مورد رهن)	pursuit course
مرتكب جرم ← مجرم	مرجع قضایى	مدت زمان چراغ راهنما
legal authority		traffic light interval
مرجوم ← متوفى		traffic light period
مرخص کردن اردندان		traffic light time
to release from prison		مدارك و وسایل طبقه بندى شده
leave	مرخصى	classified material
sick-leave	مرخصى استعلاجى	evidence
		مدرك

prescription of penalty	مرور زمان مجازات	leave with pay	مرخصی با حقوق
civil prescription	مرور زمان مدنی	leave without pay	مرخصی بدون حقوق
annoyance	مزاحمت	annoyance	مردم آزاری
nuisance		nuisance	
street offences	مزاحمت‌های خیابانی	to decease	مردن
deceitful	مزور	to demise	
imposter		to die	
responsible	مسئول	border	مرده ← متوفی
responsibility	مسئولیت	boundry	مرز
odometer	مسافت سنج (وسایل نقلیه)	to intimidate	مرعوب کردن
		morphine	مرفین
	مسافر قاچاق		مرکز اطلاعات
stowaway passenger		information center	
peaceful	مسالمت آمیز		مرکز تحقیقات و آموزش‌های پلیسی
negligence	مسامحه	police academy	
cause	مسبب	city center	مرکز شهر
responsible		downtown	
drunk	مست	death	مرگ
tenant	مستأجر		مرور زمان
	مستحفظ — گارد	limitation(of action)	
punishable	مستحق مجازات	prescription	
counselor	مستشار	statutory limitation	
abdicated	مستعفی		مرور زمان جرم
resigned		prescription of crime	
intoxicating	مست کننده		مرور زمان جزایی
dead drunk	مست لایعقل	criminal prescription	
	مستنطق ← بارپرس		مرور زمان دعوی
drunkenness	مستی	prescription of instance	

altercate	مشاجره و نزاع	stolen	مسروده
	مشارکت در جرم	armed	مسلح
accomplicity	مشاور حقوقی	weaponed	
legal adviser		to be armed	مسلح شدن
spirit	مشروب الکلی	to take up arms	
legal	مشروع قانونی	to arm	مسلح کردن
	مشروع مذهبی	to equip with arms	
religiously legal		armed	مسلحانه
drilling	مشق نظامی	with arms (weapons)	
suspected	مشکوک	machine gun	مسلح
to suspect	مشکوک شدن	machine gunner	مسلح چی
draftee	مشمول (نظام وظیفه)	submachine gun	مسلح سبک
	مشمول مرور زمان		مسلح سنگین
barred by statute		heavy machine gun	
	مصاحبه (برای جمع آوری اطلاعات)	poisoned	مسموم
interview			مسموم کردن
confiscation	مصادره	poisoning	
seizure	مصالحه ← سارش	toxic	مسموم کننده
epileptic	مصروع	intoxicating	
	مصونیت (قانونی یا سیاسی)	poisoned state	مسمومیت
immunity	مصونیت پارلمانی		مسیر تعقیب قانونی
legislative immunity		pursuit course	مسیر کلوله
parliamentary immunity		traject of bullet	
previlege of parliament	مصونیت سیاسی		مسیر ویژه اتوبوس
		bus-only lane	
diplomtic immunity	مصونیت قضایی	bus route	
		brawl	مشاجره
judiciary immunity		dispute	
		quarrel	

calumniator	مفتري	مصونيت ارتوقيف
defamer		privilege from arrest
libeller		مطالبه خسارت و غرامت
slanderer		demanding
indigent	مفلس	informant
missing	مفقود الاثر	suspected
untraceable		suspect
retaliation	مقابله به مثل	to suspect
assassinated	مقتول	suspicion
killed		exemption
murdered		معافيت ارمجارات
	مُقر ← معترف	impunity
regulations	مقررات	abetment
guilty	مقصر	معاونت در جرم
	مقروض ← بدهكار	abettor (abetter) - aider
	مقصر ← مجرم	bailiff
resident	مقيم	deputy
sight	مكسك تفنگ	معايذه اتومبيل
bead		car inspection
	ملاقات رنداني	معايذه محل ← با رسي محل
prisoner visiting		معاملات قاچاق
	ملزم ← متعهد	illicit traffic
nationality	مليت	road
barred	ممنوع	addict
forbidden		addicted
prohibited		acknowledgee
forbiddleness	ممنوعيت	confessor
prohibition		annihilated
restriction		handicaped
enjoinment		invalid
	ممنوعيت قانوني	war invalid

due date	موعد (پرداخت بدهی)	legal prohibition	
endowment	موقوفه	legal sources	منابع قانونی
client	موکل	reliable sources	منابع موثق
immigrant	مهاجر		منارعه ← مشاجره
immigration	مهاجرت	public interests	منافع عامه
assailant	مهاجم	indecenty	منافی عفت
	مهارت در تیراندازی	deviated	منحرف
sharp shooting		pervert	(جنسی)
seal	مهر		منطقه ممنوعه
to seal	مهر و موم کردن	prohibited zone (area)	
	مهر دادن (تیراندازی دقیق)		منطقه توقف ممنوع
point blank		parking prohibited area	
deadline	مهلت		منع ← ممنوعیت
moratorium	مهلت قانونی	to blast	منفجر شدن (کردن)
ammunition	مهمات	to blow up	
unexploded	مهمات عمل نکرده	to detonate	
	مهندسی ترافیک	to explode	
traffic engineering		explosive	منفجره
to mediate	میانجیگری کردن	semen	منی
mean speed	میانگین سرعت	sperm	
	میخ کوبی های جاده و خیابان	cross question	مواجهه
road studs		junk, narcotics	مواد مخدر
circle	میدان	explosives	مواد منفجره
square		blast wave	موج انفجار
firing range	میدان تیر	burst wave	
battle field	میدان جنگ	landlord	موجر
parade ground	میدان رژه	lesser	
	میدان مشق (تعلیمات نظامی)	inherited	موروثی
exercice ground		legacy	
	میزان خسارت	legator	موصی (وصیت کننده)
damage criteria			موقوف الاجراً کردن
bug	میکروفون مخفی	to suspend	

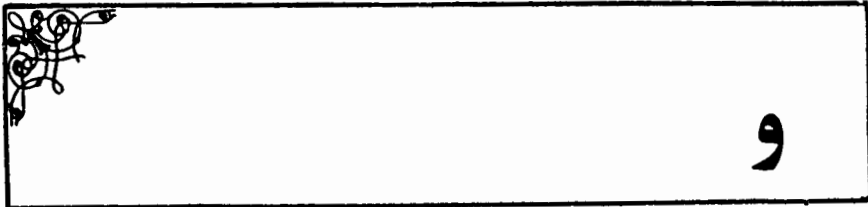


# ن

vice president		ناآرامیهای داخلی
battle	نبرد	domestic disturbances
combat		insecurity
conflict		stepfather
fight		stepson
rescue	نجات	penitent
to rescue	نجات دادن	repentant
to save		grenade
life guard	نجات غریق	hand grenade
penitentiary	ندامتگاه	incompatibility
fight	نزاع	abusive(language)
dispute		swear word
quarrel		anonym
squabble		anonymous
affray	نزاع دسته جمعی	disobedience
affrayer	نزاع کننده	first name
	نزدیکی (مقاربت)	نام خانوادگی
carnal knowledge		family name(surname)
sexual intercourse		illegitimate
kinsmanship	نسبت (خویشاوندی)	illicit
relation		enrollment
abrogation	نسخ قانونی (اسقاط اعتباریک قانون بوسیله قانون دیگر)	registration
original(copy)	نسخه اصلی	official letter
manuscript	نسخه خطی	abnormal
		ناهنجار
		نایب رئیس

alimony	نفقه	duplicate	نسخه بدل
exile	نفي بلد	generation	نسل
plot	نقشه خائنانه	insignia	نشان (نظامی)
maim	نقص عضو	badge	نشان افتخار
abjuration	نقص عهد		نشانه روی (در تیراندازی)
breach of promise		aiming	
law breaking	نقض قانون	to aim	نشانه روی کردن
marriage	نکاح		نشر اکاذیب
custodian	نگهبان	publication of false news	
guard			نشریات مستهجن، نشریات مخالف
sentinel			اخلاق حسنه، تصاویر قبیحه
sentry		obscene publications	
watchman		pornography	
ward		supervision	نظارت
to guard	نگهبانی دادن	military	نظام
to sentinel			نظامات و مقررات
to watch		rules and regulations	
to ward		judicial order	نظام قضایی
on guard	نگهبان (در حین پست)		نظامنامه
warder	نگهبان زندان		نظام های کیفری
custodial guard		penal systems	
	نگهداری اسناد و مدارک محرمانه	martial	نظامی
administrative crypto-			نظریه کارشناس
accounts		expert testimony	
deputy	نماینده مجلس	order	نظم
member of parliament		public order	نظم عمومی
	نماینده کی قانونی (نماینده کی ناشی از		نظمیه
	حکم قانون)	cadaver	نعلش
legal representation		corpus	
poor house	نواخانه	dead body	
ammunition belt	نوار فشنگ	personnel carrier	نفربر

reserve	نیروی احتیاط نیروی انتظامی	cartridge belt	
law enforcement force		high beam	نوربالا
police force		low beam	نورپایین
naval force	نیروی دریایی		نهستی ← غیبت
navy		rogatory commission	نیابت قضایی
ground force	نیروی زمینی نیروی واکنش سریع	barratry	نیرنگ نیرنگ به قانون
rapid deployment force (RDF)		fraud against law force	نیرو نیرو و تجهیزات نظامی
air force	نیروی هوایی	armaments	نیروهای مسلح
profile	نیم رخ نوع تصادف (برخورد)	armed forces	نیروی آماده باش
accident type		alert force	
collision type			

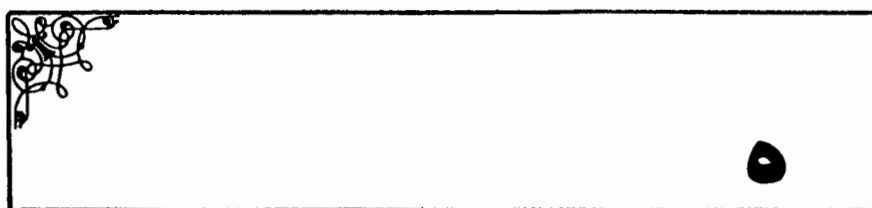


fourragere	واکیل	وایست نظامی	
shoulder knot	واکیل تشریفات (نظامی)	military attache	
lanyard		deserving death	واجب القتل
groundless	وامی	round	واحد فشنگ و مهمات
ill-founded		procuration of woman	وادار کردن زنان به فحشاً
veto	وتر		وادار کننده زنان به فحشاً
bond	وثیقه	procurer	
collateral		heir	وارث
surety		heiress	
bond	وجه التزام		واقعه ← حادثه



ministry of defense	وزارت کشور	guaranty	
ministry of interior	وزارت کشور	recognizance	
minister	وزیر	fright	وحشت
mediation	وساطت	panic	
vehicles	وسائط نقلیه	terror	
motor vehicle	وسائط نقلیه موتوری	frightened	وحشت زده
	وسيله انسداد جاده يا خيابان	terrified	
roadblock		terror-stricken	و ديعه ← و ذيقه
kleptomania	وسواس دردی	inheritance	وراثت
temptation	وسوسه	succession	
exactor of a will	وصی	bankrupt	ورشکست
testament	وصیت	to become bankrupt	ورشکست شدن
	وصیت کننده ← موصی	bankruptcy	ورشکستگی
testament	وصیت نامه	fraudulent bankruptcy	ورشکستگی به تقصیر
will	وضعیت آماده باش قرمز	voluntary bankruptcy	
warning (red)	وضعیت بحرانی	involuntary bankruptcy	ورشکستگی بلا تقصیر
critical condition	وضعیت زرد (احتیاط)	card playing	ورق بازی
warning (yellow)		gambling	
warning (white)	وضعیت سفید		ورق (جریمه ، جلب ، استشهاده ← برگ ۰۰۰۰)
homeland	وطن		ورود غیرمجاز
motherland		unauthorized entry	
native country		no entry	ورود ممنوع
duty	وظیفه	do not enter	
dutifulness	وظیفه شناسی	ministry	وزارتخانه
advocacy	وکالت	ministry of justice	وزارت دادگستری
attorneyship			
to attorney	وکالت داشتن		وزارت دفاع

to brief an attorney			وکالت نامه
to hire an attorney		power of attorney	
advocator	وکیل مدافع	advocator	وکیل (دعای)
defending attorney		advocate	
barrister		attorney	
prowler	ولگرد	barrister	
vagrant		lawyer	
vagrancy	ولگردی	deputy	وکیل تام الاختیار
illusion	وهم	legal aid	وکیل تسخیری
visa	ویزا		وکیل گرفتن



chaos		abuser	هتاك
turmoil		affronter	
anarchist	هرج ومرج طلب	affront	هتاكى
anarchism	هرج ومرج طلبی	trespass	هتك حرر
debauchery	هرزگی		هتك حرمت
lewdness		aspersion of another's -	
heroin	هروئین	dignity	
pistol	هفت تیر	defamation	هتك عرض
to warn	هشدار دادن	violation	هتك ناموس
homosexuality	همجنس بازی	assault	هجوم
lesbianism	(در زنان)	attack	
	همدستی در جرم ← معاونت در	invasion	
	جرم	target	هدف (در تیراندازی)
	هم زمانی (چراغ های راهنمایی)	aiming	هدف گیری
synchronism(traffic light)		phobia	هراس
	همزیستی مسالمت آمیز	anarchy	هرج ومرج

hijacking	هواپیماری	peaceful coexistence	
identity	هویت	spouse	همسر (شوهر یا زن)
board of trustees	هیات امناء	wife	
cabinet	هیات دولت	husband	
jury	هیات منصفه	regiment	هنگ



snow tyre	بہخ شکن (لاستیک)	insurgent	یاغی
spare tyre	بہدک (چرخ)	outlaw	
	ہورش ← ہجوم	insurgency	یاغیگری







مورفین بصورت کریستال  
white stuff

مورفین  
wings, witch

کوکائین، مورفین، هروئین

## Y

yen poke

میزان یکبار مصرف تریاک  
yen pop

ماری جوانا  
yen-shee

شیره تریاک  
yen-shee svey

شراب تریاک که شیره را با آب یا  
ویسکی مخلوط میکنند.

مواد مخدر	tracks
sugar, sweet stuff	کبودشدگی ها در نقاط تزریق
کوکا ئین، هروئین، مورفین	آمیول در بدن
swing-man	twist up a few
قاچاق فروش دوره گرد	کشیدن تریاک
	twitcher
	شخص معتاد به مواد مخدر
<b>T</b>	
T, t man	
ما مورمبارزه با مواد مخدر	<b>V</b>
take a trip	vegetable
استعمال کردن ال. اس. دی.	شخص معتاد دی که از دنیا بریده است
take off	vet
دود کردن مواد مخدر، سرقت از	پزشک زندان
محل های نگهداری مواد مخدر.	viper
tea	استعمال کننده مواد مخدر
ما ری جوانا	
tead pad	
محل مخفی برای کشیدن ماری جوانا	<b>W</b>
teaman	weed
استعمال کننده مواد مخدر	ما ری جوانا
teo	week-end -habit
استعمال کننده ماری جوانا	استعمال مواد مخدر بطور غیر مرتب
texas tea	بدون معتاد شدن
ما ری جوانا	whisker
the man	ما مورمبارزه با مواد مخدر
ما مورپلیس یا کارآگاه	white lady
ticket	هروئین
میزان یکبار مصرف از ال. اس. دی	white nurse
toy	مورفین، هروئین، کوکا ئین
میزان یکبار مصرف تریاک	white silk



saxophone		شیره کش خانه
scag	وا فور	smack, smeck, schmeck
scat	هروئین	مواد مخدر بصورت گرد
score	هروئین	معتاد
script	ملاقات با یک قاچاق فروش دوره گرد	استعمال مواد مخدر از راه بینی
self-starter	نسخه برای مواد مخدر	استعمال مواد مخدر از راه بینی
short	معتادی که داد و طلبا نه برای معالجه وترک اعتیاد حاضر میشود.	کوکا ئین
shover	اتومبیل	شخص معتاد به کوکا ئین
shamas	قاچاقچی دوره گرد مواد مخدر	دختری که معتاد به کوکا ئین شده است.
shit	تریاک برای کشیدن	معتادی که مواد مخدر را از راه بینی استعمال میکند.
shy	هروئین	spread
skate	آما ده کردن یک حبه تریاک برای کشیدن	کشیدن تریاک
skee	بکار بردن مورفین	stem
sleigh	تریاک	stick
slum dump	معتاد	سیگار ماری جوانا
		stir
		stoned
		stuff
		در حالت نشنگی

افسرنا ظربه آزادی مشروط محکومین	سیگارهای جوانا
poison	reideer dust
دکتری که مایل به فروش مواد مخدر	کوکا شین، مورفین یا هروئین
به معنای دین نمیباشد.	riding a wave
pot	حالت نشنگی
سیگارهای جوانا	right croaker
powder	دکتری که مواد مخدر را بطور غیر
مواد مخدر به صورت گرد	قانونی میفروشد.
pox	rip off
قرص تریاک، میزان یکبار مصرف	خرید مواد مخدر تقلبی
از تریاک	rockets
puff	سیگارهای ماری جوانا
شخص معتاد به مواد مخدر	roll a pill
puffing	آماده کردن تریاک برای یکبار
کشیدن تریاک	مصرف
pusher	roll the bay
خرده فروش مواد مخدر به معنای دین	کشیدن تریاک
puton	runners
نیرنگ زدن به دیگران	مواد درسیله های نوجوان که سایر
	همسالان خود را برای فروش مواد
	مخدرا غافل میکنند.
	run
	مدت زمان اعتیاد
<b>R</b>	
race horse charlie	
مورفین، هروئین یا کوکا شین	
rat	
خبرچین	<b>S</b>
reader	sam
نسخه ای که پزشک در مقابله دریافت	ما مورین مبارزه با مواد مخدر
رشوه برای دریافت مواد مخدر به	satch
معنای میفروشد.	یک نوع روش اختفاء و حمل مواد
reefer	مخدر به درون زندان

number 8	کوکا ئین	یک بسته سیگار ماری جوانا	pad
	هروئین	خانه شخص معتاد ، پارتنی دادن برای استعمال موادمخدر	paid off in gold
<b>O</b>		دستگیر شده توسط مامورین پلیس	
old burning habit	اعتیاد به موادمخدر	اونیفورم که وجه تسمیه آن با طلا	
old steeve	هر نوع موادمخدر بصورت گرد	gold ناشی از درجات برنزی	
on the needle	معتاد تزریقی	براق مامورین میباشد .	panic
on the pipe	معتاد به کشیدن تریاک	کمیا بی موادمخدر در بازار که	
on the stuff	معتاد به موادمخدر	معمولا " بعلت دستگیری قاچاقچی	paper
opium , op	تریاک	عمده پیش می آید .	نسخه قا نونی برای دریافت موادمخدر
opiates	موادمخدر ، معمولاً " تریاک ، مورفین یا هروئین	pen yen	تریاک
out-of-it	شخصی که با فرهنگ موادمخدر آشنائی نداشته باشد .	pet	پلیس
overjolt	میزان بیش از حد آزار زهروئین برای یک بار مصرف	piece	یک اونس هروئین ، مورفین یا کوکا ئین
		pill	میزان مصرف یکبار از تریاک
		pill head	معتاد به موادمخدر
		pitch	فروختن یا قاچاق کردن موادمخدر
		plunk	شراب
<b>P</b>		P.O.	
pack of rocks			

bhang, charas, ganja, grass,	moocah, mootie, mu	ما ری جوانا
hash, hashish, hay, hemp, indian		
hay, jive, laughing grass, loco	moota	سیگار ما ری جوانا
weed, marijane, pot, railroad	morphine	مورفین: اصطلاحات دیگر عبارتند از:
weed, reefer, rope, tea.		
marmon		
	hardstuff, "M", miss emma,	
mary and johnny	white nurse, white stuff,	
	unlike	
سیگار یا گیاه ما ری جوانا	mother	قاچاقچی سیار برای معتادین
mary ann		
سیگار ما ری جوانا	mouse	خبرچین
mary werner		
ما ری جوانا ، سیگار ما ری جوانا		
mayo		
مورفین، کوکائین یا هروئین		
medical hype		
شخصی که در اثر معالجات با دارو-	<b>N</b>	
های ویژه معتاد دگر دیده است .	nailed	دستگیر شده
medicine		
مواد مخدر	narc or narcos	ما مورمبا رزه با مواد مخدر
megg, mezz		
ما ری جوانا یا سیگار ما ری جوانا	narcotic bull	ما مورمبا رزه با مواد مخدر
miggles, muggles		
	nickel deck	بسته پنج دلاری هروئین
سیگار ما ری جوانا		
mike	nocks	مواد مخدر
میکروگرم	nose powder	کوکائین، هروئین، یا مورفین -
miss emma		بصورت استعمال از راه بینی.
مورفین	number 3	
mojo		
هر نوع مواد مخدر درصدا ملات قاچاق		
بویژه مورفین، هروئین و کوکائین		

laughing weed	ماری جوانا	مقدار مصرف مواد مخدر در بیک وعده	loco weed
lay out	ماری جوانا	ماری جوانا	locus
lay the hip	وسایل تریاک کشی	مواد مخدر	log
leaf	تریاک کشیدن	وافور	long tailed rat
lean against the engine	مواد مخدر	خبرچین	louse
leaper	تریاک کشیدن	خبرچین (کلمات دیگر عبا رتندا ز : finger, mouse rat.	
leap in	شخص معنادر دبه کوکا شین	finger gee,	
lemonade	شخص معنادر در حال نشئه یا تحت تا شیر مواد مخدر	LSD	
lettuce	هروئین با کیفیت پایین	ال. اس. دی. (کلمات دیگر عبارتندا ز :	
lighter	پول	sugar cubes, trips, big "D", hawk	
lipton tea	معنادر		
			<b>M</b>
			"M"-morphine
		مرفین	
	ما ده شیمیا ئی که به مشروب الکلی جهت افزایش دادن اثر آن اضافه میگردد	mahoska	
		majonda	داروهای اعتیاد آور
lit			مواد مخدر
lit up	تحت تا شیر مواد مخدر	marijane	
load	تحت تا شیر مواد مخدر	marijuana	ماری جوانا
			ماری جوانا (کلمات دیگر عبارتندا ز :

## J

J.

jive	ماری جوانا
joint	ماری جوانا ، چیزبی ارزش
joy dust	سیگار ماری جوانا ، زندان ، شیرکش خانه
joy flakes, joy powder	مواد مخدر بویژه کوکا ئین
joy popper	مورفین، کوکا ئین یا هروئین
joy-powder	شخصی که بدون معتاد شدن گاهی اوقات مواد مخدر استعمال میکند .
ju-ju	هروئین
juice	سیگار ماری جوانا
junk	الکل
junker	مواد مخدر بویژه هروئین
junkie, junkey	شخص معتاد بمواد مخدر
	معتاد به مواد مخدر

## K

key

kick	یک کیلوماری جوانا
kick-back	ترک اعتیاد
kick the habit	آغاز مجددا استعمال مواد مخدر بعد از ترک اعتیاد
kick the mooch around	ترک کردن اعتیاد
killer	کشیدن تریاک با استفاده از زوا فور
kilo	سیگار ماری جوانا
knock at the door	از نظر فروشندگان مقدار قابل توجه مواد مخدر را گویند که حدود ۲/۵ پوند است .
kokomo	ترک کردن اعتیاد
laugh and scratch	معتاد بویژه به کوکا ئین
laughing grass	تزریق کردن مواد مخدر

## L

hero	هروئین	hop head	معتاد به مواد مخدر که ابتدا از
heroin	هروئین، کلمه‌ای که معتادین با اصطلاحات زیر نیز آن را می‌کنند	horse	تریاک شروع کرده باشد.
boy, caballo, doo jee, H, hairy, harry, henry, hero, horse, joy powder, junk, scag, scat, skit, smack, stuff, tecata, white lady white nurse high, high and light	تحت تأثیر مواد مخدر	hygelo	هروئین
hit	ملاقات با فروشنده سیار مواد مخدر، تزریق مواد مخدر	hypo	معتاد به مواد مخدر
hit it	استعمال کردن مواد مخدر		معتادی که شما "بخود مواد مخدر تزریق می‌کند.
hit the gong	کشیدن تریاک	ice	کوکائین
hit the stuff	اعتیاد پیدا کردن به مواد مخدر	ice cream habit	استعمال مواد مخدر یک یا دو بار در هفته بدون اینکه شخص را معتاد نماید.
hokus	تریاک	ice-tongue doctor	پزشک غیرمجاز که به معتادین مواد مخدر می‌فروشد.
holding	در اختیار داشتن مواد مخدر	indian hay	ماری جوانا
hooked	معتاد	informer	معتادی که برای پلیس خبرچینی می‌کند.
hoosier fiend	معتادی که تا زه به مواد مخدر روی آورده	iron cure	معالجه داوطلبانه معتاد
hop, hops	مواد مخدر بویژه تریاک	iron horse	زندانی

درنا مه ها ، مکالمات تلفنی و	habit	
تلگرامی خودبهنگام ارتباط		اعتیاد به مواد مخدر
با یکدیگر از راه دور بکار میبرند)	habit smoker	
goof		شخص معتاد به تریاک
شخص استعمال کننده ماری جوانا	hack	
gow		پزشک
مواد مخدر بویژه تریاک	hairy	
goynk		هروئین
تریاک	happy dust	
grass		کوکائین
ماری جوانا	happy duster	
great tobacco		معتاد که کوکائین را از راه بینی
تریاک		استعمال میکند، فروشنده سیار
greta		کوکائین
ماری جوانا	happy powder	
giefer		مورفین، کوکائین یا هروئین
شخص استعمال کننده ماری جوانا	harry	
griffo		هروئین
ماری جوانا	have a heat on	
gum		استعمال مواد مخدر بطور عادی یا
تریاک		برای یک بار
gun	hay	
سرنگ تزریق زیرجلدی		ماری جوانا
gyve	hazel	
سیگار ماری جوانا		هروئین
	hear	
		معتاد به مواد مخدر
	heaven dust	
		مورفین، کوکائین، هروئین
	her	
هروئین، سرنگ تزریق زیرجلدی،		کوکائین
وافور		

## H

H.



floating	هروئین درجه پائین	get a finger wave	تحت معاينه رکتوم قرار گرفتن
foo foo dust	تحت تا شیر مواد مخدر	ghost	بمنظور احتمال اختفای مواد مخدر
foolish powder	مورفین، کوکائین یا هروئین	ghow	تریاک
fraho	مورفین، کوکائین یا هروئین	giggle weed	وافور
fu	ماری جوانا	girl	ماری جوانا
fun	ماری جوانا	give the go-by	کوکائین
fun joint	مقدار تریاک که در هر بار یک معتاد مصرف میکند	glad stuff	امتناع از فروش مواد مخدر بنده معتاد
	شیره کش خانه	glass-eyes	تریاک ، مورفین یا کوکائین
<b>G</b>		glass gun	شخص معتاد به مواد مخدر
gage, gauge-but t		gold dust	سرنگ تزریق زیر جلدی
gal head	ماری جوانا	G.O.M. (God's own medicine)	کوکائین
ganja	شخص معتاد به مواد مخدر	gong, gonger, gogola	مورفین
garbage	ماری جوانا	gong kicker	وافور
gee	هروئین درجه پائین (آشغال)	goods	شخص معتاد به مواد مخدر
gee-stick	مواد مخدر بویژه تریاک		مواد مخدر (اصطلاحی که قاچاقچیان وافور

فروشنده، سیار مواد مخدر، فروشنده	مورفین و کوکا ئین
و خریدار اموال مسروقه	dynamyter
deck	شخص معتاد به کوکا ئین
چندین بسته، مواد مخدر	
dip	
شخص معتاد به مواد مخدر	<b>E</b>
dipper	emergency-gun
وا فور	سرنگ تزریق که از قطره چکان و یک
dirty	سوزن ایمنی ساخته میشود.
قاچاقچی مواد مخدر، شخصی که	eye-opener
مواد مخدر در اختیار دارد، بزهکار	اولین تزریق معتاد در آغاز روز
مواد مخدر	
dodo	
شخص معتاد به مواد مخدر	<b>F</b>
dope	fall
مواد مخدر، شخص معتاد به مواد مخدر	دستگیر شدن، محکوم شدن به حبس
drag-weed	fat jay
ماری جوانا	سیگار ماری جوانا
dream gum	feeblo
تریاک	شخص معتاد به مواد مخدر
dream-stick	finger gee
وا فور	خبرچین
dreams	finger wave
حبه های تریاک برای جویدن	معاینه درون رکتوم برای احتمال
drive in	اختفای مواد مخدر
قاچاق کردن مواد مخدر	fink
dust	خبرچین، شخص غیر قابل اعتماد
ماری جوانا، هروئین، مورفین	از نظر معتادین
یا کوکا ئین	flake
dynamite	کوکا ئین
هروئین یا کوکا ئین یا مخلوطی از	flea powder

charas		connect	
charged-up	ما ری جوانا	connection	خریدن مواد مخدر
charley	تحت تاثیر مواد مخدر	cop to	رابطه، فروشنده، سیار مواد مخدر
charlie coke	کوکا ئین	corin(n)e	اعتراف کردن به سرقت
chinese molasses	شخص معتاد به کوکا ئین	cotics	کوکا ئین
chip	تریاک	courage pills	مواد مخدر
clear up	هروئین	crackling shorts	هروئین بصورت قرص
clout	ترک اعتیاد به مواد مخدر	croaker	سرقت اشیاء درون اتومبیل ها
cocaine	دزدی کردن از مغازه و درون اتومبیل	cube	پزشکی که نسخه های حاوی مواد مخدر
	کوکا ئین، که دارای اصطلاحات مورد	cubes	در اختیار معتادین قرار میدهد.
	استعمال معتادین بشرح زیر نیز	cut in	ال.اس.دی. روی حبه های قند
	میباشد:		قرصهای کوکا ئین
bernice, bigc, charley,			وارد شبکه قاچاق مواد مخدر شدن
coconut, coke, corine, dust,			
flake, girl, gold dust, happy			
dust, heaven dust, her, lee,			
snow, star dust, white nurse			
coconut			
coke	کوکا ئین	D	
cokie	کوکا ئین	"D"-LSD	
		D.A.	ال.اس.دی
	شخص معتاد به تریاک	dealer	شخص معتاد به مواد مخدر

blast	کشیدن سیگار ماری جوانا	کردن یا خبر جعلی به پلیس دادن
blasted	نشئه ، تحت تاثیر مواد مخدر	bum steer = bum beef
blow coke, blow snow	استعمال کوکائین از راه کشیدن به درون بینی	burned
blow a pill	کشیدن تریاک	ما مورسوخته شده (ما مورتعقیب و مراقبت که از طرف سوژه شناخته شده باشد)
blow weed	کشیدن ماری جوانا	bust or busted
bluesage	سیگار ماری جوانا	دستگیر شده ، ورشکست ، بی پول
boost	دزدیدن	buy
booster	سارق مغازه ها (زن یا مرد)	فروشنده سیار مواد مخدر
boot the gong	کشیدن تریاک یا ماری جوانا	<b>C</b>
booze	الکل	c
bow sow	مواد مخدر	کوکائین (اصطلاح مورداستفاده معنادین)
boy	هروئین	caballo
bread	پول	هروئین
brown rine	هروئین	cacil, cecil
bum beef	هروئین	مورفین یا کوکائین
	بطور دروغین و خدعه آمیز شکایت	cadet
		شخص تازه معنادشده
		cadillac
		کوکائین
		can
		اتومبیل، زندان
		cap
		کپسول حاوی هروئین
		carpet-walker
		شخص معنادبه هروئین
		carrier
		رساننده مواد مخدر به معنادین

Glossary of Narcotics

اصطلاحات خاص مواد مخدر

**A**

ace-a marihuana cigarette	شخص معتاد به تزریق مواد مخدر
ace in	bars of soap
acid-LSD	سیگار ماری جوانا
action	مواد مخدر
artillery	bay state
	تزریق زیرجلدی مواد مخدر
	beat
	سردیگری کلاه گذاشتن در فروش
	bendin
	مواد مخدر
	نشئه ، شخصی که تحت تاثیر مواد
	مخدراست
	big block
	کوکا ئین

**B**

bag	big C
bagman	کوکا ئین
bamboo	big D LSD
band house	ال. اس . دی
bang	big john
banger	پلیس ، ما مورا جرای فانون
	birdi powder
	مورفین، کوکا ئین، یا هروئین
	bit
	محکومیت زندان
	black and white
	ما مور پلیس

premium صنعتی واختراعات

prison education حق بیمه

public opinion آموزش در زندان

pyromania بررسی افکار عمومی

آتش افروزی

## R

rehabilitation of addicts

restoration of right بازپروری معتادین

right of appeal اعاده حق

حق استیناف

## S

sadism

دیگرازاری

self accusation

خودمتهم سازی

self punishment

خودکیفردهی

state ownership

مالکیت دولتی

## T

third party insurance

بیمه شخص ثالث

toxicomania

اعتیاد بمواد مخدر

## V

vampirism

خون آشامی

## W

wildcat strike

اعتصاب غیرمجاز

## J

filter

Johnson

judicial administration

## K

kiddy

## L

legal personality

## M

melancholy

military course

military school

military training

آموزش نظامی

moll

شریک جرم (مونت)

سارق

## N

narcomania

narcopathy

necrophobia

notary public

nymphomania

باج خور فاحشه‌خانه

اداره مورقضاٹی

جنون گرایش به موادمخدر

استفاده از موادمخدر در درمان

ترس داشتن از مرده

دفتر اسناد رسمی

جنون جنسی زن

جوان بزهکار

## O

on charge of

oral reprimand

ownership title

شخصیت حقوقی

با تها م

توبیخ شفاهی

حق مالکیت

مالیخولیا

دوره نظامی

## P

patent attorney

مدرسه نظامی

وکیل دعوی در امور مالکیت -

## D

decree of the council of ministers.

تصویب نامه هیئت وزیران

dragger

سارق اشیاء درون اتومبیل

drug addiction

اعتیاد به مواد مخدر

## E

eratism

شہوت پرستی، شہوت طلبی

executive and communication

department

اداره اجراء و ابلاغ

## F

falconer

جعل کننده عنوان، کلاهبرداری،

شخصی که خود را بعنوان و مناسبت

غیر واقعی معرفی میکند.

flatworker

شخصی که از فریب دادن افراد

ساده لوح از آنان اخاذی میکند.

follow-up file

پرونده تحت پیگرد

## G

government agencies

ادارات و سازمانهای دولتی

government authorities

مقامات دولتی

grafter

جیب بر

grass

خبرچین، ماری جوانا

grievance procedure

نحوه رسیدگی به شکایات

## H

hematophobia

خون هراسی

hoister

سارق مغازه

## I

inactive record

بایگانی راکد

infringement

تجاوز به حقوق

iron hoof

ژیگولو، مرد فاحشه: مردی که در

برای برداریافت پول با زنان مراد

میکند.



## Special Terms

### اصطلاحات ویژه

## A

access to information	دسترسی به اطلاعات	کلاهبردار
alec	متقلب	blank endorsement ظهنویسی بدون قید و شرط
angler	دزدی که بوسیله قلاب از پنجره‌های با زدزدی میکنند.	body corporated موسسه با شخصیت حقوقی
annunciater	علائم قرارداد دی که در موقع خطر موردا ستفاده مجرمین قرار میگیرد	breach of duty ترک خدمت
appoint as proxy (to)	انتصاب به وکالت	bug مخفی، استراق سمع
arbitration board	هیئت حل اختلاف	
artist	شیاد	

## B

bankruptcy act	قانون ورشکستگی	camp فا حشه مرد، زیگولو: مردی که در برای برداریا فت پول با زنان مراده مینماید.
bill of indictment	کیفرخواست	chicken-hunter اغفال کننده، پسر بچه‌ها
black	شیاد	civil procedure آئین دادرسی مدنی
		confidential filing بایگانی محرمانه
		conman شیاد

SEC.LEG.:according to law	برابر قانون، بموجب قانون
S.G.:solicitor general	معاون دادستان، مشاور حقوقی دولت
SGT.:sergeant	سربازان، گروهبان
SGT.MAJ.:sergeant major	سربازانیکم، گروهبان یکم
SOL.:solicitor	قاضی شهر کوچک، مشاور حقوقی
S.P.:shore patrol	گشت ساحلی
S.P.C.A.:society for the prevention of cruelty to animals.	انجمن حمایت حیوانات و جلوگیری از خشونت با آنها
SUP.C.:superior court	دادگاه عالی
SUP.O.:supply officer	افسردارکات
SUPT.:superintendent	مدیر، رئیس (در سازمانهای پلیسی)
T.:target	هدف
T.D.:traffic director	رئیس امور راهنمایی و رانندگی
T.O.:transport officer	افسر حمل و نقل
TR.:trace	نشانه
UMT.:universal military training	تعلیمات نظامی کامل
V.:velocity	سرعت
W.:warden	رئیس زندان، قییم، سرپرست
W.D.:war department	وزارت جنگ
WD.:ward	بند زندان
W.O.:warrant officer	استوار

L.G.:life guards	افراد نجات غریق
LEG:legal;legate;legator; legislative	
قانونی، مشروع، بارث گذاشتن، موصی، مقننه، هیئت موسسان، قوه مقننه	
LIEUT:lieutenant	ستوان
LIEUT COL.:lieutenant colonel	سرهنگ دوم
LIQ.:liquor	مشروب الکلی
L.L.B.:bachelor of laws (لیسانس حقوق)	دارنده مدرک لیسانس در حقوق
L.L.D.:doctor of laws (دکتر حقوق)	دارنده مدرک دکترا در حقوق
M15:	اداره امنیت بریتانیا
M16:	اداره اطلاعات خا رجه بریتانیا
MP,M.P.:military police	دژبانی ارتش
M.P.:mounted police	پلیس سوار
M.S.:manuscript	دست نویسی
MSS.:manuscripts.	دست نویسی ها
MPH.,M.P.H.:miles per hour	مایل بر حسب ساعت
MVD:	پلیس کشوری شوروی
N.C.O.:noncommissioned officer	درجه دار
NSC:national security council	شورای امنیت ملی
N.P.:notary public	دفتر اسناد رسمی
OMVUI:operating a motor vehicle under influence	رانندگی در حال مستی
OP,O.P.:observation post	پست دیدبانی
O.R.C.:officers' reserve corps	سپاه ذخیره افسران
O.W.I.:office of war information	اداره اطلاعات جنگ
P.C.:police constable	مامور پلیس، پاسبان
P.D:police department	اداره پلیس
PLFF.:plaintiff.	شاکی
P.M.:provost marshal	رئیس دژبانی
R.A.:rear admiral	دریادار
R.D.F.:rapid deployment of force	نیروی واکنش سریع
RECTP.:receipt	برگ رسید، قبض رسید
R.F.:reserve force	نیروی ذخیره
S.C.M:summary court marshal	رئیس دادگاه بدوی

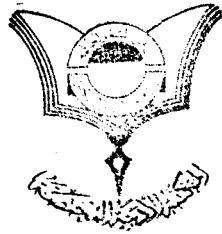
D.A.:district attorney	داستان ناحیه
DEF.:defendant;defense	متهم، دفاع
DEP.,DPT: department	اداره
DIST:district.	منطقه، ناحیه
DIST.ATTY:district attorney	داستان ناحیه
DR.debtor	بدهکار
E.F.:expeditionary forces	نیروهای اعزامی
E.W:electronic warfares.	جنگهای الکترونیکی
FBI,F.B.I:federal bureau of investigation	اداره تحقیقات (آمریکا)
FSA,F.S.A.:federal security agency	سازمان امنیت فدرال
GEN.:general	ژنرال، تیمسار
G.S.:general staff	ستادکل
G.H.Q:general headquarters	(مقر) ستادکل، اداره مرکزی
G.M.government men	مأمورین اف بی آی
HDQRS:headquarters	مقر، اداره مرکزی
I.C.P.C.:the international criminal police commission	انجمن بین المللی پلیس جنائی
I.C.P.R.:international criminal police review	مجلس پلیس بین الملل
H.Q.,HQ:headquarters	مقر، اداره مرکزی
I.D.intelligence department	اداره اطلاعات
INF.:infantry	پیاپی نظام
INSUR:insurance	بیمه
INTERPOL.:the international criminal police organization	سازمان پلیس جنائی بین المللی
J.:judge; justice	عدالت، دادگستری (اسم معنا)
KGB:komitet gosudarstvennoi bezopasnosti	سازمان اطلاعات و امنیت شوروی
L.I.:law	قانون، حقوق
L.A.:law agent; legislative assembly	نماینده قانون، مجمع قانونگذاری
L.C.Y.lord chief justice	رئیس کل دیوان عدالت

## Abbreviations

### اختصارات

ATT.ATTY: attorney	وکیل مدافع، دادستان
ATT.GEN., ATTY.GEN.:attorney general	دادستان کل
AV.,AVE.:avenue	خیابان
BARR.:barrister	وکیل مدافع، وکیل دعاوی، وکیل مشاور
BAT.,BATT.:battalion	گردان
B.C.L.:bachelor of civil law	دارنده مدرک لیسانس در حقوق مدنی
B.G.:brigadier general	سرتیپ
B.L,BLL.: bachelor of laws	دارنده مدرک لیسانس حقوق (لیسانس حقوق)
BRIG.:brigade; brigadier	تیپ، سرتیپ
BRIG.GEN.:brigadier general	سرتیپ
CAPT.:captain	سروان، ناخدا
CE: counterespionage	ضد جاسوسی
CIA:central intelligence agency	سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا
C.I.C.:commander-in-chief	فرمانده کل
CIC:counterintelligence corps	سپاه ضد اطلاعات
CID:criminal investigation department	اداره آگاهی
C.O.:commanding officer	افسر فرمانده
C. OF O.: commander of ordnance	فرمانده اردنانس
C. OF S.:chief of staff	رئیس ستاد
COL.:colonel	سرهنگ
COM.:commander	فرمانده
COMM.:commander	فرمانده
CONST.:constable	پاسبان
CONTR.:controller	کنترلر
CRIM.CON.:criminal conversation	زناکاری
CRO:the criminal record office	اداره نگهداری سوابق مجرمین
C.S.O:chief of staff officer	افسر ارشد ستاد
D.:dead	مرده
D.C.L:director of civil law	رئیس یا مدیر اجرای قانون مدنی





**Y**



yegg

دزدگاو صندوق (عامیانه)

جانی، ولگرد، دردشبهگرد

**Z**



zebra crossing

ساعت شروع عملیات، ساعت (س)

گذرگاه عابرپیاده zone

zero hour

منطقه ، حوزه



watch tower	برج نگهبانی	windscreen wiper	برف پاک کن اتومبیل
watchword	اسم شب ، کلمه رمز	windshield	شیشه جلو اتومبیل
waylay	در کمین کسی نشستن ،	wine	شراب
	کمین کردن	winner	فاتح
weak-brained	ضعیف العقل	winning party	محکوم له
weapon	اسلحه سرد و گرم ، سلاح	wipe out	محو کردن ، امحاً
weaponed	مسلح	wire	جیب بر ، تلگرام ردن
weaponry	اسلحه ساری ، تسلیحات	with arms	مسلحانه
wear stripes	دوره رندانی	with weapon	مسلحانه
	راگذراندن	witness	شاهد ، گواهی دادن ،
weave a plot	توطئه چیدن		شاهدت دادن ، ، شاهد بودن
weltering in blood	غرق در خون	witnessing	شهادت
	غرق در خون	witness summoning	احضار شاهد به دادگاه
what is due God	حق الله	world penal systems	سیستمهای جزائی و کیفری دنیا
while on duty	حین انجام وظیفه	wound	مجروح کردن ، زخم ، جرح
	حین انجام وظیفه		زخمی کردن
whip	شلاق ردن	wounded	مجروح
whodunit	داستان پلیسی	wrath	غضب ، خشم
whore	فاحشه	wrathful	خشمگین ، غضبناک
whoredom	فاحشگی	writ	حکم ، حکم دادگاه ، دستور دادگاه
whorehouse	فاحشه خانه	writ of attachment	حکم توقیف اموال
wicked	رذل	written	مدون
wickedness	شرارت	written law	قانون مدون
wife	زن ( همسر )	written report	گزارش کتبی
will	وصیت نامه ، وصیت	wrong	اشتباه
willful misconduct	خسارت عمدی		
willful murder	قتل عمد		
windscreen	شیشه جلو اتومبیل		

voluntary escape

فراررندانی باتبانی رندانان

vouchee

کسیکه برای او گواهی وشهادت

میدهند



waife	اشیا مسروقه که سارق هنگام فرار خودبجای گذارد	warning (red)	اعلام وضعیت قرمز، اعلام خطریه دادگاه ، اعلام خطر
walk off with	دردیدن ، کش رفتن ، بلند کردن	warning order	وضعیت آماده باش قرمز دستورآماده باش
walk way	پیاده رو	warning signs	تابلوهای هشدار دهنده ( اخطاری )
wallowing in wretchedness	غرق دریدبختی	warning (white)	اعلام وضعیت سفید
wanted	تحت تعقیب ، فراری	warning yellow	اعلام وضعیت زرد ( احتیاط )
war	جنگ	warrant	تعهد کردن ، شهادت ، مطلع ، تضمین ، حکم ، التزام ، اجاره قانونی
ward	نگهبان ، نگهبانی دادن ، صغیر ،	warrant of arrest	حکم بازداشت
warden	سرپرست ، رئیس زندان ( آمریکا )	warrant officer	استوار
warder	رندانان ، نگهبان زندان	warrantor	ضامن ، متعهد
wardership	اطاق رندانان ، رندانانی	warranty	تضمین ، ضمانت
wardress	رندانان زن	warring against God	محاربه با خدا
war front	جبهه جنگ	warship	رزمناو
war invalid	معلول جنگی	watch	نگهبانی دادن
warlike	جنگی	watcher	نگهبان ، پاسدار
warlock	خائن	watchman	نگهبان ، دیده بان ،
warn	آگاهی دادن ، هشدار دادن		
warning	آزیر ، آژیر خطر ،		

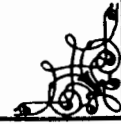
# V



vagrancy	ولگردی	victory	پیروزی
vagrant	ولگرد	vigil	کشیک
validity	اعتبار قانونی	violate	تخلف کردن
valuable	ذیقیمت	violation	تخلف از مقررات ،
vandal	خرابکار		هتك ناموسی ، تخلف
vehicle registration	شماره گذاری وسیله نقلیه	violation count	آمار تخلفات
vengeance	خونخواهی	violator	متخلف
venir fasciac	حکم احضاریه دادگاه	violence	متعدی ، عنف
venomous	مسموم	virgin	دوشیزه ، باکره
venue	محل وقوع جرم، محل دادرسی	virginity	بکارت
verdict for staying the		visa	ویزا، روادید
proceeding	قرار منع تعقیب	visiting the scene of	باردیدار صحنه جرم
verification of signature	گواهی امضا	crime	آزمایش چشم
		visual test	viva voce report
vice admiral	دریابان		گزارش شفاهی
vice squad	گروه ضربت کشف	voirdire	سوگندی که شاهد قبل از
	ودستگیری تبهکاران		دادن گواهی ادا میکند که حقیقت
vice president	نایب رئیس		رابگوید
vicious	فاسد	volition	اراده
victim	قربانی: شخصی که در اثر	voluntary	ارادی
	فریب یا حیلۀ باتوطئه مورد خسارت	voluntary bankruptcy	ورشکستگی به تقصیر
	جانی، مالی یا حیثیتی قرار میگیرد .	voluntary manslaughter	قتل عمد
victorious	فاتح		

چراغ راهنمایی وسیله نقلیه	two-way street	خیابان دوطرفه	tyranny	تابلو جاده دوطرفه	دورگویی
	two-way traffic sign				

# U



ultimatum	اتمام حجت، التیماتوم	غیر عمد ، بدون قصد
unarmed	غیر مسلح	unintentional murder
unauthorized	غیر مجاز	قتل غیر عمد
unclaimed properties	اموال مجهول المالك	unjust attitude
		حق کشی
undercover agent	مامور مخفی	unlawful
uncovered check	چک بی محل	unlawful sexual
underground	شبکه زیر زمینی، مترو	intercourse
		رنا
underground station	ایستگاه مترو	unpaid work
		بیگاری
underplot	توطئه ، دسیسه	unreal
		غیر واقعی
under police control	تحت کنترل پلیس	unswear
		سوگند خود را نقض کردن
under police surveillance	تحت تعقیب و مراقبت پلیس	untraceable
		مفقود الاثر
under protection	تحت الحمايه ، تحت مراقبت	untrue
		غیر واقعی
undersea	زیر دریائی	untruth
		دروغ
undertaker	متعهد	urgent
		فوری
undertaking	متعهد ، التزام	urgent action
		اقدام سریع
unexploded	مهمات عمل نکرده	usurpation
		غصب
unintentional		usurped
		غصبی
		usurper
		غاصب
		usuary
		ربا خواری
		uttering
		ترویج پول تقلبی یا اسناد مجعول
		u-turn
		دورردن

traffic light time	مدت زمان چراغ راهنمایی	traumatize	باضرب و جرح مجروح ساختن
traffic laws and regulations	قوانین ومقرارات راهنمایی و رانندگی	treacherous	خیانت آمیز
traffic management	مدیریت ترافیک	treacherously	خائنانه
traffic police	پلیس راهنمایی و رانندگی	treachery	خیانت
traffic signs and signals	تابلوها وعلائم راهنمایی و رانندگی	treason	خیانت به مملکت
traffic violation	تخلف از مقررات راهنمایی و رانندگی	trench	سنگر ، جان پناه
traffic violator	متخلف از مقررات راهنمایی و رانندگی	trespass	هتك حرر ، تجاوز به
tragedy	فاجعه	trespass	حریم دیگران ، شکستن حرر
trajectory of bullet	مسیر گلوله	trial	محاكمه
tranquilizer	داروی آرام بخش	trial by jury	محاكمه توسط هیئت منصفه
transaction	صلح (مدنی) - عقدی که در آن طرفین توافق برامری ارا مورکنند	tribunal	دادگاه ، محكمه
transcript	رونوشت	trickery	تدلیس ، حقه بازی ، حيله گری
transgression	تخلف	trigger	ماشه اسلحه
transit plate (vehicle)	پلاك موقت (وسيله نقلیه)	truncheon	باطون
transit station	ایستگاه وسائط نقلیه عمومی	trustee	امین
transmit	مخابره کردن	trustworthy	(امانت دار ، قابل اعتماد)
transportation	ترابری	truth	طرف اعتماد
traumatism	ضرب و جرح	truth	حقیقت
		try	محاكمه کردن
		tumbler	کلنگدن
		tumult	غائله
		turbulence (cy)	اغتشاش ،
			اختلال در نظم و آرامش
		turmoil	هرج ومرج ، بی نظمی
		turn about	عقب گرد کردن
		turn sign	تابلوگردش
		turn over to the police	تحویل پلیس دادن
		turning signal	

testimony	سوگندنامه ، گواهی ، شهادت نامه	toxic	مسموم کننده
text of an oath	سوگندنامه	trace	اثر، سرنخ ، ردیابی کردن
theater of war	صحنه جنگ	tracks sign	تابلو خطوط راه آهن
theft	دزدی ، سرقت	tract	رد، سرنخ، اثر
theoretical law	حقوق نظری	traffic	عبور و مرور وسائط نقلیه
thief	دزد ، سارق	traffic census	آمار ترافیک
thievery	دزدی ، سرقت	traffic cop	پلیس راهنمایی
third degree	شکنجه برای گرفتن اقرار	traffic cone	برجک
third party insurance	بیمه شخص ثالث		( مخروط لاستیکی که در راهنمایی و رانندگی مورد استفاده است )
thirty-eight pistol	پيستوله كالیبر ۲۸	traffic congestion	تراکم ترافیک
threat	تهدید	traffic control	راهنمایی و رانندگی
threaten	تهدید کردن	traffic court	دادگاه ویژه رسیدگی به تخلفات رانندگی
three-leg intersection	سه راه	traffic department	اداره راهنمایی و رانندگی
throttle	خفه کردن	traffic engineering	مهندسی ترافیک
thug	جانی ، آدم کش	traffic indicator	چراغ راهنمای وسیله نقلیه
ticket	برگه حریمه	traffic jam	راه بندان (ترافیک)
T-intersection	سه راه (به شکل حرف T)	trafficker	چراغ راهنمای اتومبیل
title(deed)	قباله ، سند مالکیت	traffic light	چراغ راهنمایی
toll	عوارض راه	traffic light interval	مدت زمان چراغ راهنمایی
top secret	بکلی سری ، طبقه بندی بکلی سری	traffic light period	مدت زمان چراغ راهنمایی
torment	زجر ، شکنجه		
tort	شبه جرم		
torture	شکنجه دادن ، زجر دادن		
touching	رقت آور		

surrounding	محاصره	swear	سوگند خوردن، سوگند دادن، سوگند
suspend	تعليق دادن ، به تعويق انداختن اجرائى حكم ، موقوف الاجرا كردن	swear word	فحش ، ناسزا
	تعليق دادن	swearing formula	سوگند نامه
suspension	انتظار خدمت	swindle	كلاهبرداری كردن
suspicion	مظنونیت	swindler	كلاهبردار
swag	مال مسروقه	synchronism (traffic lights)	همزمانی (چراغهای - راهنمایی)
swagman	مالخر ( خریدار مال مسروقه )		

# T



taboo	حرام	technical report	گزارش فنی
tail light	چراغ خطر عقب (وسیله نقلیه)	teddy boy	ژیکولو
take hostages	گروگان گیری كردن	telling lies	دروغگوئی
take in to custody	رندانی كردن	temporary permit	اجازه موقت
take sanctuary	متحصن شدن	temptation	وسوسه
take up arms	مسلح شدن	tenant	مستأجر
tap	استراق سمع (كردن)	terror	ترور، آدمكشی ، رقت
target	هدف (درتیراندازی)	terrified	وحشت زده
tattooing	خالکوبی	terrorist	تروریست، خرابكار
tax	مالیات	terror-simitten	وحشت زده
technical identification		testify	شهادت دادن
of motor vehicles	احراز صلاحیت خودرو	testifier	گواه ، شاهد
		testimonial	برگه شهادت ، شهادت نامه

strangle	مهاجر قاقاق خفه کردن	summoning a witness	استشهاد
street-name	تابلو نام خیابان	summons	احضاریه
street offences	مزاحمت های خیابانی	super sedes	حکم توقف جریان محاکمه صادره به دادگاه پائین تر
strike	اعتصاب	superior	مافوق
stronghold	دژ، استحکامات	supervision	نظارت
struggle	مبارزه	super wisum corporis	گزارش معاینه جسد
submarine	زیردریایی	supplies	تدارکات
studded tyre	لاستیک بیخ شکن	supply department	اداره سررشته داری
subaltern	افسران مادون سروان	supreme court	دیوان عالی کشور
subassembly officer	افسر جز	supreme judge	قاضی القضاة
sub-lieutenant	ستوان سوم	surety	ضامی، وثیقه، تضمین
submission	اطاعت	surprisal	غافلگیری
subpoena	احضاریه ( برای احضار شاهد )	surprise attack	غافلگیری
subpoena ad testificandum	احضاریه برای حضور شاهد در دادگاه	surprise attack by night	شیخون
subway	مترو	surveillance	تعقیب و مراقبت ، تجسس
subway station	ایستگاه مترو	surveillant	مأمور تعقیب و مراقبت
succession	وراثت	surveying officer	افسر تعقیب و مراقبت
sue	پیگرد قانونی، اقامه دعوا کردن	suspect	مظنون شدن ، مشکوک شدن ، مظنون ، آدم مشکوک
suffocate	خفه کردن	suspected	مظنون ، مشکوک
suicide	خودکشی، خودکشی کردن ، انتحار	supporter	کنیل
suit	دادخواهی، اقامه دعوا، دادخواهی		
summary court	دادگاه بدوی		
summoning	احضار (به دادگاه)		



speed	سرعت	state criminals	
speeding	سرعت رفتن	statement of charges	مجرمین سیاسی
speed-limit sign	تابلوحد اکثر سرعت مجاز	state license plate	اعلام اتهامات
speedometer	سرعت سنج	state-owned properties	پلاک دولتی (وسیله نقلیه)
speed-zone-ahead sign	تابلومنطقه محدودیت سرعت	state-owned vehicle	اموال دولتی
sperm	منی	station	ایستگاه، پاسگاه
spiked tyre	لاستیک یخ شکن	statute of limitation	قانون مرور زمان
spirit	عرق	statutory limitation	مرور زمان
spirit of law	روح قانون	steal	دزدیدن
spoil of war	غنیمت جنگی	stealer	دزد
sponsorship	حضانت	stealth	سرقت ، مال مسروقه
spot inquiries	تحقیقات محلی	step father	ناپدری
spot report	گزارش مشاهدات و تحقیقات محلی	step son	ناپسری
spouse	همسر (شوهر یا زن)	stifle	خفه کردن
spurious	جعلی، بدلی، قلابی،	stolen goods	اموال مسروقه، مال دزدی
spy	جاسوس ، جاسوسی کردن	stoning to death	سنگسار کردن
spying officr	افسر عملیات جاسوسی	stool pigeon	خبرچین، مخبر (عامیانه)
squad car	ماشین گشتی ، گروه ضربت	stop	ایست
squabble	نزاع	stop line	خط ایست
stab	چاقو زدن	stop sign	تابلو ایست
stabber	چاقوکش	stowaway passenger	
stabbing	چاقوکشی		
stand bail for someone	ضامن کسی شدن		
stand surety for someone	ضامن کسی شدن		

side road	راه فرعی	smiter	ضربه سخت و شکننده وارد کردن
side way		smoke	تدخین کردن
siege	محاصره	smuggle	قاچاق کردن
sight	مگسک تفنگ	smuggled goods	کالای قاچاق
sighting	نشانه روی کردن ، نشانه رفتن	smuggler	قاچاقچی
sign	تابلو	snap report	گزارش فوری یا آنی
signalment	علائم مشخصه (برای تشخیص هویت)	sneak	دزدی
signing	تابلوگذاری، علامتگذاری	sneak thief	دله دزدی
silence of an accused	سکوت متهم	sniff	تدخین ار راه بینی
silencer	صداخفه کن سلاح	snipe	کمین کردن برای ترور شخصی
sin	گناه	snow tyre	لاستیک بخر شکن
sinner	گناهکار	social cataclysm	شورش اجتماعی
sketch of crime scene	کروکی صحنه جرم	social worker	مددکار اجتماعی
skid	زنجیر چرخ اتومبیل	sodomy	لواط
skid mark	خط ترمز	sodomist	لواط کار
skirmish	جنگ وگریز	soldier	سرباز
slander	افتراء، تهمت	solicitation	تلاش و تحریک برای اغفال
slanderer	مفتری	solitary confinement	زندان انفرادی
slap	سیلی زدن	sorricide	خواهر کشی
slash	ایراد ضرب و جرح با مشت و چاقو	sovereignty	حق حاکمیت
slaughter	کشتار، قتل عام	spare tyre	یدک ( چرخ )
slave trade	برده فروشی	special court	دادگاه اختصاصی
slay	قتل باخسونت	special passport	
slippery-when-wet sign	تابلو جاده لغزنده	specialist	گذرنامه مخصوص کارشناس
slut	روسی ، فاحشه	speculation	احتکار
		speculator	محتکر

sentry box	سربینه ، اطافك نگهبانی	مهارت در تیراندازی
sequestration	حکم توقیف اموال	تیرانداز ماهر
sergeant	گروهبان	پوکه فشنگ
sergeant at arms	مأمور اجراء ، انتظامات	پرتاب نارنجك یا شلیك توپ
sergeant first class	گروهبان دوم	ترکش
sergeant major	گروهبان یکم	پلیس شهرستان ، مقام
sergeant of the guard	گروهبان نگهبان	کانتی که مسئول برقراری امنیت و اجرای احکام قضائی است . در آمریکا کانتسی اریالت کوچکتر و از شهر بزرگتر و تقریباً "معادل شهرستان است .
serve as a witness	شاهد شدن	سپر (کنترل اغتشاشات)
servement	حبس خود را گذراندن	shoot
serve one's time	در زندان بسر بردن	تیراندازی کردن
service	ابلاغ اوراق قضائی	shooting gallery
service officer	افسر ارشد نگهبان	سالن تیراندازی سرپوشیده
service passport	گذرنامه خدمت	shoot up
service record	سابقه خدمت	توزیع مواد مخدر در رگ
service uniform	اونیفرم خدمت	short-cut
servitude	اعمال شاق	راه میان بر
settlement	رفع اختلاف	shot
set up	اقامه دعوا کردن	گلوله ، شلیك ، ساچمه
sex offences	جرایم جنسی	shotgun
shabby man	ژنده پوش	تفنگ ساچمه زنی
sharp shooting		shot hole
		اثر گلوله
		shoulder arm!
		دوش فنگ کردن ! (فرمان نظامی)
		shoulder strap
		سر دوشی نظامی
		shower of bullets
		رگبار گلوله
		shrapnel
		ترکش
		sick leave
		مرخصی استعلاجی
		side arm
		سلاح کمربندی

crimes	کشف علمی جرائم	طبقه بندی سری
scopolamine	اسکوپولامین یا	secret police پلیس مخفی
	"سرم حقیقت" (آلکالوئید تلخ مزه ای	secretion پنهان کاری
	که اربعضی نباتات تیره باندجانی	security امنیت
	گرفته میشود و در مرکز اعصاب اثر	security actions اقدامات امنیتی
	میکند و مسکن است و جهت گرفتن	security clearance برگ عدم سوء پیشینه کیفری
	اقرار به افرادی که در مقابل	security measures (actions) necessitating the deprivation of freedom اقدامات تأمینی ساعسب آزادی
	بار جوئیها و شکنجه های متداول مقاومت	security organization
	میکند تزییق میشود . در اکثـر	
	سیستمهای حقوقی اقراریری که با	
	تزییق این ماده یا امثال آن گرفته	
	شده باشد قابل ارائه در دادگاه	
	نیست )	
scorn	اهانت	سارمان امنیتی
scoundrel	رذل	seduce اغفال کردن ( جهت ارتکاب جرائم جنسی ) ، اغوا کردن
scouting	گشت رنی بمنظور جمع - آوری اطلاعات ارنیروهای دشمن	seduction اغفال ( بمنظور ارتکاب جرائم جنسی ) ، اغوا
shuffle	دست به یقه شدن	seek sanctuary متحصن شدن
scurrility	فحاشی	seize تصرف کردن ، مصادره ، توقیف اموال ، تصرفات
seal up	لاک و مهر کردن	self-defense (ce) منی
search	تفتیش کردن ، بازرسی کردن	semen افسر ارشد
search warrant	حکم بازرسی ، اجازه تفتیش	senior officer حکم ، صادر کردن
second lieutenant	ستوان دوم	sentence محکوم کردن
secondary cause	علت ثانویه	sentenced محکوم شدن
secondary evidence	ادله دوم جرم	sentinel قراول ، دیدبان ، نگهبان ، نگهبانی دادن
secret	سری ، مخفیانه ، اطلاعات سری	sentry نگهبان ، کشیک ، محل نگهبانی
secret classification		

roster	صورت نگهبان	rule	دستور العمل، ضابطه
rough-road sign	تابلو جاده ناهموار	rules and regulations	نظامات و مقررات
round	واحد فشنگ و مهمات	rumors	شایعات
rout	اجتماعات غیر قانونی	run over	زیر گرفتن (با وسیله نقلیه)
rover	دزد دریایی	run up a debt	قرض بالا آوردن
ruffian	بی رحم، چاقوکش	rush hour	ساعت شلوغی ترافیک
ruffianism	چاقو کشی		
ruination	تخریب		

## S



sabotage	خرابکاری، عملیات تخریبی، سابوتاژ	salutation	سلام نظامی دادن
saboteur	خرابکار	save	نجات دادن
sacrifice	قربانی، قربانی کردن جانفشانی	scene of action	صحنه درگیری (عملیات)
sacrilege	سرقهت از اماکن مقدسه	scene of crime	صحنه جرم
safe-blowing	سرقهت از گاوه - صندوق (بوسیله انفجار)	scent bank	بانک بو (محل نگهداری البسه و اشیاء خصوصی مجرمین بمنظور استفاده از بوی آن توسط سکهای پلیس در ردیابی و تعقیب آنان)
safe breaker	دزد گاوه و صندوق	scheme	توطئه
safe cracker	دزد گاوه و صندوق	school-bus-stop-ahead sign	تابلو به ایستگاه اتوبوس مدرسه نزدیک میشود
safeguarding	حفاظت	school-crossing sign	تابلو گذرگاه مدرسه
safeguarding of	حفاظت اطلاعات	scientific detection of	
intelligence			
safety lock	قفل ایمنی، ضامن اسلحه		

responsible	مسئول، مسبب	تصادف عمدی، تصادف ۹۰ درجه
responsibility	مسئولیت	right of way (r.o.w.)
restraint of property	ضبط اموال، توقیف اموال	حق تقدم
restricted	محرمانه	right turn
restricted classification	طبقه بندی محرمانه	گردش به راست
restricted data	اطلاعات طبقه بندی شده	ring
restriction	ممنوعیت، محدودیت	اعتراف گرفتن باشکنجه
retaliation	مقابله بمثل، تلافی، قصاص	ringing the changes
retreat	عقب نشینی (کردن)	کف زنی
retrial	اعاده دادرسی	riot
retroaction of law	عطف به ماسبق شدن قانون	شورش، اغتشاش، شورش کردن، آشوب، ناآرامی
retrospect	عطف بماسبق	rioter
reveal	فاش کردن، افشأ کردن	riots control
reveil	شیپوربیدارباش	کنترل اغتشاشات
revenge	انتقام، تقاص، خونخواهی	road
revengeful	کینه آمیز، کینه ای	جاده، معبر، راه
review	سان، تحقیقات مجدد قضائی (برابر تصمیم دادگاه)	road agent
revocable divorce	طلاق رجعی	راهزن
revolt	شورش، اقدام علیه حکومت	road block
revolution	انقلاب	وسيله انسداد جاده یا خیابان
revolver	رولور (نوعی سلاح کمربندی)	road marking
rifle	تفنگ، در دیدن	خط کشی جاده
right angle accident		و خیابان، علامتگذاری جاده و خیابان
right angle collision		road studs
		میخکوبی های جاده و خیابان
		road-work sign
		تابلو جاده در دست تعمیر است
		rob
		در دیدن
		robber
		دزد، سارق
		robbery
		سرقت، دردی، اخذ مال بعنف
		rogatory commission
		نیابت قضائی
		rollover
		چپ شدن خودرو

religious law	قانون شرعی
religiously legal	مشروع مذهبی
recrimination	اعاده حیثیت
recruitment	سربازگیری
red-handed	حین ارتکاب جرم
re-education	فشنک گذاری مجدد، پیر کردن مجدد
reforge	بازپروری (آموزشی) دوباره جعل کردن
reformatory	دوباره به زندان فرستادن، بازداشت مجدد، اخذتامین مجدد
refugee	کانون اصلاح و تربیت (دارالتأدیب) پناهنده، فراری
refute	حاشا کردن علل مخففه جرم
regiment	هنگ
regiment commander	فرمانده هنگ
registration	نام نویسی
registration plate	پلاک وسیله نقلیه
registration plate number	شماره پلاک وسیله نقلیه
regulations	مقرارت، آئین نامه
rehabilitation	اعاده حیثیت
relation	نسبت، خویشاوندی
relator	شاکی خصوصی
release on bail	آزاده بقیه کفالت، بقیه کفیل آزاد کردن، کفالت گرفتن
reliable sources	منابع
religious commandments	احکام شرعی
religious court	دادگاه شرع
religious law	قانون شرعی
religiously legal	مشروع مذهبی
religious rules	احکام شرعی
reload	فشنک گذاری مجدد، پیر کردن مجدد
remand	دوباره به زندان فرستادن، بازداشت مجدد، اخذتامین مجدد
remission of crime	علل مخففه جرم
repatriation	با زکشت به زادگاه (میهن)
report	گزارش دادن، گزارش اطلاع دادن، خبر
reprimand	تنبيه اداری (کردن)
repudiation	انکار
reputation	حسن شهرت
requisition	درخواست استرداد مجرم
rescue	نجات دادن، نجات
reserve	نیروی احتیاط
residence	محل اقامت
residence permit	اجازه اقامت
resident	ساکن مقیم
resignation	استعفا
resigned	مستعفی
respite	تعلیق موقت مجازات
respondent	متهم دادگاه استیناف

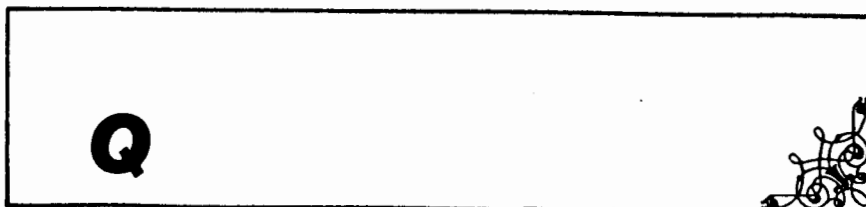
# R



racketeer	اخاذ ، باج خور	rebuke	توبیخ کردن
racketeering	اخاذی ، باجخوری	recaption	توقیف مجدد ( برای جرم واحد )
rail station police	پلیس راه آهن	recapture	دستگیری مجدد فراری
railway	راه آهن	recall	احضار کردن به دادگاه
range	برد سلاح	receive (stolen goods)	خریدن اموال مسروقه
range officer	افسرتیر	receipt	قبض رسید
rank	رده ، درجه	receiver (of stolen goods)	مالخر (خریدار اموال مسروقه)
ransack	غارت ، غارت کردن	recidivism	تکرار جرم
ransom	خونیها ، دبه	reckless driver	راننده بی پروا
rape	تجاوز بعنف ، تجاوز جنسی	reclama	درخواست تجدیدنظر
rapid deployment force	نیروی واکنش سریع (R.D.F)	recognizance	وجه التزام
rapist	متجاوز به عنف	recognizee	کسیکه برای او ضمانت میشود
rascals	اوباش ، اراذل	recognizer (or)	ضامن
rasure	مخدوش کردن سند	recompensation	پرداخت غرامت
ravishment	تجاوز جنسی	reconcile	صلح دادن ، آشتی دادن
real estate	اموال غیر منقول	record	پرونده
rear end accident	تصادف جلو به عقب	record of events	ثبت وقایع
rear collision	تصادف جلو به عقب	recriminate	
rear light	چراغ دنده عقب (وسیله نقلیه)		
rear view mirror			



prove	اثبات کردن	public prosecutor, s office	دادسرا
proving	اثبات		
provost	افسر دژبان	punch	زدن ، کتک زدن
provost guard	پلیس دژبان	punish	تنبیه کردن ، مجازات کردن
provost marshal	رئیس دژبانی	punishment	مجازات ، کیفر ، جزا
prowler	ولگرد	punishment book	آئین نامه انضباطی
proxy marriage	اردواج وکالتی		
(اردواج از طریق وکالت دادن به دیگری)		purgation	اثبات بی گناهی از طریق ادای سوگند (قدیمی) ، تبرئه با سوگند
psychiatrist	روانپزشک	purloin	اختلاس
psychiatry	روانپزشکی	pursuance	تعقیب
psychopathy	بیماری روانی ، روان پریشی	pursue	تحت تعقیب قانونی قرار دادن
public interests	منافع عامه	pursuer	تعقیب کننده
publication of false news	نشر اکاذیب	pursuit	تعقیب و مراقبت ، تعقیب قانونی
public order	نظم عمومی	pursuit course	مدت تعقیب قانونی
public prosecutor	دادستان	put on safety	بضامن کردن سلاح



quarrel	مشاجره ، نزاع	quietus	ادای دین
quarters	قرارگاه	quit addiction	ترك اعتیاد کردن
quench	کشتن باخفه کردن	quit claim	انصراف از دعوی
quest	بارجویی کردن ، تعقیب کردن	quitting of alimony	ترك انفاق
question	تردید ، شکنجه برای اخذ اقرار ، استنطاق ، تحقیقات دادگاهی	quod	حبس ، زندان
questioner	بارجو		

private criminal law	ملقات زندانی	prohibited	ممنوع
private offence	حقوق جزای اختصاصی	prohibited zone (area)	منطقه ممنوعه
privilege from arrest	جرم خصوصی	prohibition	ممنوعیت
privilege of parliament	مصونیت ارتوقیف	prohibitive sign(s)	تابلو(های) با باردارنده
pro	مصونیت پارلمانی	promisor	متعهد
pro and con	له (در مقابل علیه)	promissory note	سفته
probation	له و علیه	promotion	ترفیع
probation officer	حکم تعلیق مجازات	promotion in rank	ارتقا درجه، ترفیع درجه
procurator	مأمور ناظر (ماموری که محکوم در دوران تعلیق مجازات باید تحت نظر او باشد)	promotor	مجری قانون
procedure	رویه قضائی ، آئین دادرسی	pronounce	حکم صادر کردن
proceeding for damage	دعوت خسارت	proof	دلیل
proceedings	صور تجلسه	proof lead	ارائه دلیل
process	احضاریه ، حکم اجرا ، قانون مجریه	proofs	ادله
process verbal	صور تجلسه	proprietor	مالك
procurator	قوای	proprietorship	مالکیت
procurator of woman	وادار کردن زنان به فحشا	proscription	محکومیت ، محرومیت از حقوق قانونی
procuratory	سندوکالت	prosecute	تعقیب قانونی کردن ، تحت بی گرد قرار دادن
procurer	قواد	prosecutable	قابل تعقیب
produce a witness	شاهد آوردن	prosecution	تعقیب قانونی ، بی گرد قانونی
production	ارائه سند یا مدرک	prosecutor	دادستان ، مدعی العموم
profile	نیمرخ	prosecutor general	دادستان کل
		prostitute	فاحشه ، روسپی
		prostitution	فحشا ، فاحشگی
		protection	حفاظت ، محافظت

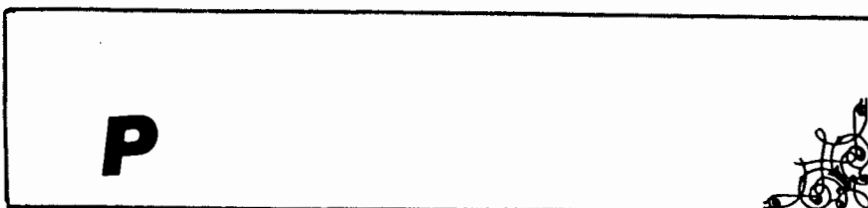
position	سمت ، مقام اداری	presentment	اقدام قانونی در جرائم مشهود
posse	گروههای امدادی محلی	presumption	استنباط
post	برای کمک به پلیس	presumption of fact	استنباط از روی امارات
post of duty	پاسگاه ، قرارگاه ،	presumption of law	اماره قانونی
pound	گماردن نکهبان	pretention	اقامه دعوی
pound breach	پاسگاه	prevalence	غلبه
poverty	مترك حرزیاورودغیرقانونی	prevarication	خیانت وکیل به موکل، اظهارات دوپهلوی شاهد
powder	فقر	prevention of crime	جلوگیری از وقوع جرائم
power of attorney	باروت	and deliquency	preventive action
power to prosecute	وکالتنامه		اقدامات احتیاطی
	حق تعقیب داشتن		preventive detention
precedence	سابقه		توقیف احتیاطی
premediation	عمد، قصد قبلی		previous record
premonition	اخطار قبلی		سابقه خدمت
prepense	عمدی	primer	چاشنی ( مهمات )
prescript	دستور، حکم	principal punishment	کیفر اصلی
prescription	حق آب و گل ، مرور زمان		prison
prescription of crime	مرور زمان جرم		حبس
prescription of instance	مرور زمان دعوی	prison breach	فرار از زندان
prescription of penalty	مرور زمان مجازات	prison breaker	زندانی فراری
present arms!	پیش فنگ ! (فرمان نظامی)	prisoner	زندانی
presentation	ارائه مدرک پاسند	prisoner of war(P.O.W)	زندانی جنگی، اسیر جنگی
		prison governer	رئیس زندان
		prisoner visiting	

plead guilty	اعتراف به جرم کردن	اباره کل شهربانی	police investigations	تحقیقات پلیسی	
plead of accused	دفاع متهم	مأمور پلیس ، پاسبان	policeman	police official	صاحب منصب پلیس
pleadings	اظهارات طرف دعوا	امان نامه ، حکم امان	plevin	police platoon sergeant	سر پاسبان دوم
plot	توطئه چیدن ، نقشه خائنه	توطئه گر	plotter	police precinct	کلانتری
plunderage	غارت	غرق در بدهی	plunged in debt	police radio	بی سیم پلیس
point blank	مهرزدن ( تیراندازی دقیق)	گزارش پلیس	police report	police sergeant	سر پاسبان
poison	زهر ، مسموم کردن ، زهر دادن	سر پاسبان یکم	police sergeant first	police sergeant major	سر پاسبان یکم
poisoned	مسموم ، زهر آگین	سر پاسبان یکم	police station	police	کلانتری ، پاسگاه پلیس
poisoned state	مسمومیت	بیمه نامه	political assassination	قتل سیاسی	
poisoning	مسموم کردن	حقوق سیاسی	political law	حقوق سیاسی	
police	پلیس ، پاسبان ، استوار	جرم سیاسی	political offense	جرم سیاسی	
police academy	مرکز تحقیقات و آموزشهای پلیسی	قرارداد سیاسی	political treaty	قرارداد سیاسی	
police action	عملیات انتظامی	علم سیاست	politics	علم سیاست	
police commissioner	کلانتر	نوان خانه	poor house	نوان خانه	
police court	دادگاه خلاف	خشمشاش	poppy	خشمشاش	
police department	شهربانی	نشریات مستهجن (نشریات مخالف)	pornographies	نشریات مستهجن (نشریات مخالف)	
police dog	سگ پلیس				
police force	نیروی انتظامی				
police headquarters					

persecute	شکنجه کردن	pillion rider	ترك نشین (موتورسیکلت یادوچرخه)
persecution	شکنجه، زجر	pilot	خلبان
personal properties	اموال منقول	pimp	قواد
persons too closely related to marry legally	محارم	pinioned	کت بسته
pervertion	انحراف جنسی	pink	خبرچین، مخجر (عامیانه)
petitioner	شاکی، خواهان، دادخواه	piracy	سرفت دریائی
petit (petty) larceny	دله دزدی، سرقت (بمیزان برابر یا کمتر از حدارزشی که در قوانین بعضی ارکشورها آمده است)	pirate	دزد دریائی
petty theft	دله دزدی	pistol	سلاح کمری
petty offence	خلاف (جرم کوچک)	pistol-whip	ضربه با ته تپانچه
phobia	هراس	pitiable	رفت آور
physical evidence	مدرك عینی	plagiarism	سرفت ادبی یا اختراعات
physiognomy	قیافه شناسی	plagiarist	سارق ادبی
picking	سرفت از کیف یا جیب و غیره	plainclothes man	پلیس مخفی
picklock	دزد قفل بر، قفل بار کردن بقصد سرقت	plaint	شکایت
pickpocket	جیب بر، دلد دزد	plaintiff	خواهان، دادخواه، شاکی
pile arms!	چاتمه فنک!	plan	طرح
(فرمان نظامی)		plant	اموال مسروقه، مخفی کردن
pillion passenger	ترك نشین (موتورسیکلت یادوچرخه)	plant a bomb	بمب گذاری کردن
		platoon	دسته (کوچکتر از گروهان)
		platoon sergeant	گروهبان دوم
		plea	پاسخ دعوت
		plead	دفاع کردن
		pleader	دادخواه
		pleading	دادخواهی، دفاع
		pleading for justice	اقامه دعوی کردن

party	طرف دعوا	peculation	اختلاس
pass	گذرنامه، اجازه عبور	pecuniary liability	ضمانت، ضمانت جبران خسارت
	(از مرز یا کشور)، سبقت گرفتن	pecuniary punishment	مجازات نقدی
passage	اجازه عبور		
pass a judgement	حکم صادر کردن	pederast	لواط کار
	رهگذر	pederasty	لواط
passer-by	سان دیدن	pedestrian	عابر پیاده
pass in review	شاه کلید	pedestrian crossing	گذرگاه عابر پیاده
pass-key	گذرنامه		
passport	اسم عبور، اسم شب	peep sight	شکاف درجه
password	سابقه	pellet	ساجمه
past record	دروغ سنج	penal	کیفری، جزائی
pathometer	پدرکشی	penal code	قانون جزا،
patricide	ماترك		مجموعه قوانین کیفری
patrimony	گشت (فرد)	penalize	جریمه کردن
patrol	اتومبیل گشتی (پلیس)	penal law	حقوق جزا
patrol car	گشتی (فرد)	penal servitude	حبس با اعمال شاقه
patroller	گشت زنی		
patrolling	پلیس گشتی (فرد)	penal systems	نظامهای کیفری
patrolman	ماشین مخصوص حمل زندانیان	penalty	جریمه، کیفر
patrol wagon	اسم شب	penitent	نادم
	صلح	penitentiary	ندامتگاه
pazol	صلحیه، دادگاه بخش	penology	کیفرشناسی
peace	انتظام	percussion bullet	گلوله انفجاری ضربتی
peace court	مأمور انتظامی		
	قرارداد صلح	peremption	سقوط دعوی
peace keeping	اختلاس کردن	perjure	شهادت دروغ دادن
peace (keeping) officer		perjury	سوگند دروغ
peace treaty		permit	مجاز کردن، اجازه رسمی
peculate		perpetration	ارتکاب جرم

order arms	پافنگ! فرمان نظامی!	بیاغي، غیر قانونی اعلام کردن
ordinary passport	گذرنامه عادی	گرانفروشی overcharging
ordnance	سازوبرگ	overhead pedestrian crossing
ordonance	حکم قانونی	پل عابریپاده
organization	سازمان	استراق سمع کردن overhear
original (copy)	نسخه اصلی	باراضافه بر ظرفیت overload
orphanage	پرورشگاه، دارالایام	پل هوایی overpass
oubliette	سیاه چال	گرانفروشی overpricing
outbreak	شورش، بلوا، طغیان	سبقت گرفتن overtake
outburst	شورش، بلوا، انفجار	چپ شدن اتومبیل overturn
outer ring road	جاده کمربندی	مالک owner
outlaw		مالکیت ownership
		مالکیت سند مالکیت ownership document



pandrim	قوادی	منطقه توقف ممنوع
panic	ترس	تابلو پارکینگ parking sign
parade	رژه رفتن، رژه	parking space
parade ground	میدان رژه، محل رژه	محل پارکینگ، محل توقف اتومبیل
paramour	فاسق	مجلس قانونگذاری parliament
pardon	عفو، عفو کردن، بخشیدن	parliamentary immunity
parking lane	پارکینگ (در سطح جاده)	مصونیت پارلمانی
parking meter	پارکومتر	parol
parking lot	محل پارکینگ	التزام، تعهد اخلاقی که رندانی برای
parking-prohibited area		آراد شدن میدهد، اسم عبور
		particeps criminis
		شریک جرم



obscene publications	نشریات مستهجن (نشریات مخالف اخلاق حسنه، تصاویر قبیحه)	on duty	حین خدمت
observance of regulations	رعایت مقررات	on guard	نگهبان (در حال نگهبانی)
observe	دیده بانی کردن	on the bit	سرپیست
observer	دیده بان	on the order of	بفرموده
obstinacy	تمرد	on the verge of dying	در حال نزع
odometer	مسافت سنج (وسائط نقلیه)	one having a past record	سابقه دار
of unknown identity	مجهول الهویه	one known to the police	سابقه دار
off duty	مرخصی، خارج از خدمت	one-way road	جاده یکطرفه
offending	توهین	one-way sign	تابلو عبور یکطرفه
offender	خلافکار	one-way street	خیابان یکطرفه
offense(ce)	تخلف	opiate	مخدر
offensive weapon	سلاح تهاجمی	opium	تریاک، افیون
officer	افسر (در بعضی از کشورها به کلیه درجات نظامی اطلاق میگردد)	opium addict	تریاکچی
officer in charge	افسر مسئول	opium den	شیره کش خانه
officer of the day	افسر نگهبان	opium residue addict	شیره ای
		opponent	طرف دعوا
		opposition	مخالفت
		oppression	زور گوئی
		oral report	گزارش شفاهی
		order	دستور، دستور العمل، امریه، نظم



# N



nark	مخبر پلیس، خبرچین (عامیانه)	non-commissioned officer	درجه دار
narrow-bridge sign	تابلوی کم عرض	non-execution	عدم اجرا
national anthem	سرود ملی	non-observance	عدم رعایت
nationality	ملیت	nonsuit	صدور قرا منع تعقیب
native country	وطن		بعلت ضعف یا فقدان دلائل، تعقیب
naturalization	تابعیت اکتسابی		مفتری (اتهام زننده)
naturalization by birth	تابعیت محل تولد (خاک)	no-passing-zone sign	تابلو منطقه سبقت ممنوع
naval force	نیروی دریایی	no-photographing sign	تابلو عکاسی ممنوع
navy	نیروی دریایی	no-right-turn sign	تابلو گردش به راست ممنوع
neglect	قصور کردن، غفلت ورزیدن	notary public	دفتر ثبت اسناد
negligence	مسامحه، غفلت، قصور	notice	ابلاغ رسمی، اخطاریه دادگاه
negligence in carrying out obligations	غفلت در انجام تعهدات	notify	ابلاغ کردن، اخطاریه فرستادن، اخطار کردن
negligent escape	فرار زندانی	no-turns sign	تابلو گردش ممنوع
	با استفاده از غفلت زندانبان	no-u-turn sign	تابلو دور زدن ممنوع
next of kin	بستگان درجه اول	nuisance	مزاحمت
nickname	اسم مستعار		
night assault	شیخون		

misfeasance	سُو استفاده اراقتدار قانونی	moslem cadi	قاضی شرع
misinterpretation	سُو تعییر	most immediate	اقدام آنی
misjudge	قضات مغرضانه	motherland	وطن
missing	مفقودالامر	motor vehicle	وسيله نقلیه موتوری
mission	مأموریت	motor vehicle registration department	اداره شماره گذاری وسائط نقلیه
mistake	غلط	motor vehicle registration	شماره گذاری (وسائط نقلیه موتوری)
misunderstanding	سُو تفاهم	motorway	آراده، اتوبان
misuse	سُو استفاده	multilateral treaty	قرارداد چند جانبه
mobile court	دادگاه سیار	municipal parking sign	تابلیوار کینگ عمومی
mobilize	بسیج کردن	municipality	شهرداری
molotov cocktail	ککتل مولوتوف	munition	اسلحه ومهمات
money-marker	ضرب کننده سکه تقلبی	murder	جنايت، قتل
monitor	استراق سمع کردن، ردیابی کردن	murdered	مقتول
moonshine	قاچاق	murderer	قاتل، جانی
moonshiner	قاچاقچی	muteness	امتناع کردن از صحبت دردادگاه
moratorium	مهلت قانونی		یارندان
morgue	پزشکی قانونی	mutilate	مثله کردن
morphin(e)	مرفین	mutual consent	تراضی (رضایت طرفین)
mortar-launcher	خیماره انداز	muzzle	دهانه لوله سلاح
mortar-shell	خیماره	muzzle-loader	تفنگ سریر
mortgage	رهن، گرو، گرو	mystry story	داستان پلیسی
mortgaged	مرتهن (مورد رهن)		
mortgagee	مرتهن (رهن گیرنده)		

	وساطت کردن	military police (MP)	دژبان
mediation	وساطت	military prosecutor, s	
mediator	قاضی	office	دادسرای نظامی
medico-legal examiner		military service	
	پزشک قانونی، طبیب قانونی		خدمت نظام و وظیفه، سربازی
menace	تهدید	military tribunal	
mendacious	دروغین، غیرواقعی		دادگاه نظامی
mendacious report		military uniform	
	گزارش کذب		لباس فرم نظامی
mendacity	دروغگویی	militia	شبه نظامی
mensrea	سؤنیت	minimum-speed-limit sign	
mental maturity	بلوغ عقلی	minister	وزیر
militant	رزمنده (مردجنگی)	ministry	وزارتخانه
military	نظام، ارتش	ministry of defense	
military attache	وابسته نظامی		وزارت دفاع
military convention		ministry of interior	
	قرارداد نظامی		وزارت کشور
military court	دادگاه نظامی	ministry of justice	
military covenant			وزارت دادگستری
	بییمان نامه نظامی	minor	
military criminology	جرم شناسی نظامی		صغیر ( کسی که به سن قانونی نرسیده)
		minor offence	
military expedition			خلاف، جرم خلافی
	لشکر کشی	minor road	راه فرعی، جاده فرعی
military government		minor street	خیابان فرعی
	دولت نظامی	misappropriate	
military laws	قوانین نظامی		اختلاس کردن
military might (power)	قدرت نظامی	misappropriation	اختلاس
		misdeem	قضاوت مغرضانه
military operations		misdeemeanour	
	عملیات نظامی		جنحه، جرم جنحه ای

malicious damage	خسارت عمدی	married woman	
malingering	تمازض	marry legally	محصنه
malversation	اختلاس ، کارخلاف قانون	marshal	محارم
manacle	دستبند زدن ، دستبند	marshalcy	بالاترین مقام نظامی (در بعضی از کشورها)
mandate	حکم ، امریه	marshalcy	پلیس قضایی ( در آمریکا )
mandatory sing(s)	تابلو (های) حکم کننده	martial	نظامی
manhunt	تعقیب جنایتکاران	martial court	دادگاه نظامی
maneuver	مانور دادن	martial law	حکومت نظامی
manslaughter	قتل غیر عمد یا شبه عمد	martyr	شهید ، شاهد
manslayer	قاتل ، قتل غیر عمد ، قتل شبه عمد	martyrdom	شهادت
manual	آئین نامه	massacre	کشتار، قتل عام
manuscript	نسخه	master key	شاه کلید
march	رژه	master sergeant	سرگروهبان
march past	رژه رفتن	material damage	خسارت مادی
maritime law	قانون دریایی	matricide	مادرکشی
mark	اثر ، علامت	mature	رشید(بالغ) ، کبیر
marking	علامتگذاری	maturity	سررسید
marksman	تیرانداز ماهر	mayhem	ضربه منتهی به نقص عضو ، ضرب و جرح
marriage	نکاح	mean	رذل
married man	محصن	meanness	ذلت
		mean speed	میانگین سرعت
		mediate	میانجگری کردن ،

lying	کمینگاه	lynch	کشتن توسط مردم ،
	دروغگوئی		کشتن بدون محاکمه



machine gun	مسلسل	main street	خیابان اصلی
machine gunner		majlis	مجلس قانونگذاری
magazine	مسلسل چمی	major	سرگرد ، ارشد ، کبیر ( از نظر سن )
	جعبه خزانه ، خشاب	major general	سرلشکر
magazine gun	اسلحه خشابدار	majority	ارشدیت
magistracy		make reparation	غرامت دادن
	دادگاه بخش	malefactor	تبهکار ، محکوم
magistrate	رئیس دادگاه بخش ، قاضی	maleficium	ضرروزیان
magistrate, s court	دادگاه بخش	malfeasance	کارخلاف قانون
maim	نقص عضو ، ضربه منتهی	malice	سؤنیت ، قصد سوء ، غرض ، قصد مجرمانه
	به نقص عضو	malice aforethought	سؤنیت قبلی
maiming	ضرب و جرح	malicious	غرض آلود
main cause	علت اصلی		
main road	جاده اصلی		

درکمین نشستن		دادخواهی کردن
lieutenant	ستوان	litigation
lieutenant brigadier -		دعوی ، اقامه دعوی
general	سرتیپ دوم	loading
lieutenant colonel		local action
	سرهنگ دوم	رسیدگی قانون به جرم ( از نظر محل وقوع)
lieutenant general		local security
	سپهبد	تأمین محلی
life guard	نجات، غریق	lock up
life imprisonment		حبس
	حبس ابد	lodge a complaint against
life insurance		اقامه دعوی کردن
	بیمه عمر	look out
life-line	جانپناه	look out
lift marshal law-		looting
administration		غارت
	لغو کردن حکومت نظامی	lose the case
light damage		محکوم شدن ( درعوی )
	خسارت جزئی	losing party
light traffic		محکوم علیه
	ترافیک سبک	loss
limitation	محدودیت	loss
limitation of actions		زیان ، خسارت
	مرور زمان (قانونی)	low beam
limit line	خط ایست	lowliness
listen in		ذلت
	استراق سمع ( کردن )	lunatic
litigant	طرف دعوی	lunatic assylum
litigate	اقامه دعوی کردن ، طرف	تیمارستان
	دعوی واقع شدن ، دادخواهی کردن	lurk
		کمین کردن ( با قصد مجرمانه )
		lurking place

legal draft	طرح قانونی	مصونیت پارلمانی
legal entity	شخصیت حقوقی	legislative power
legal expert	قانوندان	قوه مقننه
legal ground	مجوز قانونی	legislator
legalize	قانونی کردن	legitimate
legal jurisdiction	اختیار قانونی	lesbianism
		همجنس بازی (در زنان)
legal notice	ابلاغ قانونی ، اخطار قانونی	lesser
		موجر
legal power	اختیار قانونی	let
		اجاره دادن
legal procedure	دادرسی	lethal
	(مجموعه عملیاتی که بمنظور یافتن یک	lethal weapon
	راه حل قضائی بکار میرود)	آلت قتاله
legal process	دادخواهی ، اقامه دعوی	lewd
		فاسق
legal prohibition	ممنوعیت قانونی	lewdness
		هرزگی
legal qualification	اختیار قانونی	lex loci
		قانون محلی
legal rehabilitation	اعاده حیثیت قانونی	lex talionis
		قانون قصاص
legal relation	رابطه حقوقی	liability insurance
	(بستگی حقوقی بین شخص و دیگران	
	و یا اموال او)	بیمه شخص ثالث
legal representation	نمایندگی قانونی (نمایندگی ناشی	liaison officer
	از حکم قانون)	افسر رابط
legal sources	منابع قانونی	liar
		دروغگو
legator	موصی (وصیت کننده)	libel
		افترا ، تهدت زدن ،
legislation	قانون گذاری	libeller
		افترا
legislative immunity		libertine
		فاسق
		license
		پروانه
		license(licence)plate
		پلاک (وسیله نقلیه)
		licitor
		مأمور اجرا
		lie
		دروغ
		lie detector
		دروغ سنج
		lie in wait for

laches in enforcing a -	lawful	قانونی ، حقوقی
claim غفلت در اقامه دعوی یا ادعا	lawgiver	قانونگذار
lag حبس با اعمال شاقه	law institute	دانشکده حقوق - انستیتو حقوق
laissez-passer پروانه عبور	lawlessness	بی قانونی
lam فراز از مجازات (عامیانه)	lawmaker	قانونگذار
lam from punishment فرار از مجازات	lawman	پلیس
lane changing	law of nations	قانون بین الملل ، حقوق بین الملل
تغییر مسیر (در رانندگی)	lawsuit	دادخواهی ، دعوی
landlord موجر ، مالک	lawyer	قانوندان ، حقوقدان ، وکیل دعوی
lanyard واکیسل تشریفات نظامی	lawyer, s fee	حق الوکاله
larcener (larcenist) سارق ، دزد ، دله دزد	layout	غیبت بدون اجازه
larceny سرقت ، دزدی، دله دزدی	lead ball (نوعی فشنگ)	چارپاره
lash شلاق ، شلاق زدن ، تازیانه زدن ، تازیانه	leadership	رهبری
law قانون	lease	اجاره دادن ، اجاره نامه
law-abiding اطاعت از قانون	leave	مرخصی
law breaker قانون شکن، مجرم	leave without pay	مرخصی بدون حقوق
law breaking نقض قانون	leave with pay'	مرخصی با حقوق
قانون شکنی	left turn	گردش به چپ
law court دادگاه	legacy	ترکه (ارث) ، موروثی
law enforcement اجرای قوانین	legal	قانونی ، مشروع، حقوقی
law enforcement course اقدامات قانونی (دادگاه)	legal actions	
دوره آموزش انتظامی	legal adviser	مشاور حقوقی
law enforcement officer مأمور انتظامی ، مجری قانون ، نیروی انتظامی	legal aid	وکیل تسخیری
	legal authority	مرجع قضایی
	legal capacity	اختیار قانونی



justice	دفاع مشروع ( کشتن بمنظور دفاع از خود در صورت نداشتن وقت
justice administration	برای توسل به قوای دولتی (
justice of the peace	دادگاه نوجوانان
justifiable homicide	بزهکاری نوجوانان
	تشکیلات قضایی
	قاضی صلح ، امین صلح (دادگاه بخش)
	juvenile court
	juvenile delinquency

# K

keep the peace	حفظ نظم عمومی	kleptomania	وسواس دزدی
kidnap	آدم ربایی کردن	kleptomaniac	دزد بالفطره (کسی که به علت
kidnapper(per)	آدم ربا		ناهنجاری روانی از سرقت لذت
kidnapping	آدم ربایی		می برد )
kill	کشتن	knife	چاقو زدن
kill by gradual torture	زجر کش کردن	knife rest	جای چاقو
killed	مقتول	knifing	چاقو کشی
killer	آدم کش ، قاتل ، جانی	knout	شلاق زدن ،
	قتل ، جنایت		تازیانه زدن ،
killling	نسبت (خویشاوندی)	known to the police	شلاق ، تازیانه
kinsmanship			سؤ سابقه دار (از نظر پلیس)

# L

labour law	حقوق کار	lashes	غفلت
------------	----------	--------	------

jactitation	جعل عنوان ، ادعای کذب	judicial	قضایی
jail	زندان ، حبس کردن ، زندانی کردن	judicial act	عمل حقوقی ( قضایی )
jail bird	زندان	judicial acts	اعمال قضایی
jail break	فرار از زندان	judicial administrative-acts	اعمال اداری دادگاه
jail delivery	خلوت کردن زندانها ( بوسیله عفو عمومی )	judicial convention	قرارداد قضایی
jailer(or)	زندانبان	judicial interpretation	تفسیر قضایی
jail fever	تب تیفوس ( که گاهی در زندانها شایع میشود )	judicial order	نظام قضایی
jailing	حبس	judicial police	پلیس قضایی
jam	تراکم ترافیک	judicial power	قوة قضائیه
johnhancock	امضأ اصلی ( اصیل ) ( عامیانه )	judicial precedent	سابقه قضایی
journal	دفتر ثبت وقایع	judicial rehabilitation	اعاده حیثیت قضایی
judge	قضاوت کردن ، قاضی ، دادرسی کردن ، محاکمه کردن	judiciary	سیستم قضایی
judge advocate	قاضی دادگاه نظامی	judiciary immunity	مصونیت قضایی
judge advocate general	رئیس دادگاه نظامی	jugglery	شعبده بازی
judge-made law	اماره قضایی	junction	تقاطع
judgement	قضاوت ، دادرسی ، حکمیت ، قضا	junk	موادمخدر ( هروئین ) ( عامیانه )
judgement by default	حکم غیابی	junkie	خرده فروش موادمخدر
judgement interrogator	قاضی تحقیق	juridicial	قضایی
judging	قضاوت	jurisdiction	حوزه استحقاقی
		jury	وقضائی ، قدرت قضائی هیأت منصفه

## استشهاد

## امنیت داخلی

international law	حقوق بین الملل ، قانون بین الملل	intrude	تجاوز به حریم دیگران ، شکستن حرر
internecine	کشتار	intuition	شم
interpretation of law	تفسیر قانون	invalid	معلول
interpreter	مترجم شفاهی	invasion	غارت ، هجوم
interrogate	با رجویی کردن	invent	قلب حقیقت ،
interrogation	با رجویی ، استنطاق	جعل معنوی (قلب حقیقت در مضمون	یک عمل حقوقی بدون اینکه به همراه
interrogator	با رجو	همراه یک عمل مادی باشد)	دروغگو
interrupted marking	خط کشی مقطع	inventor	صورت جلسه موجودی
intersection	تقاطع ، چهارراه	inventory	تجسس کردن
intersection sign	تابلو تقاطع	investigate	تحقیق
interview	مصاحبه	investigation	مأمور تحقیق
(برای جمع آوری اطلاعات )		investigator	حکم احضار
intimidate	مرعوب کردن	invocation	احضار کردن (به دادگاه)
intimidation	ارعاب	invoke	غیر ارادی
intoxicating	مست کننده ، مسموم کننده	involuntary	غیر ارادی
intoxication	مستی	involuntary bankruptcy	ورشکستگی بلا تقصیر
intrigue plot	دور و کلک	involuntary manslaughter	قتل غیر عمد
intrinsic	بالفطره	irregular	خلاف رویه
introducing a witness		irrevocable	لازم (صفت عقد یا
		باقی ای که اقدام کننده به آن بتواند	بقتد یکطرفی خود آنرا فسخ کند )

## J

jab      ایراد ضرب و جرح (بالت برنده)      jack



سرباز

injury	جرح، آسیب، صدمه بدنی	insurance policy	سند بیمه
injustice	حق کشی	insurgence	شرارت
in line of duty	شهادت با صدمه	insurgency	شورش، طغیان، باغیگری
	دیدن در حین انجام وظیفه	insurgent	شورش، متمرّد، باغی
innocence	بی گناهی		باغی
innocent	بی گناه، مبرا	in tatters	ژنده پوش
inquest	استنطاق	intelligence	کسب اطلاعات، اطلاعات (امنیتی)
inquire	بارجویی کردن	intelligence collection	جمع آوری اطلاعات
inquirer	بارپرس	intelligence estimate	برآورد اطلاعات، ارزیابی اطلاعات
inquiry	بارجویی، استعلام	intelligence process	پرورش اطلاعات
inquisition	تحقیق	intelligence service	اداره اطلاعات
inquisitor	مأمور تحقیق	intelligence summary	خلاصه وضعیت اطلاعاتی
insane	مجنون	intelligencer	مأمور اطلاعاتی
in secret	مخفیانه	intention	عمد، قصد
insecurity	ناامنی	intentional	عمدی، ارادی، قصدی
insignia	نشان (نظامی)	intercept	استراق سمع کردن
insinuation	جلب اعتماد (برای کسب اطلاعات)	interest	ربح
inspection	باررسی، تفتیش	interested (party)	دینفع
inspector	باررس	interim	قائم مقام (موقتی)
inspector general	باررس کل	interlocutory decree	قرار (قضائی)
instance	دادخواست، اقدامات قانونی (دادگاه)	internal security	
institute of criminal law and criminology	انستیتوت قوانین جنایی و جرم شناسی		
insubordination	سرپیچی اردستور		
insult	دشنام، توهین		
insulting	فحاشی		
insurance	بیمه		

impostership	حقه باری	indirect proof	امارات وقرائن (عبارت است از اوضاع و احوالی که نوعاً صحت اظهارات یکی از طرفین دعوی را برساند و آن در صورتی حجت است که قوی و موجه باشد)
impound	توقیف وسیله نقلیه	indiscipline	بی انضباطی
imprison	زندانی کردن، حبس کردن	infanticide	کشتن کودکان
imprisoned	زندانی	infantry	پیاده نظام
imprisonment	حبس	inferior	مادون
imprisonment with hard labour	حبس با اعمال شاقه	infidel	کافر، دمی
impunity	معافیت ارجحارات	inform	گزارش دادن، خبر دادن
imputable	قابل تعقیب	informant	مطلع، مخبر، خبرچین
imputation	اتهام	information	اطلاعات، اخبار، استعلام، خبر
impute	متهم کردن	information center	مرکز اطلاعات
in absentia	غیابی	informer	خبرچین، مخبر
inadvertent	غیر عمدی	infract	تجاوز از مقررات
incaution	بی احتیاطی	infract the law	سرزدن از قانون
incest	زنا با محارم	infringement	تخلف
incident	حادثه	inheritance	ترکه ( ارث ) ، وارث
income tax act	قانون مالیات بر درآمد	inherited	موروثی
incompatibility	ناسازگاری	initial investigation	تحقیقات مقدماتی
incompetency	عدم صلاحیت	injure	آسیب زدن، زخمی کردن، مجروح ساختن
indecent	بی نزاکتی	injured	مجروح
indecent	رکیک		
indecent offence	جرم ضد عفت اخلاق عمومی و اخلاق حسنه		
indemnification	پرداخت		
indemnify	غرامت، غرامت دادن		
indict	تعقیب قانونی کردن		
indictable	قابل تعقیب		
indictment	اعلام جرم		
indigent	مفلس		

gas-station sign	تابلو پمپ بنزین	good time law	قانون تخفیف مجازات زندانی
gathering of intelligence	جمع آوری اطلاعات	good will	حسن نیت
gendarme	ژاندارم	gorget	طوق نگهبانی
gendarmeri	ژاندارمری	go slow	کم کاری
general	امیر ارتش، تیمسار، ژنرال	government	حکومت
general alarm	آژیر اعلام خطر عمومی	government bonds	قرضه دولتی
general army staff	ستاد ارتش	government official	مأمور دولت
general assembly	مجمع عمومی	grade	رتبه
general court martial	دادگاه عالی نظامی	grand larceny	سرقت بزرگ
general criminal law	حقوق جزا عمومی		(به میزان برابری بیش از حد
generation	نسل		ارزشی که در قوانین بعضی از کشورها
genocide	قتل عام، کشتار دسته جمعی	grapple	پیش بینی شده)
genuineness of signature	صحت امضاً	gravamen	گلاویز شدن
gibbet	چوبه دار	green light	شکوائیه
gigolo	ژیکولو		چراغ سبز (راهنمایی)
give bail	کنیل دادن	grenade	نارنجک
give security for	تأمین دادن	grievance	تظلم، دادخواهی
give claim	رضایت دادن (در دعوی)	groove	خان تفنگ، خان کشی
give up addiction	ترك اعتیاد کردن		کردن (تفنگ)
go bail for someone		groundless	واهی
		guarantee	ضمانت، تضمین،
			ضامن شدن
		guarantor	متعهد
		guaranty	تضمین، وجه التزام
		guard	نگهبان، کشیک کشیدن،
			نگهبانی دادن، گارد، کشیک
		guard house	پاسدارخانه،

havoc	غارت	high explosive	ماده منفجره قوی
hazard	خطر	highest court	دادگاه عالی تر (بالاترین دادگاه
hazardous	خطرناک	در رسیدگی به یک جرم خاص)	
hazardous sign	تابلوخطر	highway	شاهراه ، اتوبان ، آزادراه ، بزرگراه
head-on accident	تصادف شاخ به شاخ (جلوبه جلو)	highwayman	راهزن
(collision)		highway patrol	پلیس راه
headsman	دژخیم	highway police	پلیس راه
head-to-tail accident	تصادف جلو به عقب	highway robbery	راهزنی
(collision)		hijacking	هواپیماربابی ، سرقت هواپیما
hearing	استماع دادرسی، محاکمه	hijacker	هواپیماربا
hearsay evidence	استناد به شایعات	hill sign	تابلو شیب
heavy machine gun	مسلسل سنگین	hire an attorney	وکیل گرفتن
heavy traffic	ترافیک سنگین	hit and run accident	تصادف بزن دررو (گریختن از
heir	وارث	محل تصادف)	
heiress	وارث	hold up	حمله و راهزنی، بانک زنی
helmet	کلاه خود	holograph	سند اصلی دست نویس
helmet liner	کلاه فیبری	holster	جلد اسلحه
hemp	بنگ ، حشیش (عامیانه)	homeland	وطن
hempseed	شاهدانه	homicide	قتل نفس ، قتل عمد ،
heritage	ماترك	آدم کش ، قاتل ، قتل	
heroin	هروئین	homologate	تصویب کردن (قانونی)
hierarchy	سلسله مراتب	homosexuality	همجنس بازی
high accident frequency	فهرست نقاط تصادف خیز	honorarium	حق الوکاله
location list	مخفی (پنهان شده)	honour	شرافت
hidden	نوربالا	hooligan	اوباش
high beam			

guardian	سربپرست ، قيم	guardianship	قيومت قانونی ،	guardians of the peace	سربپرستی قانونی ، کفالت	guarding	ضابطین دادگستری	guardship	محافظة	guerrilla	پاسداری (قدیمی)	guide	چریک	guide sign(s)	راهنما	guilt	تابلو (های ) اخباری	guiltless	جرم ، بزه	guiltless	بی گناه	guiltlessness	بی گناهی	guilty	مجرم ، بزهکار ، مقصر ، خلافکار	gumshoe	کارآگاه (عامیانه)	gun	تفنگ ، ششلول ، طهانچه	gun butt	تنداق تفنگ	gun fire	شلیک توپ	gun lock	چخماق	gunman	دزد مسلح	gun powder	باروت	gun reach	تیررس	gunrunner	فاچاچی اسلحه ومهمات	gun stock	تنداق تفنگ
----------	---------------	--------------	----------------	------------------------	-------------------------	----------	-----------------	-----------	--------	-----------	-----------------	-------	------	---------------	--------	-------	---------------------	-----------	-----------	-----------	---------	---------------	----------	--------	--------------------------------	---------	-------------------	-----	-----------------------	----------	------------	----------	----------	----------	-------	--------	----------	------------	-------	-----------	-------	-----------	---------------------	-----------	------------

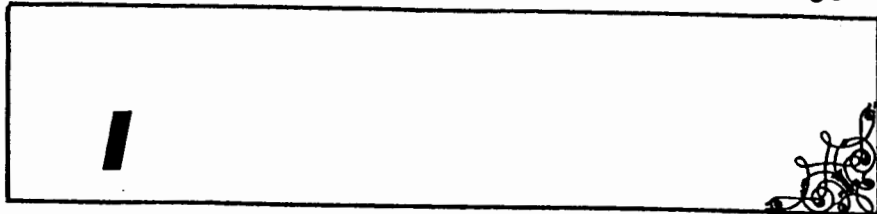
# H



habitual criminal	مجرم حرفه ای	hang	داردند
Hague Tribunal	دادگاه بین المللی لاهه	hanger	مأمور اعدام
hallucinogen	داروی توهم را ، توهم دائمی	hanger-snatcher	کیف قاپ
hammer	چخماق	hanging	اعدام بآدم
hand cuff	دستبند	hangman	مأمور اعدام (بوسیله دار)
hand grenade	نارنجک دستی	hardhearted	سنگدل
handicaped	معلول	hardheartedness	قساوت
hand-made bomb	بمب دست ساز	hard labor	اعمال شاقه
		hashish (hasheesh)	حشیش
		haunt	پاتوق
		having a just claim	نی حق



hospital sign	تابلو بیمارستان	سرقت منزل (شکستن حرر)
hostage	گروگان	house of detention
hostile acts	عملیات خصمانه	بارداشتگاه
hostility	دشمنی، ضدیت	human rights
house arrest	تحت نظر بودن در خانه	حقوق بشر
house breaker	سارق شبانه یا روزانه که حرر خانه را شکسته و سرقت می کند	hunt
house breaking		تعقیب و دستگیری، پاتوق
		hupe
		حق السکوت
		hurt
		محروح کردن، صدمه بدنی
		hushmoney
		حق السکوت
		hypocrisy
		تدلیس
		hypocrite
		سالوس



identification	تشخیص هویت	ill-founded	واهی
identification card	کارت شناسائی	illicit	غیرمجان، نامشروع
identification department	اداره تشخیص هویت	illicit traffic	قاچاق، معاملات قاچاق
identification papers	اسناد هویت	illusion	وهم
identification tag	اتیکت اسم	imitation	بدلی
identify	تشخیص هویت دادن	immediate	فوری
identity	هویت	immigrant	مهاجر
ignoble people	ارازل	immigration	مهاجرت
illegal	غیرقانونی، خلاف قانون	immunity	مصونیت (قانونی یا سیاسی)
illegitimate	نامشروع	impeach	جلب کردن به دادگاه
illegitimate child	بچه نامشروع	impeachment	اعلام جرم، اتهام
		implead	دادخواست دادن، اقامه دعوی کردن
		imposter	مزور، شیاد

form	فرم	ورشکستگی به تقصیر
formal	رسمی	آرادکردن
formal discipline	انضباط ظاهری	freedom from evil record
formal logic	فضاوت سطحی	عدم سؤ سابقه
forswear	سوگند دروغ خوردن	free way ، بزرگراه ،
fortress	دژ	آراد راه ، شاهراه
fortunetelling	فالگیری	free will
foundling	بچه بی صاحب (سرراهی)	اراده
fourragere	واکسیل	friendship pact
fractional damage	خسارت جزئی	قرارداد دوستی
fratricide	برادرکشی	fright
fraud	کلاهبرداری، خدعه، تقلب	وحشت ، ترس
fraud against law	نیرنگ به قانون	frightened
fraudulent	منقلب	وحشت زده
fraudulent bankruptcy		frisk
		باررسی بدنی
		fugitive
		فراری
		functional team
		تیم عملیاتی
		furtively
		مخفیانه
		fury
		غضب ، خشم
		fuse
		فتیله انفجاری
		fuzz
		پلیس (عامیانه)

## G



gallows	چوبه دار	دادگاه بعنوان مطلع یا شاهد
gallows bird	اعدامی	garnishment
gambler	قمارباز	حکم توقیف اموال بدهکار
gambling	قماربازی، ورق بازی	garrote (garotte)
gambling house	قمارخانه	خفه کردن (بمنظور سرقت)
ganef	دزد	gas chamber
gangster	تبهکار	اتاق کار ، اتاق اعدام با گاز
garison	پادگان	gasp out of life
garnish	احضار شخص ثالث به	احتضار (جان کندن)

fictitious name	اسم جعلی	flagrante delicto	حین ارتکاب جرم (جنایت)
field inspection	باررسی محل	flashing beacon light	چراغ احتیاط چشمک زن
field reconnaissance	باررسی محل	flog	تاریانہ، شلاق، شلاق زدن
fifth column	ستون پنجم (گروہی از ہواداران مخفی دشمن)	fly-over	پل ہوابی
fight	نزاع، نبرد، جنگیدن	fly-under	زیر گذر
fighter	رزمندہ، جنگندہ (ہوابیما)	foam	کف آتش نشانی
fighting	کتک کاری، جنگ، جنگی	fog light	چراغ مه شکن
file	پروندہ	foot bridge	پل عابر پیادہ
file a lawsuit	اقامہ دعوی کردن	footprint	جای پا
file past	رژہ رفتن	forbidden	ممنوع، قدغن
filicide	فرزند کشی	forbiddenness	ممنوعیت
find	حکم صادر کردن	force	نیرو
finding	تصمیم دادگاہ یا ہیئت منصفہ	force majeure	قوہ قہریہ (حادثہ غیر قابل اجتنابی کہ رافع مسئولیت و موجب عدم اجرای عقود است)
findings	کشفیات	forcible	عداونی
fine	جریمہ، جریمہ نقدی	forcible possession	تصرف عداونی (در مال منقول)
fingerprint	اثر انگشت	foreigners, affairs	ادارہ اتباع خارجہ
fingerprinting	انگشت نگاری	office	ادارہ اتباع خارجہ
fink	خبرچین	forensic laboratory	لابراتوار جنایی
fire	آتش سوزی	forged	جعلی، مجعول، ساختگی
firearms	اسلحہ (گرم)	forgery	جعل، جعل اسناد، اسناد جعلی
fire fighting and rescue	عملیات اطفای حریق و نجات	forging	جعل
firing line officer	افسر میدان تیر	forging signature	جعل امضاً
firing range	میدان تیر		
first lieutenant	ستوان یکم		
first name	نام		

explosive	منفجره، ماده منفجره	عوامل مخففه جرم
explosive bolt	سه رami انفجاری	extenuation qualities of law
explosives	مواد منفجره	کیفیات مخففه قانونی
ex post facto	عطف به ماسبق	extinguish
exposure of crime	شدن قانون، عطف به ماسبق	اطفاً حریق
	کشف جرم	extort
express	پیام (تلگرام فوری)	extortion
expulsion	اخراج	اخاذی، باج خوری
extent	حکم توقیف اموال بدهکار	extortioner
extenuating circumstances		اخاذ، باج خور
		extradition
		استرداد مجرمین
		extradition treaty
		قرارداد استرداد (ی)
		eye ball
		خال سیاه (هدف تیرانداز)
		eye witness
		شاهد عینی

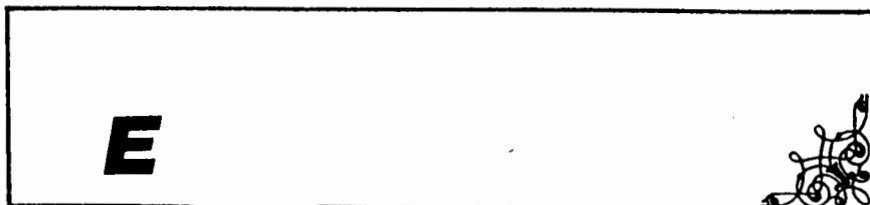
# F



fable	داستان دروغ	تصادف منجر به فوت
fabricator	دروغگو	fatalities
fact	حقیقت	تلفات
failure of a firearm	گیر کردن سلاح، عمل نکردن سلاح	fault
faithful to a secret	رازدار	خطا، خلاف
fake	تقلبی	favouritism
fall	کشته شدن در جنگ	پارتنی باری
fallen	دستگیر شده	fear
false	تقلبی، دروغین	ترس
fame	حسن شهرت	feeble minded
family name	نام خانوادگی	ضعیف العقل
fastbreaking	روزه خواری	felo-de-se
fatal accident		انتحار، خودکشی
		felon
		تبهکار، جانی، جنایتکار
		felonious
		جنایت آمیز
		felony
		جرم جنائی، تبهکاری
		femicide
		زن کشی
		fence
		خریدن اموال مسروقه
		fiat
		حکم
		fictitious
		دروغین

escort	گارد محافظت و تشریفات ، اسکورت کردن	execution by firing squad	تیرباران
escort guard	مأمور بدرفه زندانی	executioner	مأمور اعدام ، جلاد ، دژخیم
espionage	جاسوسی ، عملیات جاسوسی	execution of judgments	اجرای احکام
establish justice	عدالت برقرار کردن	executive order	دستور اجرا ، اجرائیه
evacuate	خارج کردن قوای نظامی	executive power	قوه مجریه ، قدرت اجرایی
event	حادثه	executor	مأمور اجرا
events	ماوقع	exertion of influence	اعمال نفوذ
evict	حکم تخلیه منزل استیجاری ، تخلیه کردن منزل استیجاری	exhibitionism (جنسی)	خودنمایی (جنسی)
eviction	خلع ید	exile	تبعید ، تبعید کردن ، تبعیدی ، نفی بلد
evidence	مدرك ، دليل	exise (on alcoholic - liquors)	رسومات
evoke	احضار کردن (به دادگاه)	exonerate	تبرئه کردن
exactor of a will	وصی	exonerated	مبرا
examination	بازپرسی ، استنطاق	exoneration	تبرئه
examiner	بازپرس ، مستنطق	expatriate	تبعید کردن ، تبعیدی
examining magistrate	بازپرس ، مستنطق	expert	کارشناس
exercise ground	میدان مشق (تعلیمات نظامی)	expertise	کارشناسی
exclude outsiders from	فراق کردن	expert, s assembly	مجلس خبرگان
excruciate	شکنجه کردن	expert testimony	نظریه کارشناس
exculpate	تبرئه کردن	expilation	سرقت مقرون به آزار
excusable homicide	قتل قابل عفو (مانند قتلی که در دفاع مشروع به وقوع میپیوندد)	explode	منفجر شدن
excuse	تبرئه کردن ، برائت ، تبرئه	explosion	انفجار
execution	اعدام ، اجرا		

درخون رانندگان را اندازه میگیرند)	duties to God	حق الله
dual agent عامل اطلاعاتی دوجانبه	dutifulness	وظیفه شناسی
due ذمه (بدهی)	duty	وظیفه
due date سر رسید،	duty roster ،	دفتر وقایع نگهبانی ،
موعد(پرداخت بدهی )		لوحه نگهبانی
duplicate copy نسخه بدل، المثنی	dynamite	دینامیت



early warning سیستم اعلام خطر		اجرای مقررات
edict حکم	enjoinment	ممنوعیت قانونی
effacement امحاً	enmity	
electrocute اعدام بوسیله صندلی برقی		عداوت ، دشمنی ، ضدیت
elements of law مبانی قانون	enquire	بازجویی کردن
embassy سفارت (خانه)	enquiries	
embezzlement اختلاس	enquiry	اطاق افسر نگهبان (درکلانتری)
embezzler اختلاس کننده، مختلس	enrollment	نام نویسی
emissary مأمور مخفی	entice	اغوا کردن
encipher رمزی کردن ( به رمز درآوردن )	entitled	محق
encroachment تجاوز به حقوق دیگران	entrenchment	سنگربندی
endorsement ظهنویسی	epileptic	مصروع
endowment موقوفه	equipment	ساروبرک
enemity خصومت	equip with arms	مسلح کردن
enforcement of law اجرای قانون	eroticism	شهوت طلبی
enforcement of regulations اجرای قانون	error	خطا، سهو، غلط، اشتباه
		دادرسی، خطای تیراندازی
	escape	گریختن، فرار
	escapee	فراری

disorder	بی نظمی ، هرج و مرج ، اختلال در نظم و آرامش	do-not pass	سبقت ممنوع
dispossession	خلع ید	do-not-pass sign	تابلو سبقت ممنوع
dispute	نزاع ، مشاجره	doom	حکم مجازات
disqualification	عدم صلاحیت قانونی ، فاقد صلاحیت قضایی بودن	dossier	سوابق ، پرونده
disregarding other,s right	حق کشی	double agent	عامل اطلاعاتی
distance sign(s)	تابلو(های) مسافت نما	double promotion	دوجانبه ، جاسوس دوجانبه
distrain	دستگیر کردن	doubt	ترفیع مضاعف
distrainment	دستگیری	downtown	شبهه
distrust	عدم اعتماد	draftee	مرکز شهر
disturbance	آشوب ، نا آرامی ، غائله	drawing	مشمول (نظام وظیفه)
ditch	جان پناه	draw up a process-verbal	قرعه کشی
division commander	فرمانده لشکر	draw up a process-verbal	صورتجلسه کردن
divorce	طلاق	drilling	مشق نظامی
docket	لیست دعاوی مورد رسیدگی در دادگاه	drinking wine	شرابخواری
document	سند	driver	راننده
documentation	بامدرک یاسند ثابت کردن	driver,s license(licence)	گواهینامه رانندگی
domestic disturbances	سندیت ، ارائه سند بامدرک ، اثبات بامدرک	driving	رانندگی
do-not-enter	اغتشاشات داخلی نا آرامیهای داخلی	driving past	سبقت
do-not-enter sign	ورود ممنوع	driving test	آزمایش رانندگی
	تابلو ورود ممنوع	driving under influence	رانندگی در حالت مستی
		drown	خفه کردن یا خفه شدن (در آب)
		drug addiction	اعتیاد به مواد مخدر
		drunk	مست
		drunkenness	مستی
		drunko-meter	الکل سنج
			(دستگاهی که بوسیله آن میزان الکل

detection	کشف جرم ، تحقیقات پلیسی	disagreement	عدم توافق
detection of crime	کشف جرم	disarm	خلع سلاح کردن
detective	کارآگاه، پلیس مخفی، باررس پلیس	disarmament	خلع سلاح
detective story	داستان پلیسی	disaster	فاجعه
detention	توقیف، بازداشت	discharge	تبرئه کردن ، برائت شلیک گلوله ، خاتمه خدمت
detention barrack	بازداشتگاه نظامی	disciplinary	انضباطی
detonating cord	سیم انفجار (رابط برقراری جریان الکتریسته)	disciplinary barracks	رندان انضباطی
detonating fuse	فتیله انفجاری	disciplinary court	دادگاه انتظامی
detonation	انفجار	disciplinary punishments	تنبیهای انضباطی
detour sign	تابلومسیر انحرافی یا انشعابی	discipline	انضباط، تادیب
deviated	منحرف	disclaim	ترک دعوی کردن ، انصراف اردعوی
deviation	انحراف	disclaiming	کتمان
devotion	جانفشانی، فداکاری	disclose	افشا کردن
devulge	افشا، فاش کردن	discover	کشف کردن (جرم)
diary	دفتر ثبت وقایع	discoveries	کشفیات
dictum	حکم ، رأی	discovery	کشف
die	مردن	discovery of smuggled- articles	کشف قاچاق
dignity	شرافت	discrepancy of laws	تعارض قوانین
diplomatic immunity	مصونیت سیاسی	disentail	آزاد کردن اردندان
directional sign(s)	تابلو(های) (علائم) جهت نما	disinclination	عدم تمایل
disability	عدم صلاحیت قانونی	dismissal	انفصال، اخراج
disaffirmation	انکار	disobedience	نافرمانی ، عدم اطاعت
		disobedient	متمرد



	تنزیل درجه (در ارتش )	استشهادیه	
degree	شدت جرم	آبادگاه ، زاغه مهمات	depot
deliberate	عمد	خسارت	depredation
deliberately	عمدی	deprivation(of civil-	
delict	جرم جنحه	محرومیت	rights)
delinquency	جرم ، بزه	(ارحقوق اجتماعی)	
delinquent	مجرم ، بزهکار	مأموریت	deputation
demagogy	عوامفریبی		deputy
demanding		نماینده یا وکیل تام الاختیار، نماینده	
	مطالبه خسارت و غرامت	مجلس ، معاون کلانتر	
demandant	مدعی غرامت	غفلت	dereliction
demanding	مطالبه	dereliction in enforcing	
demirep	بدنام	the law	غفلت در اجرای قانون
demise	درگذشتن ، مردن	dereliction of duty	
demolition	تخریب	غفلت در انجام وظیفه ،	
demolition bomb	بمب تخریبی	قصور در انجام وظیفه	
demonstration	تظاهرات	فراری	deserter
demote	تنزیل درجه	فرار از خدمت	desertion
demurrer	اعتراض به صلاحیت	محق	deserving
	دادگاه، تقاضای تأخیر در صدور حکم	واجب القتل	deserving death
denial	انکار، کتمان	انصراف از دعوی	desistance
dent	فرورفتگی بدنه اتومبیل در		destruction
	تصادف	تخریب ، امحاء ، انهدام	
deny	انکار یا حاشا کردن ،	مخرب	destructive
	تبری جستن	تخریب کننده	destructor
department of justice		توقیف کردن	detain
	عدلیه	بارداشتی	detainee
departure	انصراف از یک دعوی	توقیف کننده ،	detainer
	و طرح دعاوی جدید	ضبط غیر قانونی یا قانونی اموال	
deport	اخراج کردن از کشور	کشف کردن (جرم)،	detect
deposition	ورقه استشهاد	ردیابی کردن	

	تعیین میزان خسارت	decoy	دبیرپاکشی
damage criteria	میزان خسارت	decree	حکم صادر کردن
danger	خطر		امریه ، حکم دادگاه
dangerous	خطرناک	deed	سند
danger sign	تابلو خطر	defalcate	اختلاس کردن
danger signal		defalcation	اختلاس
	آزیر اعلام خطر	defamation	خسارت معنوی
dash	ضربه شدید و ناگهانی		(ضرری که متوجه حیثیت و آبروی
deactivate			شخص شود)، لکه دار کردن حیثیت
	خنثی کردن بمب (مواد منفجره)		دیگران ، هتک عرض ، توهین ، افترا
dead body	نعل ، جسد	defamatory	توهین آمیز
dead-end sign	تابلو بن بست	defamatory offence	
dead drunk	سیاه مست ، مست لایعقل		جرم ضد شرف و حیثیت (دشنام ،
deadline	مهلت		غیبت ، افشای اسرار شخصی)
death	فوت ، مرگ	defame	افترا دادن
death sentence	حکم اعدام	defamed	بدنام
debauchery	هرزگی	defamer	مفتری
debt	قرض ، بدهی	defeat	شکست
debtor	بدهکار	defend	دفاع کردن
decapitate	گردن زدن	defendant	متهم ، خواننده
decease	مردن		دادخواننده
deceased (the)	متوفی	defender	مدافع
deceit	خدعه	defending attorney	وکیل مدافع
deceitful	مقلوب ، مزور		
deceive	فریب دادن ، اغفال کردن	defenestration	قتل بوسیله پرتاب از پنجره
	اغوا کردن		
deception	خدعه ، تدلیس	defense (ce)	دفاع
decipher	کشف رمز کردن	defile	رژه رفتن ، سان دیدن
declaration	اقامه دعوی ، دادخواهی	defloration	اراله بکارت
decode	کشف رمز کردن	deflower	اراله بکارت کردن
decoration	اعطای نشان	degradation	

critical intelligence	اطلاعات حیاتی	culpability	مجرمیت
critically injured	مجروح وخیم الحال	culpable	مجرم
cross action	اعاده حیثیت	culprit	مجرم ، متهم ، دادخوانده
cross examination	بارجویی حضوری ، بارپرسی (ارشاهد)	cultural convention	قرارداد فرهنگی
cross roads	چهارراه	curator	قیم
crossover	پل روگذر	curb	سد معبر ، جدول
cross question	بارجویی مواجهه	curfew	قرق ، ساعت منع عبور و مرور
cross walk	گذرگاه عابر پیاده	curfew period	ساعات منع عبور و مرور
cross walk marking	خط کشی گذرگاه عابر پیاده	curve sign	تابلو پیچ
cruel	سنگدل ، بی رحم	custodial guard	نگهبان زندان
cruelty	قساوت	custodian	نگهبان ، متولی (امور موقوفه)
cruiser	ردمناو	custody	بارداشتگاه ، بارداشت ، تحت نظر
cryptic (al)	سری ، رمزی	custom	عرف
crypto	عضو سازمانهای سری	customs duties	حقوق گمرکی
cryptoanalysis	رمز خوانی	cutpurse	جیب بر ، کیف قاپ
cryptogram	مخابره رمزی	cutthroat	آدم کش اجیر شده
cryptograph	رمزی کردن (به رمز در آوردن)	cutthroat	چاقو کش ، قاتل
cryptology	رمز شناسی	cyanide	سیانور

## D

dactyloscopy	انگشت نگاری	damage (s)	تاوان ، خسارت
		damage assessment	

دادگاه استیناف (پژوهش)	criminal code	مجموعه قوانین کیفری
court of inquiry	دادگاه جزایی	criminal court
دادگاه تفتیش	criminal identification	تشخیص هویت جنایی
court of justice	دادگاه ، محکمه	criminal investigation
court of law	دادگاه حقوقی	تحقیقات جنایی
court procedure	محاکمه	criminal investigation
court session	جلسه دادگاه	department
covert	مخفی ، پنهانی ، سری ، مخفیانه	اداره آگاهی
covert action	پنهان کاری	criminalistics
covert operations	عملیات مخفی ، عملیات پنهانی	پلیس علمی
cozen	فریب دادن	کشف علمی جرایم
crack	سرقهت شبانه	criminality
crack down	اقدام شدیدپلیس (بمنظور برقراری نظم)	مجرمیت
crash	تصادف	criminal law
creditor	طلبکار	قانون جزا، حقوق جزا
crime	جرم	criminally
crime deterrent	عوامل	مجرمانه
باردارنده (عوامل ووسائلی که از وقوع جرم جلوگیری میکند یا آنرا به تاخیر می اندارد نظیر دزدگیر یا گماردن نگهبان )		criminally receiving
جنایی ، جنایتکار، جانی		مالخری کردن
بزهکار، جزائی، جنایت آمیز، مجرم		criminal prescription
عمل مجرمانه		مرور زمان جزایی
فعل مجرمانه		criminal procedure
دعوی جزایی		آئین دادرسی کیفری
		criminal psychology
		روانشناسی جزایی
		criminate
		متهم به جرم کردن
		criminologist
		جرم شناس
		criminology
		جرم شناسی
		criminous
		جنایی، جنایت آمیز
		criterion
		ضابطه
		critical condition
		شرایط بحرانی ،
		وضعیت بحرانی

contract	قرارداد، عقد	correctional imprisonment	حبس تأدیبی
contradiction	تناقض	correctional punishment	مجازات تأدیبی
contradictory	متناقض	correctional tribunal	دادگاه جنحه
	ضدونقیض (تناقض گوئی)		
contrary to reality	خلاف واقع	corrupt	رشوه دادن، فاسد
contrary to spritual law	خلاف شرع	corruption	رشا ، ارتشا
contrary to the routine	خلاف رویه	costly	ذیقیمت
contrary to truth	خلاف واقع	counselor=counsellor	مستشار
convict	محکوم، محکوم کردن	counter espionage	ضدجاسوسی، عملیات ضدجاسوسی
convicted	محکوم شده	counterfeit	جعلی، ساختگی
convict to jail	محکوم به زندان	counterfeiter	جاعل
conviction	محکومیت	counter guerrilla	ضدچریکی
cop	پلیس (آمریکا)	counter insurgency	ضدشورش، ضد اغتشاشات
copy	رونوشت	counter intelligence	ضداطلاعات، حفاظت اطلاعات
coroner	پزشک قانونی	countersign	اسم شب، کلمه عبور
	طیب قانونی	counter subversion	ضدخرابکاری، ضدهرانداری
coroner, s office	پزشکی قانونی	coup-d, etat	کودتا
corporal	سرجوخه	courier	پیک
corporal punishment	تذییه بدنی	court	دادگاه
corps	سپاه ، لشکر	courtesan	فاحشه، روسپی
corpse	جسد	court hearing	جلسه دادگاه
corpus	نعش	court martial	دادگاه نظامی
correction house	دارالتأدیب، کانون اصلاح و تربیت	court of appeals	

complot	دوروكلك	خیلی محرمانه (درمورد اسناد)
compound a felony	سارش کردن (باپرداخت خون بها در دعاوی جنایی)	طبقه بندی خیلی محرمانه
compounding crime	جرم مرکب ، تعدد جرم	confinement محبوس کردن رندان کردن
compromise	مصالحه کردن قولنامه ، سارش	confinement facility حبس بارداشتگاه
compurgation	تبرئه ، برائت	confirm محرر
concealed	مخفی (پنهان شده)	confiscated properties اموال مصادره ای
concealment	جاساری، اخفا	confiscation مصادره
concentration camp	بارداشتگاه جنگی	conflict نبرد ، ستیز
conclude a marriage	عقد نکاح	conjecture ظنین شدن
concubine	صیغه	conquest فتح
concurrent jurisdiction	رسیدگی قضایی همزمان به چند جرم	conscript سربار
condemn	محکوم کردن	conscription سربارگیری
condemnation	محکومیت	consent رضایت دادن
condemned	محکوم شده	conspiracy توطئه ، تبانی، دسیسه ردوبند ، ساخت وپاخت
condemned in absentia	محکوم به طور غیابی	conspire توطئه چیدن ، تبانی کردن
condemned to pay fine	محکوم به پرداخت جریمه	constable پاسبان
confess	اعتراف کردن	constabulary اداره پلیس
confession	اعتراف نامه اعتراف	constitution قانون اساسی
confessor	معترف	constrain جلوگیری از فرار متهم
confident	راردار	contraband قاچاق ، جنس قاچاق
confidential		contrabandist قاچاقچی

combat	جنگ ، نبرد، مبارزه	common law	قانون عرف
combatant	رزنده (مردجنگي)	communicant	مأمور ابلاغ
combination	قفل رمزی	communicate	ابلاغ کردن
command	فرمان (نظامی)	communication	ابلاغیه، اطلاعیه
	فرمان دادن ، فرماندهی ، فرماندهی	commutation	تخفیف در مجازات
	کردن ، دستور، امریه	company	گروهان
command channels	رده های فرماندهی ، سلسله مراتب	company commander	فرمانده گروهان
commandant	فرمانده ، فرمانده مرکز آموزش نظامی	comparative laws	حقوق تطبیقی
commander	فرمانده ، فرمانده	compensate	جبران خسارت کردن
	بیگان	compensation	غرامت ، جبران خسارت
commander-in chief	فرمانده کل قوا	competence (cy)	اهلیت قانونی ، اختیار قانونی
commander-in-chief, s	ستاد فرماندهی کل قوا	competency	صلاحیت
staff	فرماندهی	competent	صلاحیت دار
commandership	حوزه فرماندهی	complain	شکایت کردن
commandery	افسر فرمانده		دادخواست دادن
commanding officer			دادخواست
	افسر فرمانده	complainant	شاکی
commandment	اختیارات فرماندهی ، دستور	complainee	خوانده
	ارتکاب (جرم)	complainer	خواهان
commission	افسر	complaint	شکایت
commissioned officer	خلافکاری	complementary punishment	کیفرتکمیلی
commission of an offence		complex	عقده
commit a minor offence	خلاف کردن	complice	شریک جرم
commitment	حکم توفیق	complicity	شرکت در جرم
committed for trial		complier	شریک جرم

civil official	صاحب منصب	cleanse	تبرئه کردن
civil prescription	مرور زمان مدنی	clear	تبرئه کردن
civil procedure	آئین دادرسی مدنی	clearance distance	فاصله ایمنی (بین دو وسیله نقلیه)
civil rights	حقوق اجتماعی	clearing	برائت
civil rights of criminals	حقوق اجتماعی مجرمین	client	موکل
claim	ادعا ، دعوی ، دادخواست دادن	clockwise	گردش در جهت عقربه ساعت
claimant	مدعی	clue	سر نخ
claims officer	افسر رسیدگی به شکایات	cocaine	کوکائین
clandestinely	مخفیانه	code	رمز
clandestine organization	سازمان زیرزمینی	codeine	کدئین
classification	طبقه بندی شده	codified	مدون
classification of crimes	طبقه بندی جرائم	codified law	قانون مدون
classification of offenders	طبقه بندی مجرمین	codify	طبقه بندی کردن
classified documents	مدارک طبقه بندی شده	cognizance	اخطار قانونی
classified information	اطلاعات طبقه بندی شده	coiner of base money	ابلاغ رسمی
classified material	مدارک طبقه بندی شده	coiner of base money	جاعل اسکناس یا سکه قلب
classified traffic count(s)	آمار طبقه بندی شده ترافیک	coldblooded	بی رحم
classify	طبقه بندی کردن	collateral	گرو (گروبی) ، وثیقه
clean record	عدم سوء پیشینه	collision	تصادف
		collision area	صحنه تصادف
		collision speed	سرعت در لحظه برخورد (تصادف)
		collision spot	محل وقوع تصادف
		collision type	نوع تصادف
		colonel	سرهنگ
		colour-blindness	کور رنگی



charlatan	شارلاتان	circle sign	تابلو میدان
chase	تعقیب	circular letter (note)	
chaser	تعقیب کننده		بخشنامه
chasten	مجازات تأدیبی	circumstantial evidence	
chauffeur	راننده		اماره ، اماره (اتفاقی)
cheat	کلاهبرداری کردن ، تقلب کردن	circumstantiate (اتفاقی)	اماره (اتفاقی)
cheater	متقلب	citation	احضار به بازپرسی یا دادگاه برک احضاریه ، استشهاد ،
check	برک جریمه		احضار به دادگاه برای ادای شهادت
chemical agent	عامل شیمیایی (ش . م . ه)		تقدیر (ارخدمت )
chemical, biological and radiological	شیمیایی ، میکروبی ، هسته ای ( ش . م . ه ) (عواملی که توسط بعضی از کشورها در جنگها به کار گرفته میشود)	cite	احضار کردن (به دادگاه)
chevroner	فرمانده گروه	citizen	تبعه
chief	رئیس	citizenship	تابعیت
chief of police	رئیس شهربانی	city center	مرکز شهر
chief of staff	رئیس ستاد	city hall	شهرداری
chief justice	رئیس دادگاه	city limits	محدوده شهری
chief magistrate	سرکلانتر	civil	کشوری ، مدنی
chief warrant officer	استوار یکم	civil and military	
choke	خفه کردن ، خفگی ( به علت قطع مجاری تنفسی )		کشوری و لشگری
choking agent	عامل خفه کننده	civil aviation police	پلیس هواپیمائی کشوری
choking gas	گاز خفه کننده	civil contract	قرارداد مدنی
cipher	رمز	civil court	دادگاه مدنی
circle	میدان	civil disturbances	
			اغتشاشات داخلی
		civil justice administration	تشکیلات قضایی مدنی
		civil law	قانون مدنی ، حقوق مدنی

captive	رندانی جنگی (اسیر جنگی)	castle	دژ
captivity	اسارت	casalties	تلفات
captor	اسیر کننده	catastrophe	فاجعه
capture	اسیر کردن	causation of crime	علت اصلی جرم
	دستگیر کردن ، دستگیری	cause	علت ، مسبب
car	ماشین (اتومبیل)	cause and effect	علت و معلول
card playing	ورق بازی	cause of accident	علت تصادف
carelessness	غفلت	cause of crime	علت اصلی جرم
car inspection	معاینه اتومبیل	caution	اقدام ایمنی ، احتیاط
car insurance	بیمه اتومبیل	caution sign	تابلواحتیاط
carnage	قلع و قمع ، کشتار دسته جمعی	cave dwelling	راغه نشینی
carnal knowledge	نزدیکی (مقاربت) ، رنا	cell	رندان انفرادی ، سلول رندان
carriage marking	خط کشی جاده و خیابان	central police station	سانسور
carriage way	راه سواره رو	central police station	سرکلانتری
carriage way signing	علامتگذاری جاده	certificate	گواهی ، رضایت نامه
carriage way width	عرض جاده ، عرض خیابان	certify	گواهی کردن
cartridge	فشنگ ، خشاب	chain	دستبند زدن ، دستبند
cartridge belt	فانسه ، نوار فشنگ	chain of command	سلسله مراتب فرماندهی
cartridge box	جعبه فشنگ	chacs	هرج و مرج
cartridge case	پوکه فشنگ	chaplain	قاضی عسکر
cartridge clipe (magazine)	خشاب	charge	اتهام ، متهم کردن ، خرج ( مهمات نظامی)
casing	پوکه	charged	متهم
casino	قمارخانه		
casquet	کلاه کاسک		

bullet case	پهکه	burst	محل اصابت گلوله
bullet-proof vest	جلیقه ضد گلوله	burst wave	رگبار گلوله ، ترکش
bull,s-eye	قلب هدف	business law	حقوق انفجار
bully	قواد	bus-only lane	مسیر ویژه اتوبوس
burglar	سارق شبانه	bus-only street	خیابان ویژه اتوبوس
burglar alarm system	دردگیر (دستگاه)	bus station	ایستگاه اتوبوس
burglarize	سرقهت کردن در شب	butcher	قاتل قصی القلب
	سرقهت کردن مسلحانه در شب	butt	قنداق تفنگ
burglary	سرقهت شبانه	butt stroke	ضربه هاته قنداق تفنگ
burke	کشتن (بنحویکه آثاری	by law	دستور العمل
	بر روی جنازه باقی نماند بمنظور		آئین نامه اجرایی ، نظامنامه
	فروش جهت تشریح ) ، به تعویق	by-pass	گذرگاه فرعی
	انداختن مراحل دادرسی باحیله	by-pass road	راه فرعی
	وتزویر		

## C



cabal	گروه سری	caluminator	مفتری
cabbage	دلدردی	calumny	افتراء، تهمت
cabinet	هیأت دولت	camouflage	استتار
cable	مخابره کردن	capias	برگ جلب
cadaver	نعش	capital punishment	مجازات اعدام
caliber=calibre	کالیبر	capsize	چپ شدن خودرو
call to witness	گواه گرفتن ، شاهد گرفتن	captain	سروان
calumniate	افتراءدن	caption	حکم دادگاه

bootlegging(alcoholic-liquors)	قاچاق مشروبات الکلی	bribe	رشوه، رشوه دادن
booty	غنیمت	bribee	مرتشی، رشوه گیرنده
border	مرد	briber	راشی
bore	کالیبر تفنگ	bribery	ارتشاً، رشوه خواری
bottle neck	محل تراکم عبور و مرور	bribe to silence	حق السکوت دادن
boundry	مرد	bridge	پل روگذر، پل هوایی
bowl(of opium-smoker, s pipe)	حقه (وافور)	brief an attorney	وکیل گرفتن
box	جایگاه شهودیا متهم در دادگاه، اطاقک نگهبان یا پاسبان	brigade	تیپ (نظامی)
boycott	تحریم کردن	brigade commander	فرمانده تیپ
brabbling	کتک کاری	brigadier general	سرتیپ
brain	کشتن (بوسیله ضرب مغزی)	brigand	راهن، سارق مسلح
brain washing	شستشوی مغزی	brigandage	سرقهت مسلحانه
brake light	چراغ ترمز (وسیله نقلیه)	bring(an action against)	راهزنی
braking distance	خط ترمز	bring off	اقامه دعوی کردن، اقامه دلیل و مدرک در دادگاه
brass band	دسته موریک	broad-side accident	فرار دادن
brawl	مشاجره کردن	broadsword	تصادف جلوبه پهلو
breach of prison	جرم فرار از زندان	bruise	ضربت دیدن، کبود شدن (کردن)
breach of privilage	عدم رعایت مقررات مربوط به مصونیت‌های قانونی	brutal	بی رحم
breach of promise	نقض عهد	buckshot	چارپاره (نوعی فشنگ)
breach of trust	خیانت در امانت	bug	استراق سمع کردن، میکروفون مخفی
break-away	فرار از زندان	bull-dog	رولور لوله کوتاه
break in	حرر راشکستن	bullet	کلوله
break of prison	فرار از زندان		

black list	فهرست سیاه	blood thirsty	خون آشام
(فهرست اسامی اشخاص مجرم و مظنون)		bloody	خون آلود، آغشته به خون
black propaganda	تبلیغات سیاه ، تبلیغات سؤ	bloody-minded	درنده خو، جانی
blackmail	اخانی با تهدید ،	blow	ضربت
	حق السکوت ، باج سییل	blow bell	گزارش جنایت
blameless	بی گناه	blow up	منفجر کردن، انفجار
blank check	چک سفید	bluff	بلف ردن
blast	انفجار	board of trustees	هیأت امنأ
	منفجر شدن	body guard	گارد محافظ اشخاص
blast effect	اثر انفجار		محافظ شخصی
blasting cap	کلاهک چاشنی	body search	باردیدبندی
blasting fuse	ماسوره انفجاری	body-snatcher	سارق جسد یا اشیا داخل قبر
blast wave	موج انفجار	bogus	جعلی ، ساختگی
blinker	چراغ چشمک زن	bolt	گلنگدن
blinking light	چراغ چشمک زن	bolt release	چکاننده
blister agent	عامل تاول را	bomb	بمب
blitz	غافلگیری	bombardment	بمباران
blocking	سد کردن جاده	bombing	بمباران
blood	خون	bomb proof	ضد بمب (لباس)
blood agent	عامل خون (لخته کننده خون)	bond	وثیقه، وجه التزام، ضمانت
	خون آلود	bondage	تعهد ، التزام
blooded	خون آلود	bondsman	ضامن ، کفیل
blood guilt	قتل نفس ، خونریزی ناحق	bonds paper	ضمانت نامه
blood hound	سگ ردیاب زندانیان فراری	booby trap	تله انفجاری
	دیه ، خون بها	boodle	مبلغ رشوه (عامیانه)
blood money	لکه خونین	boodler	راشی و مرتشی
blood stain	خون آلود	boot	پوتین
blood stained		booth	جایگاه ، رژه ، سرپناه

barrier	نرده یا مانع جلو جمعیت ، سد معبر	become bankrupt	ورشکست شدن
barrister	وکیل، مدافع ، وکیل دعاوی	be condemned	محکوم شدن
basic research	تحقیقات مقدماتی	be found guilty	محکوم شدن
bastard	زنایزاده، حرام زاده	beggary	تکدی
battalion	گردان	behead	سر بریدن، گردن زدن
battalion commander	فرمانده گردان	bench	چایگاه (ردیف)، متهمین در دادگاه
batter	کتک زدن	bench warrant	حکم جلب
battery	ایراد ضرب و جرح، آثار ضرب و جرح	beneficiary	ذینفع
battle	زدخورده، جنگ، نبرد	be on vigil	کشیک کشیدن
battle field	میدان جنگ	berate	تنزیل درجه، خلع درجه
battle front	جبهه جنگ	be sentenced	محکوم شدن
battle ship	رزمناو	betrayal	خیانت ، لودادن ، فاش کردن
bayonet	سرنیزه	betrayer	خائن
bead	مکسک تفنگ	be tried	محاكمه شدن
beadle	مأمور ابلاغ، مأمور اخطار	be tried and found guilty	محاكمه و محکوم شدن
be armed	مسلح شدن	betting	شرط بندی
bear testimony	گواهی دادن ، شهادت دادن	bhang=bang	بنگ ، حشیش
bear witness	شهادت دادن	bibber	الکلیست
beat	کتک زدن، زدن، مأمور یا س	bid	شرط بندی
be at dragger, s point with someone	کار دو کار دکشی کردن با کسی	bilateral treaty	قرارداد دوجانبه
beating and foul language	ضرب و شتم	bill	لایحه
belabor	ضرب و شتم	bill of indictment	کیفرخواست
beating each other	کتک کاری	binder	قولنامه
		bind one, s arms	کت کسی را بستن

attestor(er)	گواه، شاهد	سلاح کمربندی خودکار
attorney	وکیل دعوی، وکالت داشتن	دستگاه - شمارش خودکار (مخصوص شمارش وسائل نقلیه در اتوبانها و جاده‌ها)
attorney general	دادستان کل	ماشین (اتومبیل)
attorneyship	وکالت	سرقت اتومبیل
authority	اختیار قانونی	اثبات کردن
authorized	مجاز	دفاعیات، اثبات
autobahn	اتوبان	برگه رأی دادگاه
auto insurance	بیمه اتومبیل	
automatic(pistol)		

## B



bad intention	سوءنیت	banditry	راهزنی
bad language	فحش، دشنام	bane	کشتن (بازهر)
bad record	سوابق بد، سوء سابقه	bang	بمب
bail	ضمانت، ضامن شدن	bank robbery	بانک رزنی
bail bond	ضمانت نامه، کفالت نامه	bankrupt	ورشکست
bailer	کفیل	bankruptcy	ورشکستگی
bailiff	مأمور اجرای دادگاه بخش	banned	قندغن
bail out	به قید کفیل آزاد کردن	bar	رد کردن درخواست
bailsman	ضامن	barbed wire	سیم خاردار
balloting	قرعه کشی	barracks	پادگان
ban	تحریم، توقیف کردن	barratry	نیرنگ، خدعه
bandit	سارق مسلح، راهزن	barred	ممنوع
		barred by statute	مشمول مرور زمان
		barricade	سنگر بندی و یا ایجاد موانع عبور در خیابان، مانع عبور

army staff headquarters	استاد نیروهای مسلح	assembly	شبهور جمع
arraignment	احضار متهم به دادگاه	assent	رضایت دادن
arrayal of troops	صف آرائی	assertion	اثبات دعوی ،
arrest	دستگیر کردن	assign	مأمور کردن
arrestation	دستگیری، بارداشت	assignment	مأموریت
arrestee	دستگیر شده	assistant to the public	دادیار
arrested	دستگیر کننده، مأمور دستگیری	assize court	دادگاه جنایی
arrestment	دستگیری، بارداشت	associate	شریک جرم
arret	دستگیری به حکم قانون -	assoil	تبرئه کردن ،
arretted	به رأی دادگاه	آراد کردن ،	بخشیدن
arson	دادخوانده	assume	دادخواهی
asperse	حریق عمدی (ایجاد کردن)	assumpsit	التزام ، تعهد
aspersion	افترا	assumption	اقامه دعوی
aspersion of another,s	افترا	assylum	پناهندگی
dignity	هتك حرمت	assythment	دیه قتل
asphyxia	خفگی (بعلت کمبود	astray bullet	تیر هوایی
اکسیژن یا تنفس گاز کربنیک)		as you were!	
asportation	تغییر محل اموال مسروقه		بجای خود ! (فرمان نظامی)
assail	حمله کردن	atrocious	بی رحم
assailant	مهاجم ، ضارب	attachment of property	توقیف اموال
assassin	آدم کش، قاتل، تروریست	attack	هجوم، تگ (حمله)
assassinate	آدم کشی، ترور کردن	attaint	محکوم کردن
assassination	به قتل رساندن ، ترور کردن		ردنظر هیئت منصفه
	قتل ، آدم کشی ، ترور	attempt	سؤ قصد ،
assassinator	قاتل، تروریست		شروع به جرم
assault	هجوم، حمله مسلحانه،	attention!	خبردار ! (نظامی)
حمله ناگهانی ، تجاوز (جنسی)، تهاجم		attestant	شاهد ، گواه
		attestation	شهادت (با قید سوگند)



amnesty international	عفو بین الملل	apprehend	دستگیر کردن ، توقیف کردن
	سازمان عفو بین الملل	apprehension	دستگیری ، توقیف
amok=amoke	جنون آنی	approve	تصویب کردن (قانونی)
amortize(ise)	کشتن	approval	تصویب
amputation of the hand	قطع دست	acknowledgment	اعتراف و معرفی همدستان مجرم
anarchism	هرج و مرج طلبی	arbitrator	داور
anarchist	هرج و مرج طلب	arbitrage	داوری کردن ، حکمیت
anarchy	آشفتنگی اوضاع اجتماعی	arbitrageur	داور
	هرج و مرج ، اغتشاش ، بلوا	arbitrary arrest	توقیف غیرقانونی
anguish	دلهره	arbitrate	داوری کردن
annihilated	معدوم	arbitration	حکمیت ، داوری
annihilation	امحاً	arbitrator	داور
announce	خبر دادن	arbitrator	داور
annoyance	مردم آزاری ، مزاحمت	arbitrator	داور
anonym	ناشناس	arcunum	خوداری از ادای شهادت
anonymous	ناشناس	areopagus	دادگاه نهایی (فرجام)
	بی نام و نشان ، مجهول التوبیه	arm	سلاح ، اسلحه ، مسلح کردن
antemortem	قبل از مرگ	armaments	تسلیحات ، اسلحه برداشتن ، مسلح شدن
anxiety	اضطراب ، لهره	armaments	تسلیحات
appeal	استیناف خواستن	armaments	تسلیحات
	فرجام خواهی ، فرجام ، تجدیدنظر	armaments	تسلیحات
appellant	درخواست کننده استیناف	armaments	تسلیحات
appellor	درخواست کننده استیناف	armaments	تسلیحات
application	درخواست نامه ، تقاضا	armaments	تسلیحات
appointment	قیمومت قانونی	armaments	تسلیحات
opposer	بازپرس ، مستنطق	armaments	تسلیحات

affirm	اظهار نظر قطعی کردن	alimony	نفقه
affranchisement	برالت	allay	آرام کردن جمعیت
affrayer	نزاع کننده	all clear	آزیر رفع خطر حمله هوایی
affront	هتاک	allegedly	متهم به جرم
affronter	هتاک	allonym	اسم مستعار، اسم جعلی
aforethought	عمدی	all-red interval	مدت زمان چراغ قرمز
against	علیه	all-red period	مدت زمان چراغ قرمز
agent	عامل اطلاعاتی	altercate	مشاجره و نزاع
agent net	شبکه اطلاعاتی	altercation	مشاجره
aggravating circumstances	علل مشدده	alternate	قائم مقام (دائمی)
aggravating qualities of law	کیفیات مشدده قانونی	ambassador	سفیر
aggravation	تشدید مجازات	ambush	کمین کردن ، درکمین
aggressiveness	پرخاشگری		نشستن ، کمینگاه
agitator	آشوبگر	amelioration	سارش
agreement	قرارداد	amend	غرامت دادن ، اصلاح
aim	نشانه روی کردن		کردن قانون
aiming	نشانه روی ، هدف گیری	amerce	جریمه کردن
airfield	فرودگاه	amercement	جریمه ، جریمه نقدی
air force	نیروی هوایی	ammonal	آمونال (نوعی ماده منفجره قوی)
air raid shelter	پناهگاه (حملات هوایی)	ammunition belt	نوار فشنگ ، فانسکه
alarm	آزیر خطر (علامت خطر)	ammunition chest	جعبه مهمات ، شانۀ فشنگ
alcoholic	دائم الخمر ، الکلی	ammunition depot	انبار مهمات
alcoholic crimes	جرایم مربوط به مشروبات الکلی	ammunitions	مهمات
alert force	نیروی آماده باش	amnesty	عفو عمومی ، عفو
alibi	اقامه دلیل از طرف متهم برای اثبات عدم حضور در صحنه جرم		بخشودگی

addicted	معتاد	دادگاه اداری ، دیوان عدالت اداری
addiction	اعتیاد	دریاسالار
additional charges	اتهامات اضافی	تصدیق ، پذیرش
adduce	اقامه دلیل کردن ، استناد	اعتراف (در مراحل بازپرسی)
adduce an argument or- reason	استدلال کردن	فرزندخواندگی
adduce a witness	استشهاد	سرپرستی بچه ای را قبول کردن
adjourment	سوگند	رنا کردن ، تقلب
adjourn	به تعویق انداختن	رنا کردن
adjudge	محاكمه ، ختم دادگاه	جعل و تزویر
adjudged	رأی یا حکم قضائی صادر کردن	رانی ، مرد رناکار ، فاجر
adjudicate	محكوم شده	adulteress
adjudication	قضات کردن	رن رناکار ، رانیه ، فاجره
adjuration	قضات ، داوری	adulterine
adjure	قسم ، سوگند	رنا راده
adjutancy	سوگند دادن ، قسم دادن	adultery
adjutant	آجودانی	رنا (محصنه)
adminicle	مدرك ، سند	directional sign(s)
adminiculation	اثبات بامدرك	تابلو (های) جهت نما
administer an oath to	سوگند دادن	advance in rating
administrative crypto-		ارتقا رتبه
accounts	نگهداری اسناد و مدارك محرمانه	advance sign(s)
administrative law	حقوق اداری	تابلو (های) پیش آگاهی
administrative tribunal		advance warning sign(s)
		تابلو (های) اخطار کننده
		(هشدار دهنده)
		adverse
		عدوانی
		adverse possession
		تصرف عدوانی (در مال غیر منقول)
		adversary
		طرف دعوی
		advocacy
		وکالت
		advocate
		وکیل دعای ، دفاع
		advocator
		وکیل مدافع
		affidavit
		سوگندنامه ، شهادت نامه

police academy	مرکز تحقیقات و آموزشهای پلیسی	accident type	نوع تصادف ، نوع برخورد
acceptance	رویت قانونی	accident zone	صحنه تصادف ، منطقه تصادف
accessorial punishment	کیفر تبعی	accomplice	شریک جرم
accessoriness	شرکت در جرم	accomplicity	مشارکت در جرم
accessory	شریک جرم	accriminate	اتهام زدن ، متهم به جرم کردن
access procedures	روشهای مربوط به کشف و خنثی سازی	accroach	تجاوز به مال غیر
access to classified-	تخریب مواد منفجره یابی اثر کردن آن	accuracy of fire	دقت تیر
materials	دسترسی به مدارك طبقه بندی شده	accusal	اتهام
accident	حادثه ، سانحه ، تصادف ( وسائط نقلیه )	accusant	اتهام رننده ، خواهان
accident area	محل وقوع تصادف	accusation	اتهام
accident causation	علت تصادف	accuse	اتهام زدن
accident data	دانشتنیهای جامع مربوط به تصادف	accuse	متهم ، خواننده ، دادخواننده
accident record	ثبت تصادفات	accuser	اتهام رننده ، متهم کننده
accident report	گزارش تصادفات	acknowledgee	مقر ، معترف
accident severity	شدت تصادف ، شدت برخورد	acknowledgement	اقرار ، اعتراف
accident spot	محل وقوع تصادف	acquit	تبرک کردن
accident statistics	آمار تصادفات	act	قانون فرمان ، حکم ، امر ، قرارداد
		acting	قائم مقام (موقتی)
		action	عمل (فعل)
		actionable	قابل تعقیب
		actioner	تعقیب کننده (ارطریق قانون)
		actionize	اقامه دعوی کردن
		actor	مدعی ، خواهان
		adantiler	شریک در جیب ببری
		addict	عملی ، معتاد

# A



abandonment	ترك پست ، ترك خانواده	abortive foetus	جنین سقط شده
abandum	اموال مصادره ای	about! turn	عقب گرد! ( فرمان نظامی )
abatement	تخفیف در مجازات	abrogation	لغو قانونی
abatement of nuisance	رفع مزاحمت	abrogation	سسخ قانونی ( اسقاط اعتباری )
abbreviation	علامت اختصاری	abscond	فرار کردن از مجازات
abdicated	مستعفی	absence of malice	بدون سوء نیت
abdication	استعفا	absent	غایب
abduction	آدم ربائی	absolution	عفو ، بخشودگی ، تبرئه
( اغفال ) ( به منظور ارتکاب جرایم جنسی )		absolve	عفو کردن
abductor	آدم ربا	absorbed in worries	غرق در نگرانی
aberrant	گمراه	abuse	دشنام ، سوء استفاده
aberrate	گمراه شدن	abuse of confidence	خیانت در امانت
aberration	گمراهی	abuser	هتاک
abetment	معاونت در جرم	abusion	سوء استفاده ، تجاوز به حقوق
abettor (abetter) - aider	معاون جرم	abusive	اهانت آمیز
abigeat	سرقت احشام	abusive language	ناسزا
abjudge	رد قانونی	abusiveness	فحاشی
abjuration	نقض عهد ، شکستن سوگند	aby (abye)	خریدن مجازات
abnormal	ناهنجار		
abort	سقط جنین کردن		
abortion	سقط جنین		

researchers and others , who are engaged in studies relating to crime investigations , law enforcement , criminology , and other pertaining fields .

The book , so far as we know , is the first ever published in the field of police reference literature , inevitably rendering it liable to the sins of omission and commission ; therefore we would invite and appreciate any criticisms suggested by interested scholars .

Our acknowledgement goes to the Head of Iranian Documentation center for his sincere cooperation and also to Mr. Bizhan-Bijary for his wise management and unstinted efforts in making the publication of this terminology possible .

Board of Authors and Researchers,  
Training Bureau ,  
The Islamic Republic of Iran  
Police Administration .

In The Name of God  
The Compassionate , The Merciful  
Preface

This book is the result of two years ' efforts made by a group of researchers and authors in the Education Bureau , The Islamic Republic of Iran Police Administration . During this period , many sources regarding police science and law were studied and searched for word extraction .

In selection of police terms , the compilers confined themselves to the activities falling within the jurisdiction of our police force and the same procedure was also assumed in handling law terms , especially criminal law .

Primarily , there was prepared a draft , then all the potential entries were reviewed meticulously for several times. For the reason that a few of the special words might not be understood by non - specialist users of the book , some extra but brief explanations were also provided . Conclusively , the collected words were arranged in two calssifications : English and farsi .

Furthermore , ecause the professional criminals intercommuniacte in a strange language , not found in ordinary dictionaries , it was deemed necessary to devote a part of the book to such underworld slangs ,but the bulk was so great that it required a separate volume to capacitate it all. Nevertheless, the special importance that is attached to the issue of narcotics in Iran , there was set aside a portion for the insertion of the slangs used by drug offenders .

Now , the authors of ' A Dictionary of Police Science ' hope to have been able , within their capacity , to compile a dictionary of police vocabulary responsive to and considerably meeting with the needs of university students , translators,

**A Dictionary Of Police Science**

**English - Persian**

**Persian - English**

**Compiled by : Mehdi Rikhteh - Gar ; Mansoor Malekyan ;  
Sey'yed Hadi Horri'yeh ; Nasrollah Amir-  
Bashiri ; Ali asghar Zabeti Jahromi ;  
Amir Hossein Vakil Gilani; Tahereh Hosseini**

**Published by: Iranian Documentation Centre**

**P . O . Box : 13185 - 1371 , Tehran , Iran**

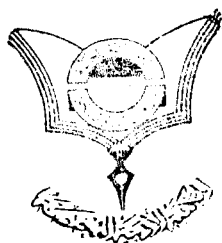
**Copies : 3000**

**Price : Rials 1200**





*Islamic Republic of Iran*  
*Ministry of Culture and Higher Education*



# A DICTIONARY OF POLICE SCIENCE

**English-Persian**  
**Persian-English**

Covering terms on:  
Crime investigations  
Criminology  
Law  
traffic  
Narcotics

Iranian Documentation Center

---

Tehran 1991